

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

گزارش برگزاری

کنفرانس بین‌المللی «گفتگوی امنیتی هرات»

«حل و فصل منازعه افغانستان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»

۲۶ و ۲۷ میزبان ۱۳۹۸ - هرات



www.aiss.af

AISS-HSD-08-2019

فهرست مطالب

- درباره انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان ۱
- معرفی کوتاه گفتگوی امنیتی هرات ۳
- یادداشت موضوعی کنفرانس هشتم ۳
- نشست افتتاحیه ۵
- جلسه اول: اجماع بین نخبگان: ملی‌گرایی و نظام سیاسی ۱۴
- پرسش و پاسخ: ۲۲
- جلسه دوم: طالبان ۱ و ۲: آیا آنها درس خود را آموخته‌اند؟ ۲۲
- پرسش و پاسخ: ۲۷
- جلسه سوم: تحول اقتصادی و اجتماعی ۲۷
- پرسش و پاسخ: ۳۱
- جلسه چهارم: آسیای جنوبی: تغییر پارادایم؟ ۳۲
- پرسش و پاسخ: ۳۴
- جلسه پنجم: قربانیان جنگ، عفو ملی، راهکارهای صلح پایدار ۳۶
- پرسش و پاسخ: ۴۳
- جلسه ششم: اجرا و تضمین موافقت‌نامه صلح ۴۳
- پرسش و پاسخ: ۴۹
- جلسه پایانی: نگاهی به آینده ۵۱
- پرسش و پاسخ: ۵۵
- سپاس‌گزاری؛ رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان ۵۷
- پیوست‌ها ۵۸
- پیوست ۱: زندگینامه‌ها ۵۸
- پیوست ۲: برنامه کاری ۶۶
- پیوست ۳: فهرست شرکت‌کنندگان ۶۸
- پیوست ۴: بازتاب‌های خبری کنفرانس در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی ۷۲
- پیوست ۵: تصاویر کنفرانس ۷۳

درباره انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

مأموریت

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک سازمان مستقل پژوهشی است که در میزان سال ۱۳۹۱ تاسیس گردیده و به یک مرکز تحقیقاتی برتر در افغانستان تبدیل شده است. هدف از پایه‌گذاری این مرکز، فراهم سازی یک فضای فکری برای رسیدگی به مسائل استراتژیک مربوط به افغانستان در حوزه‌های گسترده‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. از اهداف دیگر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان نشر پژوهش پیرامون مسائل مهم کشوری و راه‌اندازی گفت‌وگو برای طیف‌های ذینفع می‌باشد. تمام فعالیت‌ها و برنامه‌های انستیتوت بطور مستقلانه، حرفه‌ای و مطابق به ارزش‌های ملی و بین‌المللی صورت می‌گیرد.

اهداف

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک پژوهشگرده مستقل پژوهشی و غیرانتفاعی می‌باشد. هدف از ایجاد آن فراهم سازی زمینه‌ی علمی پیرامون موضوعات راهبردی، ترجمه و چاپ کتاب‌ها و مقالات علمی می‌باشد. انستیتوت تلاش دارد با راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی و ابتکارات عملی برای توانمندسازی جوانان که آینده سازان کشور می‌باشد، فعالیت نماید. گروه مشاورین

ابزارها و فعالیت‌ها

- در راستای تلاش‌های جاری برای تحکیم دستاوردهای شکننده افغانستان و تحقق یافتن منابع فراوان بشری و طبیعی این کشور، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان از یک سری تدابیر و وسایل استفاده می‌کند.
- انجام دادن پژوهش‌ها مستقل
- توافقات همکاری با موسسات همسو
- چاپ (کتاب‌ها و مجلات)
- ترجمه کتاب‌ها، مقالات از انگلیسی به فارسی / پشتو و بالعکس
- برگزار نمودن همایش‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها (در سطح محلی، ملی و بین‌المللی) و جلسات
- برگزاری برنامه‌های آموزشی در امور اجرایی و رهبری
- تاسیس برنامه اهدای جایزه سالانه برای جوانان برجسته افغانستان و شخصیت‌های مهم بین‌المللی
- ادغام شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نو در تمام فعالیت‌های خود

ساحات پژوهش

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان پیرامون طیفی گسترده از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کار پژوهشی انجام می‌دهد. در حال حاضر پژوهش‌ها ما در برگزیده این ساحات می‌باشد: روند دموکراتیک دولت‌سازی، امنیت ملی، انکشاف پایدار اقتصادی، همکاری‌ها و ادغام منطقه‌ای، همکاری استراتژیک افغانستان- ایالات متحده امریکا/غرب، احیای اندیشه اسلامی و تجلیل از خراسان (ملی/ ادغام فرهنگی-منطقه‌ای/ بازتولید).

گروه مشاورین

- ❖ داکتر رنگین دادفر سپنتا، رئیس گروه مشاورین (افغانستان)
- ❖ داکتر بارت ار. روبین (ایالات متحده امریکا)
- ❖ داکتر دیوید سموئل سیدنی (ایالات متحده امریکا)
- ❖ داکتر سیما ثمر (افغانستان)
- ❖ پروفیسور شهربانو تاجبخش (فرانسه)
- ❖ داکتر رادھا کومار (هند)
- ❖ سفیر کای آیدہ (ناروی)
- ❖ پروفیسور ونگ جیسی (چین)
- ❖ احمد نادر نادری (افغانستان)

آدرس:

کابل: قلعه نه برجه، کارته پروان، کابل، افغانستان

هرات: شرق پارک ملکیار، جاده مجیدی، هرات، افغانستان

وبسایت: www.aiss.af

معرفی کوتاه گفتگوی امنیتی هرات

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، هشتمین دور "گفتگوی امنیتی هرات" را در تاریخ ۲۶ و ۲۷ میزان ۱۳۹۸ در شهر هرات افغانستان برگزار کرد. در این همایش دو روزه، شماری از مقامات عالی رتبه، قانونگذاران، دانشگاهیان، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، رسانه‌ها و فعالین جامعه مدنی حضور داشتند. این دور گفتگو با موضوع "حل و فصل منازعه افغانستان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها" برگزار شد.

گفتگوی امنیتی هرات یک کنفرانس بین‌المللی سالانه است که توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در شهر تاریخی هرات برگزار می‌شود. هدف اصلی این همایش ایجاد فرصت گفتگو میان نمایندگان کشورها برای بحث و بررسی مسایل همکاری در ساحات امنیت، سیاست، فرهنگ و انکشاف در سطح داخلی و بین‌المللی است.

یادداشت موضوعی کنفرانس هشتم

درگیری‌های افغانستان و به دنبال آن تلاش‌ها برای یافتن یک توافق سیاسی پایدار به ۴۰-امین سالگرد شرم‌آور خود در سال ۲۰۱۹ می‌رسد. این سرنوشت غم‌انگیز با ۱۰۰-امین سالگرد استقلال کشور از استعمار انگلیس نیز همزمان شده است. این کشور انواع گوناگونی از درگیری‌ها و تلاش‌ها برای حل این مناقشات را به خود دیده است.

با وجود بسیاری از این تلاش‌ها و نسخه نویسی‌ها برای توافق سیاسی هیچ یک منجر به آوردن یک راه حل مشروع، موثر و پایدار برای یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های جهان نشده است. سفیر خلیل‌زاد، دیپلمات با سابقه آمریکایی، نمایندگی از یک دولت "هرگز نشنیده و دیده نشده" امریکایی را دارد که دوباره وارد صحنه مناقشه افغانستان شده است. او در حال حاضر امید به یک توافق نهایی را به ارمغان آورده است، در عین حال باعث ترس از «طالبان ۲» در بسیاری از حوزه‌های سیاسی شده است. ارتباط اولیه او با «طالبان ۱» ترس اخیر را نیز تشدید کرده است.

آیا تلاش‌های او به ویتنام دوم امریکا و تجربه روس‌های از افغانستان با به دنبال داشتن هزینه‌های فاجعه بار برای افغان‌ها، اعتبار ایالات متحده و ثبات منطقه‌ای و جهانی منجر خواهد شد؟ یا آیا او می‌تواند به آغاز روند نشست بن دوم بر پایه دستاوردهای اولین کنفرانس بن که او در اواخر سال ۲۰۰۱ نقش مهمی در آن ایفا کرد، کمک کند؟ پیامدهای طالبان «۲» برای افغان‌ها، منطقه و امنیت جهانی چیست؟ اولویت‌ها، شرایط، پایه‌ها، جدول زمانی و ضمانت‌ها (ها) برای بن دوم چیست؟

هشتمین کنفرانس گفتگوی امنیتی هرات به بحث در مورد منازعه افغانستان و به دنبال آن تلاش‌ها برای حل آن در حوزه‌های تاریخی، جغرافیایی و مفهومی، با توجه ویژه به آینده و «راه حل‌ها» اختصاص یافته است. موضوعات و سوالات شامل موارد زیر می‌شود:

موضوعات و سوالات شامل موارد زیر می‌شود:

- چشم‌انداز یک اجماع بین نخبگان افغانستان بر سر هویت دولت؛ آیا ناسیونالیسم مدنی می‌تواند بر ناکامی قومی و خصومت قومی غلبه کند، به ویژه در میان نخبگان؟
- آیا تقسیم افقی و عمودی قدرت و دموکراتیزه کردن، نظام دولت و جامعه را نزدیک‌تر کند؟
- روابط پاکستان با افغانستان: آیا یک راه حل بومی قرن ۲۱ برای یک مشکل استعماری قرن ۱۹ وجود دارد؟
- آیا طالبان ایدئولوژی تمامیت خواه خود را ترک کردند؟
- آیا «جمهوری اسلامی» پاسخی به چالش امارت/خلافت اسلامی است؟

- آیا آمریکا می‌تواند افغانستان را از رقابت‌های فعلی خود با روسیه، چین، ایران جدا کند و بالعکس؟
- قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، چین، روسیه و هند) می‌توانند خلاء خروج احتمالی آمریکا را پر کنند؟
- آیا یک ماموریت حفظ صلح تحت رهبری سازمان ملل می‌تواند جایگزین ماموریت به رهبری ناتو باشد؟
- آیا قانونی شدن مواد مخدر می‌تواند راه حل بحران «تریاک افغانستان» باشد؟
- چگونه حقیقت و بخشش می‌تواند صلح افغانستان را تکمیل کند؟

نشست افتتاحیه

هشتمین دور کنفرانس بین‌المللی گفتگوهای امنیتی هرات با قرائت چند آیت از قرآن کریم، پخش سرود ملی افغانستان، خوانش مناجاتی از عبدالرحمن جامی، پخش موسیقی عارفانی و سخنرانی عبدالقیوم رحیمی والی ولایت هرات آغاز شد.



آقای رحیمی، ضمن خوشامد گویی به میهمان داخلی و خارجی به ولایت هرات، در باره اهمیت تاریخی این شهر صحبت کرده گفت، که هرات در گذشته نقطه وصل میان تمدن‌ها بوده است. آقای رحیمی علاوه نمود، کشور ما افغانستان چهل سال است که در جنگ است و مردم رنج می‌برند، ولی هنوز هیچ امید برای پایان این جنگ دیده نمی‌شود، وی در مورد صلح گفت، ما نمی‌توانیم صلح را در پایتخت کشورهای بیرونی جستجو کنیم و در گذشته نه‌چندان دور چنین صلحی را تجربه کردیم که در کشورهای دیگر تصمیم اتخاذ شده بود که بلاخره نتیجه آن ناکام بود. به باور آقای رحیمی، صلح باید از ولسوالی‌های افغانستان، مانند ولسوالی شیندند و موسی قلعه آغاز گردد. اگر به تاریخ خود نگاه کنیم، بسیار موضوعات حساسی بوده که افغان‌ها با گفت‌وگو با همدیگر آنها را حل و فصل کرده اند. از دید آقای رحیمی، قبل از مذاکره، لازم است تا بر جوانب مختلف صلح کار پژوهشی انجام شود و آگاهانه وارد گفت‌وگو شویم، ایشان یادآوری کرد که ولایت هرات تاریخ درخشانی دارد، مسائل زیادی در این مرز و بوم حل گردیده است و نیاز به مکانی بیرونی نیست. و گفت که من به نمایندگی از مردم هرات، آمادگی کامل خود را به طرف‌های بین‌المللی، داخلی و طالبان برای زمینه سازی، گفت‌وگوهای صلح در شهر هرات و قلعه اختیارالدین که تاریخ سه‌هزار ساله دارد را اعلام می‌داریم.



سخنران دکتر رنگین دادفر سپنتا، رییس بورد مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

مانند بسیاری از منازعه‌های اجتماعی و سیاسی، منازعه جاری در افغانستان هم در پهلوی مشترک‌ها، با دیگر منازعات، دارای ویژه‌گی‌های منحصر به فرد خودش است.

از سال‌های ۲۰۰۸ بدین سو، کشورهای غربی‌ای که نیروی نظامی در افغانستان داشتند، به خصوص بریتانیا و برخی از حلقه‌ها در ایالات متحده امریکا، اصطلاح شورش‌گری را برای تعریف و تعبیر منازعه‌ی افغانستان ابداع کردند. این اصطلاح از آن سال‌ها به بعد در ادبیات سیاسی کشورهای که بنام متحد افغانستان یاد می‌شوند، جای افتاد.

دو رویکرد در این باره در میان سیاست‌گران کشور ما نیز وجود داشت. برخی این اصطلاح را به زودی پذیرفتند. چرا که از منظر آنان علت اصلی منازعه افغانستان موجودیت دولت‌داری بد و فساد در کشور ما بود و این یگانه و دست کم مهمترین علت بود. اما برخی دیگر که منازعه افغانستان را چند علتی و علت عمده‌ی آن را هم مداخله‌های خارجی تلقی می‌کردند، در برابر بکار برد این اصطلاح برای تفسیر و تعبیر جنگ در افغانستان مقاومت می‌کردند. من از جمله کسانی بودم که استفاده از این تعبیر را برای تبیین جنگ جاری در افغانستان درست نمی‌دانستم. جنبش طالبان به باور من نمایندگان یک جنبش دهقانی و یا شورش‌گران ضد فساد نبودند و نیستند. فساد یکی از علت‌های مهم است و نه علت اصلی جنگ.

در پناه واژه عوام‌پسند شورش‌گری بدون شک که نیت ویژه‌ای نهفته بود. گفتمان شورش‌گری در ادبیات سیاسی رسمی و رسانه‌ای افغانستان و بین‌المللی به فراوانی مورد استفاده قرار گرفت. و به شیوع این پندار که جنبش طالبان عصیان توده‌های ناراضی و ضد اشغال است، دامن زد.

واقعیت این بود که این تعبیر از منظر مطالعات علمی منازعات نه آن زمان مصداق داشت و نه هم امروز مصداق دارد. علت اصلی منازعه خونین جاری در کشور ما، مخالفت با حضور قوای خارجی و یا آن طوری که ادعا می‌شود، مبارزه با اشغال نیست.

این جنگ جهاد هم نیست، از تعبیر و تفسیر جهاد برای روپوش گذاشتن به یک قتل عام گسترده و حاکم‌ساختن بدترین نوع ارتجاع و حاکم ساختن خردخفتگی و دموکراسی‌ستیزی استفاده می‌شود.

جنگ پاکستان و طالبان سال‌ها پیش از آن که حتی یک سرباز ناتو و ایالات متحده در کشور ما حضور داشته باشد، علیه افغانستان آغاز شد. حضور قوای خارجی در افغانستان بهانه‌ای ادامه یک جنگ خونین است و این بهانه به جنگ‌جویان انگیزه‌ای مبارزاتی می‌دهد و حس بیگانه‌ستیزی و جهادگرایی آن‌ها را تحریک می‌کند؛ از دین در این جنگ استفاده ابزاری می‌شود.

در این هجده سال استراتژی ایالات متحده آمریکا در افغانستان متمرکز است بر همکاری و هم‌یاری با پاکستان. ایالات متحده آمریکا نه تنها با برخاستگاه و پناه‌گاه‌ها مبارزه نکرد بلکه با حمایت‌های سخاوتمندانه مالی از پاکستان موجب تقویت این کشور گردید.

در این جنگ، مردم افغانستان و نیروهای دفاعی ما تلاش می‌کنند تا از قانون اساسی، استقلال و تمامیت ارضی کشور ما دفاع کنند و این کار را در شرایطی انجام می‌دهند که نخبگان سیاسی ما چیزی از این قانون اساسی برجای نگذاشته‌اند. آن قدر ارزش‌های جمهوری و قانون‌مداری را دولت‌مردان ما ویران کرده‌اند که از این ارزش‌ها بجز کالبد میان‌تهی چیزی نمانده است.

آن قدر مردم ملکی افغانستان در درون کشور خود شان بمباران شدند و کشته شدند که بلاخره بسیاری بر اهداف دفاعی این جنگ شک کردند. حتی برخی‌ها به این توهم مبتلا شدند که کلیت این جنگ یک توطئه‌ای کلان است با زیرمجموعه‌ای از توطیه‌های کوچک.

در این جنگ، ایالات متحده نیز گیر مانده است و تنها توجیهی که برای ادامه آن داشت، ادعای مبارزه با تروریسم بود. این شعار نیز با ارتقای رهبران و تیوریسن‌های طالبان به شریک و همکار در فرایند گفت‌وگوهای صلح و حضور آن‌ها در محافل بین‌المللی بی‌معنا شده است.

افغانستان شاید تنها در معماری استراتژیک امنیتی جهانی امروز ایالات متحده در رقابت با جمهوری مردم چین دارای اهمیت استراتژیک باشد. کشور همسایه ما پاکستان هم هنوز در پی عمق استراتژیک است. و دسته‌های تروریستی مانند القاعده و داعش و یا گروه‌های که به نام داعش مسما شده‌اند و در واقعیت با داعش شرق‌میانه کمتر رابطه دارند، این گروه‌ها در پی پیش‌برد به ظاهر سیاست جهادی شان می‌باشند. مافیای مواد مخدر و صاحبان اقتصاد نامشروع شاخه‌ای دیگری است که در این جنگ شریک بوده و در پی کسب سود و اندوختن ثروت در یک اقتصاد جنگی می‌باشد. اهداف این‌ها، از منظر منافع ملی افغانستان اهداف مشروع نیستند و جنگ بخاطر تحقق چنین اهدافی نیز نامشروع است؛ جنگی کثیف است.

این جنگ، در عین زمان یک جنگ استخباراتی و نیابتی است.

فدراسیون روسیه با ایالات متحده آمریکا، ایالات متحده با جمهوری مردم چین، عربستان سعودی با ایران، ایالات متحده با ایران، پاکستان با هند و برعکس آن، همه باهم به نحوی در این جا درگیر‌اند. و ما مردم افغانستان قربانیان این تلاش‌های نیابتی هستیم.

بدین‌گونه که ما در گیر یک جنگی هستیم که جنگ دیگران است. و امکان پیروزی نظامی در این جنگ ممکن نیست. به دلیل عوامل زیاد موثر در این جنگ، تداوم جنگ جاری و تداوم خشونت به نوعی ادامه می‌یابند که ما مردم افغانستان در آن کمتر نقش داریم؛ مثل این‌که این جنگ خودگردان شده و به شیوه‌ای زندگی تبدیل شده باشد؛ در پس‌آمد این خشونت‌فراگیر، گستره‌ای جامعه ما است که هر روز بیشتر از پیش از ارزش‌های اخلاقی انسان‌دوستانه و صلح‌طلبی از اخلاق اجتماعی و سیاسی تهی می‌شود. ما همه پس از کشتار و قتل عام کودکان، زنان و افراد ملکی به زندگی روزمره برمی‌گردیم، بدون آن که بدانیم چرا چنین می‌شود.

این جنگ تا کنون بجز از کشتار حاصلی نداشته است. حیف است که جوانان ما دسته‌دسته هر روز به خاک خون می‌افتند و آن‌هم در شرایطی که نخبگان سیاسی بر سر تداوم یک قدرت سیاسی غیردموکراتیک، نژادپرستانه و قانون ستیزانه به کمک دستگاه‌های جعل نظام‌مند بر سر ارزش‌ستیزی با هم رقابت می‌کنند.

بنیامین فرنس سخن زیبایی دارد بدین مضمون: «اگر جنگ‌ها پایان می‌یافتند، ما می‌توانستیم دنیا را دگرگون کنیم. انسان‌های که بدون جنگ می‌توانستند به یک زندگی شرافت‌مند بپردازند، در جنگ به جنایت‌کاران مسخ می‌شوند. جنگ همه جنایت‌کاران را متحد می‌سازد».

با اندوه که من نمی‌توانم با وجود آرزوی خودم در باره یک صلح دموکراتیک و عادلانه سخن بگویم. چنین صلحی، صلح آرمانی است و در شرایطی ممکن می‌بود که رهبری مردم ما و کشورهای متحد ما دارای آرمان‌های عادلانه می‌بودند و ما می‌توانستیم مردم خود را برای تحقق آرمان‌های عدالت‌طلبانه بسیج کنیم.

مردم افغانستان در آغاز در آرزوی رسیدن به یک صلح عادلانه بودند و در این راه قربانی دادند اما حکومت‌داری بد و جنگ بی‌معنا و بی‌هوده‌ای کشورهای غربی و مبارزات برخاسته از رقابت‌های منطقه‌ای این جنگ را از محتوای عادلانه آن، البته اگر جنگ‌ها محتوای عادلانه داشته باشند، تهی کردند.

اشرافیت برخاسته در روزگار جنگ از باور و حس میهن‌پرستی تهی است. آخرین کسانی که هنوز با شجاعت و قهرمانی در راه دفاع از خاک و میهن جان‌بازی می‌کنند، نیروهای امنیتی و دفاعی کشور ما اند.

با این همه فداکاری و جان‌بازی مردم افغانستان از جنگ خسته اند و زمین‌گیر شده اند. اکثریت مردم عادی از جنگ، از انتخابات‌های پر از جعل، از فساد، از رشوه و سیاسیونی که همه روزه به مردم دروغ می‌گویند، بیزار اند.

این مسلخ انسانی را باید تعطیل کنیم و به کشور خود صلح بیاوریم. این رودبار خون را باید توقف داد. باید به این جنگ پایان داد و جامعه را دست‌کم به روال عادی برگرداند. این کار ممکن نیست مگر این‌که ما مردم افغانستان بر سر روش‌های رسیدن به صلح و محتوای صلح توافق کنیم.

هر انسان جانب‌دار دموکراسی و عدالت بدون شک، به سخن ماتیاس یوپ (Mathias Jopp) و با حرکت از باور یوهان گالتونگ (Johan Galtung) خواهان یک صلح عادلانه و مثبت است و آرزو دارد تا بتواند به خشونت‌های ساختاری پایان بدهد. هر انسان عدالت‌طلب می‌خواهد و باید در کنار پایان بخشیدن به خشونت سازماندهی شده نظامی به تحقق عدالت در قلمرو یک کشور و در مقیاس جهانی نیز توجه داشته باشد. من به گونه آرمانی به چنین صلحی باور دارم و در راستای تحقق آن نیز از منظر آرمانی مبارزه کرده‌ام و این مبارزه هم‌چنان ادامه خواهد یافت.

اما واقعیت دردناک در کشور ما طور دیگری است. ما ناگزیریم همان صلح منفی را که به صلح OECD معروف شده است، نخست در کشور خود برقرار کنیم. این صلح به معنای نبودن خشونت مسلحانه است. به سخن دیگر غیابت جنگ مسلحانه و خشونت انتحاری برای ما افغان‌ها در روزگار کنونی صلح است. ما حتا اگر به این صلح حداقلی برسیم، گام بزرگی را در یک جهت درست برداشته ایم.

روند صلح میان ایالات متحده آمریکا با پاکستان و طالبان است و نه صلحی که مردم افغانستان در آن دخیل باشند. اگر چه نمایندگان ایالات متحده می‌گویند که ما با طالبان روی مسایلی صحبت می‌کنیم که مربوط به ایالات متحده می‌شود و مسایل مربوط به افغانستان را به خود افغان‌ها می‌گذاری.

با در نظر داشت این واقعیت که حضور نیروهای خارجی در کشور ما نه مانند گذشته بر اساس مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد مشروعیت حقوقی نیافته است. این حضور مبتنی است بر توافقی‌های دوجانبه میان جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحده که مورد تایید جامعه جهانی قرار گرفته است. اگر توافقی در باره خروج نیروهای خارجی از افغانستان نیز صورت می‌گیرد باید نخست میان جمهوری اسلامی افغانستان و کشورهای ناتو و ایالات متحده صورت بگیرد. اما در این گفت‌وگوها، نه جمهوری اسلامی افغانستان و نه هم هم‌پیمانان ایالات متحده امریکا حضور دارند. این ایالات متحده امریکا است که بدون حضور افغانستان و حتی کشورهای متحد خودش با پاکستان و طالبان گفت‌وگو می‌کند.

از جانب دیگر ضمانت عدم حضور تروریست‌های خارجی در قلمرو جمهوری اسلامی افغانستان موضوع دولت جمهوری اسلامی افغانستان است و نه طالبان. توافق با طالبان در این راستا دو معنا دارد:

یکی ارتقای طالبان در عمل (دفکتو) به مقام قدرت سیاسی مشروع و یا پذیرش تداوم امارت اسلامی افغانستان در سرزمین ما و از جانب دیگر مشروعیت‌زدایی از دولتی که امریکایی‌ها و جانبداران آن‌ها در داخل افغانستان آن را به مثابه دولت مشروع این کشور می‌شناسند.

به باور من چند گپ در پیوند با آمادگی برای مذاکره‌های صلح دارای اهمیت اساسی می‌باشند:

- ۱- باید روند صلح در تمام ابعاد به یک روند زیر رهبری و مالکیت مردم و دولت افغانستان تبدیل شود.
- ۲- این امر ممکن نیست مگر این که حکومت و نخبگان سیاسی کشور ما روی مسیری که باید از آن طریق به صلح برسیم و روی محتوای عمومی و بنیادی صلح به اجماع و وفاق دست بیابند.
- ۳- هر نوع دولت‌زدایی در روند صلح و یا تکرار و مصر بودن بر انحصار دولت بر روند صلح، موجب تضعیف جبهه صلح‌خواهی داخل افغانستان و تقویت جانب دیگر می‌شود.
- ۴- برخورد مسئولانه با فرایند صلح به ویژه برای آنانی که صلح را بیشتر از بقای خود، و ملکیت‌ها و اقتدار تباری خود می‌دانند، ایجاب می‌کند، تا از روند صلح به مثابه روندی برای تداوم رقابت‌ها بر سر حفظ اقتدار دولت‌ستیز استفاده نشده بلکه با مثابه یک روند فراگیر ملی به آن پرداخته شود.
- ۵- هیات مذاکره‌کننده صلح باید در پهلوی این که به مبانی روندهای صلح در جهان آشنایی داشته باشد، افغانستان شمول بوده و دارای هویت جمهوری خواهانه و از ارزش‌های قانون‌مداری، عدالت و برابری دفاع کند.
- ۶- دفاع از ارزش‌های جمهوری و دولت‌قانون‌مدار به مثابه آلترناتیف انکار ناپذیر امارت استبدادی و یا جمهوری که در آن قانون و آزادی‌های مردم و برابری شهروندان به دلیل تعلقات زبانی و قومی پیوسته نقض می‌شود، باید مورد دفاع قرار بگیرد.
- دفاع ما از ارزش‌های جمهوریت، دفاع از جمهوریت میان تهی که در آن به اراده مردم احترام نمی‌شود و آزادی‌ها نقض می‌شوند، نیست. دفاع ما از جمهوریت، دفاع از نظامی است که در آن همه مردم بدون تعلق‌های زبانی، قومی، نژادی، مذهبی و جنسیتی برابر اند. دفاع از جمهوریتی است که در آن حکومت‌کنندگان مانند شهروندان در برابر قانون مسوول اند. دفاع از جمهوریتی است که در آن مردم فریبی، جعل و دروغ، معافیت از مجازات قانونی جای نداشته باشد. دفاع از جمهوریتی است که در آن به آرای مردم احترام گذاشته شود و همه مردم خود شان را در سیمای جمهوریت شان ببینند.
- ۷- هیات مذاکره‌کننده نمی‌تواند و نباید مرکب باشد از تعداد زیادی از افرادی که زمینه مذاکره موثر را عملاً از میان بردارند.

- ۸- اعضای هیات مذاکره کننده باید دارای انتظام، هم‌آهنگی و همراهی در تمام مسایل اساسی مربوط به جمهوری اسلامی افغانستان باشند.
- ۹- تعبیر و تفسیر صلح نباید به معنای گریز از وابستگی به یک ابر قدرت و سرسپردگی به قدرت دیگری و یا سپردن سرنوشت مردم ما به پاکستان باشد.
- ۱۰- امر صلح پایدار ایجاد می‌کند که افغانستان از کانون رقابت‌های قدرت‌های بزرگ و از میدان جنگ‌های نیابتی کشورهای منطقه برون شود.
- ۱۱- این امر میسر نمی‌شود مگر این که تامین و تضمین بی‌طرفی افغانستان مورد توافق نمایندگان طرف‌های منازعه و مورد ضمانت کشورهای بزرگ، منطقه و سازمان ملل متحد قرار بگیرد. و این طرح بخشی از توافق صلح در رابطه با افغانستان و پیش از خروج نیروهای خارجی از کشور ما باشد.
- ۱۲- اجرایی شدن توافق‌های صلح و همچنین عدم مداخله کشورهای منطقه در امور افغانستان باید توسط کشورهای بزرگ، کشورهای منطقه و همچنین همسایه‌های افغانستان تضمین شود.
- ۱۳- صلح حد اقلی هم نمی‌تواند بدون داشتن دولت قانون، نظام جمهوری، رعایت حقوق و آزادی‌های بشری و شهروندی و برابری میان زنان و مردان به واقعیت تبدیل شود. سکوت گورستان آرامش است اما صلح نیست. بر بنیاد آموزه‌های دینی در گورستان‌ها علی‌رغم آرامش ظاهری، در زیر زمین ناآرامی‌های وحشتناکی تا روز رستاخیز به وقوع می‌پیوندند و فقط کسی فریاد‌های گورستان‌ها را بازتاب نمی‌دهد.

از ایشان و همه همکاران شان در انیستیتوت مطالعات استراتژیک بخاطر برپایی این کنفرانس تشکر میکنم. از مقام‌های امنیتی ولایت هرات، از جناب والی شهر ما از مقام‌های محترم بلدیة، از دانشگاهیان عزیز، از هنرمندان هراتی و به خصوص از مردم صبور هرات بخاطر مهمان‌نوازی شان، تشکر می‌کنم. از مهمانانی که از کابل و کشورهای برونی تشریف آورده اند بخاطر این که قدم رنجه فرموده اند سپاس گزارم، قدم‌های شما روی چشم ما.

برای شما در این کنفرانس آرزوی بحث‌های سازنده و مثبت دارم. به شهر هرات، به شهر زادگاه من، خوش آمدید. از این فرصت استفاده کنید، سری به مکان‌های تاریخی بزنید که هنوز صدای جرس کاروان‌ها از دل ویرانه‌های این سرزمین حسرت از دست رفتن تمدنی کهن سال را به گوش‌ها زمزمه می‌کند؛ اگر چه به سخن مولانای بلخ:

من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر
من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش



رولاند کوبیا، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان

این اولین سفر من به هرات است. در نخست جا دارد از رییس‌بورد انستیتوت آقای دکتر اسپنتا و دکتر مرادیان برای میزبانی چنین نشست سپاگذاری کنم. این برایم مهم بود که به هرات بیایم چون هرات بخش از تاریخ و جغرافیای افغانستان است و کابل نیز بخش از آن جغرافیه. ما به عنوان دیپلمات هدر هر شرایط سعی کردیم تا با اقشار مختلف در افغانستان صحبت نماییم. آقای کویبو ادامه داد، از یک سال بدین سو، موضوعات مختلف در پروسه صلح اتفاق افتاده است و امروز می‌خواهم بیشتر در مورد صلح تمرکز کنم. از سال گذشته به این طرف، نه دور مذاکره بین آمریکا و طالبان انجام شده است. در آغاز هیچ کس توقع نه دور مذاکره را نداشت ولی امروز توقعات تغییر کرده، ما امروز در مورد نحوه مذاکره صحبت می‌کنیم. باید بگویم، هر پروسه مراحل مختلف دارد و هیچ موضوع و چالش بدون مذاکره و گفت‌وگو به سرانجام نمی‌رسد، ما اروپایی‌ها تجربه‌ای خوب و کافی در این زمینه داریم و حل و فصل مشکلات از راه گفت‌وگو در خون اروپایی‌ها می‌باشد. به باور آقای رولاند کویبو، تنها راه محقق شدن صلح در افغانستان مذاکره است، در روند مذاکرات صلح مسائل مختلف رخ می‌دهد، بعضی اوقات پیشرفت داریم و گاهی عقب‌گرد ولی برای فایق آمدن بر چالش‌ها و رسیدن به صلح باید گفت‌وگوها را ادامه بدهیم، اکنون در شرایط خوب و امیدوار کننده قرار داریم، به باور من زمان آن فرا رسیده تا به اتفاق و هم‌یاری همدیگر برای رسیدن به صلح تلاش کنیم، مردم افغانستان بی‌صبرانه انتظار صلح را می‌کشند، هیچ‌کس خواهان صلح نیست. اتحادیه اروپا نزدیک شانزده هزار سرباز در افغانستان دارد، به گفته کارشناسان و فرماندهان نظامی، جنگ کنونی افغانستان راه‌حل نظامی ندارد و تنها راه مذاکره و گفت‌وگو می‌باشد. جنگ در افغانستان مصیبت‌های زیادی را تحمیل کرده است، زمان آن رسیده تا به جنگ و خشونت نقطه پایان گذاشته شود. اگر به گذشته افغانستان نگاهی بی‌اندازیم، تاریخ درخشان و سرزمین‌عاری از جنگ و خشونت را درمی‌یابیم و هم‌چنین زمان زیادی نیز متوجه می‌شویم که فرصت‌های فراوانی خلق شده ولی از آن استفاده درست و بهینه نشده است و هر روز تعداد فرصت‌ها کاهش یافته است. تنها طرفدار صلح بودن و از صلح استقبال کردن کافی نیست بخاطر صلح باید کوشش‌های خود را دوچندان نماییم، گفت‌وگوی صلح به مسابقه دومی‌دانی می‌ماند که اشتراک کننده باید فاصله‌ای پنصد کیلومتری را طی کند. در آغاز خیلی سخت و ناممکن به نظر می‌رسد، در این مسابقه به پایان خط توجه نمی‌کنند، تلاش می‌کند تا خود را به آن نقطه برسانند،

گفت‌وگوهای صلح نیز مثل مسابقه دومیدانی است، نیاز به زمان دارد ولی آنچه باید انجام، تلاش و پیگیری مداوم در این راستا می‌باشد. هنوز پایان مذاکرات را نمی‌توانیم پیش بین باشیم ولی باید به تلاش‌های خود ادامه دهیم تا به آن مرحله برسیم. در این اواخر نسخت وزیر اتیوپیا جایزه صلح نوبل را بخاطر کاری که برای صلح انجام داده بود را از آن خود کرد. امیدارم و آرزو می‌کنیم که این جایزه سال آینده به افغانستان تعلق بگیرد اما این جایزه بیش‌تر از عنوان اش اهمیت دارد، باید منافع شهروندان کشور در اولویت قرار گیرد، هدفم تنها سیاسیون نیست و در سیاست افغانستان باید منافع مردم ترجیح داده شود، مسایل قومی و نژادی و ضوابط کنار زده شود. در مرحله‌ای قرار داریم تا تلاش‌های نهایی خود را برای حاکم شدن صلح انجام دهیم، این فرصت بعد از چندین سال فراهم گردیده است. شما می‌توانید باهم تفاوت دیدگاه داشته باشید و جنگ کنید، نه در میدان جنگ بلکه در سر میز مذاکره صلح و برای صلح، البته در کنار صلح موضوعات دیگری نیز وجود دارد که نیاز به گفت‌وگو و تفاهم دارد. می‌خواهم در اینجا پنج موضوع را مطرح نمایم.

۱- مذاکرات انجام شده نقطه آغاز است نه پایان آن، در حقیقت گفت‌وگوهای انجام شده، مذاکرات صلح نیست بلکه تلاش‌های است برای فراهم کردن زمینه گفت‌وگو بین‌افغانی، ما هر روز این نکته را بازگو می‌کنیم که شهروندان ملکی قربانی اصلی جنگ در افغانستان می‌باشند. اتحادیه اروپا خواهان برقراری آتش بس و توقف جنگ هستند، نه تنها برای کاهش خشونت، چون برای پیشرفت مذاکرات مهم می‌باشد. اتحادیه اروپا مدافع همیشگی توقف جنگ و خشونت بوده است. مذاکرات که تا این کنون صورت گرفته دربرگیرنده پنج موضوع بوده است.

الف: خروج نیروهای آمریکایی

ب: مبارزه با تروریسم

ج: مذاکرات بین‌افغانی

د: آتش بس

در قسمت آتش بس باید بگویم، باید خیلی وقت پیش عملی می‌شد. اعتمادسازی و توافق صلح دو چیز مجزا از همدیگر است. به نظر من، مذاکرات بین امریکا و طالبان نباید مانع گفت‌وگوهای بین‌افغانی شود.

۲- مذاکرات صلح باید دست‌آوردهای هژده سال پیش را حفظ کند. صلح نباید باعث تضعیف ارزش‌های بنیادی در افغانستان شود. اگر ما ارزش‌ها و دست‌آوردهای حیاتی را به خطر بی‌اندازیم، هر دو یعنی صلح و دموکراسی را از دست خواهیم داد، صلح و دموکراسی لازم و ملزوم همدیگراند و از یکدیگر را تقویت می‌بخشند.

۳- این پیام را می‌خواهم برای همه‌ای جوانب به گونه واضح بیان می‌کنم؛ مردمان زیادی باور دارند که نیروهای جهانی برای منافع شان در افغانستان حضور دارند، ما کوشش کردیم تا افغانستان مستقل شود و بالای پاهای خود بی‌ایستد و نیاز به کمک دیگران نداشته باشد و بر این تصور نباشد، برای همیشه کمک‌ها را دریافت خواهد کرد، کمک کشورها بر اساس پشتبانی، سیاست مداران، مالیه دهندگان و پارلمان کشورها افغانستان انجام شده است. اگر در توافق صلح ارزش‌های هژده سال اخیر حفظ گردد، کشورهای اروپایی به کمک‌های شان ادامه خواهد داد اما در این راستا برنامه‌های خود مان را داریم.

۴- اکثریت شما تجربه مذاکره را داریم، در پروسه صلح باید شفافیت از اهمیت خاص برخوردار است، مذاکرات صلح باید فراگیر باشد و صدای همه‌ای افغان‌ها بویژه زنان، اقلیت‌ها و جوانان شنیده شود و همه باید در مذاکرات شریک باشد، یک مطلب دیگری که می‌خواهم تاکید کنم، مذاکره نیاز به زمان بیش‌تر دارد و طرف مذاکرات باید امتیازهای را بدهند و یا بدست آورند.

حکومت نیازمند به یک هیئت فراگیر دارد، در مذاکرات جامعه جهانی نقش تسهیل کنندگان را ایفا می‌کند. ما باید به تمام اصول و قواعد احترام بگذاریم، اگر خواهان برقراری صلح هستیم باید به تمام قواعد بازی احترام گذاشته شود. بر اساس پنج موضوع متذکره، اطمینان می‌دهم که اتحادیه اروپا همیشه در کنار مردم افغانستان خواهد بود و به حمایت شان را ادامه خواهد داد و همچنین اتحادیه اروپا به عنوان تضمین کننده توافق صلح اعلام آمادگی کند، اگر از طرف افغانها درخواست شود. این تصمیم شماسست، کی باید تضمین کننده توافق صلح باشد. در این با رییس جمهور و رییس اجرائیه ملاقات داشتیم. آنها خواستار کمک های بیش تر از جامع جهانی در پروسه صلح است. اتحادیه اروپا همیشه خواستار شفافیت روند مذاکرات است، چه قبل از آغاز گفت وگوها، جریان و بعد از گفت وگوها، این موضع را اتخاذ کرده است. اتحادیه اروپا در جریان مذاکرات بین‌الافغانی به عنوان تسهیل کننده سیاسی و تخنیکی عمل خواهد کرد. فعلا در شرایط قرار داریم که نه نتایج انتخابات اعلام شده و نه در مذاکرات صلح اتفافی افتاده است، باید متنظر باشیم و ضرورت داریم تا هر دو پروسه را به اتمام برسانیم. در مقطع چیزیکه افغانستان بیش تر نیاز دارد، وحدت و یک پارچگی میان شهروندان است و مسائل صلح و امنیت نقاط وصل می‌باشند چون همه‌های شهروندان خواستار و حامی آنها هستند، سیاستمداران روی خیلی موضوعات توافق ندارند، از موضوع اجتماعی گرفته تا انرژی، حالا زمان آن فرا رسیده تا سیاستمداران در کابل مسوولیت‌های خود را درک و به نمایش بگذارند. رییس جمهور آینده هر که می‌خواهد باشد، بر اساس شفافیت اعلام شود که توسط همه پذیرفته شود و مشروعیت لازم را کسب کند و این به نفع مذاکرات صلح و خود وی خواهد بود، چون مشروعیت لازم را با خود دارد. من یک بار دیگر تاکید می‌کنم، حالا زمان گفت‌وگوی بین‌الافغانی پیرامون فرا رسیده است.

جلسه اول: اجماع بین نخبگان: ملی‌گرایی و نظام سیاسی



گرداننده:

- عبدالله آزاد خنجانی، خبرنگار

سخنرانان:

- دکتر تیمور شاران، معاون پالیسی اداره‌ی مستقل ارگان‌های محل
- سالم شاه ابراهیمی، معاون شورای امنیت ملی افغانستان
- دکتر محی‌الدین مهدی، عضو سابق پارلمان

عبدالله آزاد خنجانی:

در این جلسه سخنرانان پیرامون موضوعات چون «رابطه بین نهادسازی و ثبات سیاسی در افغانستان»، «قدرت نخبگان در پروسه دولت و ملت سازی در افغانستان»، و «نظام پارلمانی در افغانستان» صحبت می‌نمایند.

سخنرانی سالم شاه ابراهیمی

چندی قبل به یک تیم کاری بین‌وزارتی وظیفه سپرده شد تا ولسوالی‌های که دچار نا امنی بوده اند را مورد مطالعه قرار دهند و از نزدیک بررسی و مشاهده نمایند تا دلایل و عوامل نا امنی و خشونت در این ولسوالی‌ها چیست؟ یافته‌های این مطالعه همه جانبه نشان داد که عوامل عمده نا امنی و خشونت در این ولسوالی به دو بخش عمده تقسیم شده اند.

- ۱- عوامل محلی یا نارسائی‌های محلی (نواقص در حکومت داری محلی در محدوده ولسوالی).
- ۲- عوامل فرا محلی (مداخلات بیرونی، نقش سازمان‌های تروریستی بین‌المللی، مداخلات کشور همسایه و سازمان‌های استخباراتی بیرونی، شبکه‌های جرمی و سازمان‌های حامی آنها).

این دو عامل به صورت مشخص مطالعه شد و به وضوح دیده شد. مطالعه انجام شده یک چیز دیگر را هم واضح ساخت و آن مغالطه کنترل و تهدید بود. اکثراً این دو مفهوم حتی از طرف سازمان های بین الملل مغالطه میشود.

چهار دهه گذشته ساختار های اجتماعی را به حد بی سویه آسیب رسانده و افراد و شخصیت ها در این چهار دهه از این آسیب گذرا نسیتند آنها هم همچنان درگیر این بازی هستند. در سطح محلی خلایق که به وجود آمده متاسفانه توسط چهره ها و افراد و سازمان های بیرونی پر شده. در بعضی اوقات این سازمان ها اجندا های بسا افراطی و غیر مانوس را ترویج نمودند. تلاش کردند دین ما را به ما از سر بیاموزانند و ساختار ها را مطابق سلیقه های مقطعی و پروژه ای اعمال کنند. در این مورد مثال های متعدد داریم.

این همه نشان میدهد که نهاد سازی از همه چیز مهم تر است و هم ر سطح محل هم در سطح ملی یک اولویت مبرم و دوام دار است. تقویت ساختار های ملی و محلی و وصل آن در محور یک نظام قانونمند و پاسخ گو یک امر اساسی و ملی است. در سطح ملی قانون اساسی به مثابه وثیقه ملی که در سال ۱۳۸۲ تصویب شد و اکثریت ملت پشت آن ایستاد شد بهترین مثال ساختن یک نهاد ملی است.

دولت همچنان مسئولیت تامین نظم و ثبات و ارائه خدمات را در داخل کشور دارد. مردم این نظام را میپذیرند، مثالش اشتراک ملیون ها افغان در انتخابات سه هفته قبل است، با وجود تهدیدات و چالش های فراوان، اشتراک مردم در انتخابات مصداق باور مردم به این شیوه دولت داری است و مردم با وجود چالش ها تهدیدات و مشکلات سیاسی که وجود دارد امید خود را از این شیوه دولت داری از دست نداده اند.

مردم این مرز و بوم مانند مردم سایر دنیا مستحق یک دولت هستند. مردم این مرز و بوم مستحق یک پایتخت هستند.

نهاد سازی یک پروسه دوام دار است. به طور مثال نیرو های امنیتی و دفاعی کشور در تامین امنیت انتخابات سه هفته قبل مسلکی تر از گذشته عمل کردند. برنامه ریزی، هماهنگی و آمادگی بهتر باعث گردید تا نیرو های ملی بهتر بتوانند زمینه را برای انتخابات ریاست جمهوری مساعد سازند و از همه مهم تر بی طرفی خود را حفظ کردند و اعتبار شان نزد مردم افزایش یافت. بنای پایه یا معیار اساسی موفقیت پروسه نهاد سازی/ نهاد ها باید اعتبار شان نزد مردم باشد که به نوبت خود به ایجاد فضای مساعد برای فعالیت سیاسی و اجتماعی میگردد. به وجود آوردن فضای مساعد توسط نهاد های مسوول ملی فرصت های ثبات سیاسی پایدار را بیشتر میسازد. ثباتی که نه از کسی به وام گرفته میشود و نه ملت بابت آن مدیون اشخاص میباشد. فضای مصون، فضای که در آن افغان ها بتوانند فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را انجام داده بتوانند.

در مورد نهاد سازی باید مشخص شود که نهاد سازی فقط بخاطر نهاد سازی کافی نیست، نهاد سازی بخاطر اهداف مهم است، بخاطر اعتبار و اعتماد افغان ها مهم است، افغان ها باید بتوانند به نهاد ها اعتماد کنند و این نهاد ها ضامن ایجاد یک فضای سیاسی مصون باشند که حقوق همه افغان ها در آن تامین باشد.

در دنیا امروز واحد روابط بین المللی هنوز هم دولت است. با این وجود که سازمان های بین المللی وجود دارد، دولت هنوز هم واحد مراودات بین المللی است. هنوز جایگزین برای دولت وجود ندارد. تکرار میکنم که در دنیای امروز، فردا شاید سی یا پنجاه سال آینده واحد مراوده و واحد روابط بین المللی دولت است و اگر دولت نباشد منجر به انارشسیسم میشود.

این به این معنا است که نهاد سازی مردم محور راه رسیدن به ثبات سیاسی را فراهم میکند. نه تنها در افغانستان بلکه به در منطقه و دنیا مشروع اریکی د دولتونو تر منخ ارینی دی، د سازمانونو، استخباراتی او افرادو تر منخ اریکی خلکو او نری ته د منلو وپ ندی، حکه دا مقطعی اریکی دی تاریخی او ابدی پایبست نلری.

تاریخ شاهد است که نظام سازی و نهاد سازی کار یک روزه نیست، بخصوص تاریخ چهار دهه اخیر کشور ما. با وجود بهترین افراد ما بدون نهاد های قوی مردم مهور و پاسخگو به ثبات نرسیدیم.

تقاضای من از اتاق های فکر، جامعه مدنی، سیاسیون و دوستان ما این است که به نام تلاش برای ایجاد اجماع از پله بینی های سیاسی و نفع جویی های مقطعی سیاسی کوتاه مدت پرهیز کنند از نهاد های که از اثر تلاش های جمعی به میان آمده اند حمایت کنند خصوصاً در مسائل صلح و جنگ.

از همسایه ها و دوست های بین المللی توقع می رود که رابطه خود را با نهاد ها تقویب ببخشند که این شیوه برای مردم افغانستان پسندیده تر است.

دکتر تیمور شاران:

بخش نخست - چهار ویژگی را می توان در تاریخ افغانستان برای نخبگان برشمرد:

۱- بر اساس نظریه داگلیس نور که عبارت است از «دسترسی محدود برای صلح» با استفاده از این چارچوب نظری، دولت با دسترسی محدود، می تواند نخبگان افغانستان را بهتر مطالعه کند. از بدو تاسیس در افغانستان یک شبکه کوچک که متشکل از نخبگان قبایل و اقوام تهداب بود تهداب یک امپراطوری را گذاشتند که دنبال منافع گروهی خود بودند. این نخبگان است که ثبات سیاسی را در افغانستان تضمین می کنند و یا برهم می زنند و این یک تفاهم میان نخبگان است که منافع مالی و امتیازات سیاسی همدیگر را تضمین می کنند. امپراطوری که احمدشاه درانی در افغانستان تهداب گذاشت، بر اساس نوشته گریگوریان (در اصل کنفوسیون نخبگان قبایل و خانها بود تا یک سلطنت متمرکز پادشاهی که شرکت سهامی را در افغانستان ایجاد کردند).

۲- سقوط دولت ها: از دید تاریخی زمانی در افغانستان ثبات سیاسی بوده است که توازن قدرت میان نخبگان برقرار و تضمین بوده است که مثال آن را می توان در زمان احمدشاه ابدالی، تیمورشاه، دوست محمدخان، ظاهرشاه و دوره اول و دوم آقای کرزی که در این دوره ها توازن قدرت میان نخبگان تضمین شده و این نخبگان کشور است که دولت را در تسخیر خود دارند و نهاد در تسخیر نخبگان قرار گرفته بود و این باعث شده که در پروسه دولت سازی مشکل داشتیم، اما در این بخش نقش نخبگان محلی کم تر برجسته شده است. هر تاریخ سقوط دولت ها را مطالعه می کنیم. دولت ها زمانی سقوط کردند که ائتلاف بین نخبگان محلی و بعضی از سرداران در مرکز شکل گرفته است و در نتیجه نظام را ساقط کردند. تنها دوره ای که زعیم مملکت ثبات مملکت را تضمین کرده است و عبارت دیگر یک شبکه قادر به ادغام شبکه های دیگر بوده است، دوره عبدالرحمن خان است. دوره های دیگر چون، زمان شاه، شاه شجاع، شیرعلی خان، داوود خان و آمان الله خان دوره های است که نخبگان سیاسی افغانستان نمی توانند، ثبات سیاسی کشور را تضمین کنند و دولت ها سقوط کردند.

۳- وابستگی خارجی نخبگان افغانستان: در طول تاریخ دولت رنت خوار، و این باعث شده که یک ائتلاف قدرت محلی و امپریالیستی بوجود بیاید که می توان از دوره داوود خان، دوره آخر ظاهرشاه، احزاب کمونست و حتی فعلا نخبگان ما یک وابستگی جدی و شدید به دوستان خارجی ما دارند و این زمینه ساز دولت سازی بین المللی که در قالب آن منافع کشورهای بیرونی تا اکنون مطرح بوده است که نمونه مبرهن آن مذاکره آمریکایی ها با طالبان در مورد پروسه صلح می باشد.

۴- قومی یا قبیله ای سازی پروسه دولت سازی و ملت سازی در افغانستان: اگر تاریخ را مطالعه کنیم در می یابیم که هرگاه تنش های درون قومی و یا قبیله ای ثبات سیاسی را خدشه دار ساخته است. در افغانستان پالیسی های بسیار تعبیه آمیز

را در افغانستان شاهد بودیم که پروسه دولت‌سازی را با چالش جدی مواجه کرده است. متأسفانه در چهار دهه اخیر، خورد هویت‌های افغانستان چون قزلوق، ایماق‌ها و غیره در قالب هویت‌های کلانتر قرار می‌گیرد و نقش نخبگان آنها تضعیف می‌شود و در افغانستان به بی‌ثباتی مواجه می‌گردیم که سطح اعتماد کاهش می‌یابد و پروسه دولت‌سازی و ملت‌سازی به مشکل می‌خورد و حتی احزاب کنونی قادر به کاهش تنش میان نخبگان نشده است و باعث ثبات سیاسی در افغانستان شود و دیگر اینکه نمی‌توانیم نقش جنگ سرد و مداخله بین‌المللی را نمی‌توان نادیده گرفت.

بخش دوم - افغانستان بعد از ۲۰۰۱:

توافقنامه بن یک فرصت فوق‌العاده مهم را برای افغانستان بوجود آورد که نخبگان سیاسی تمام نهادها را تسخیر کردند و نهایتاً دموکراسی افغانستان را در تسخیر خود بگیرند و آنچه را به میراث گرفتیم یک دولت شبکه‌ای است. شبکه‌های مختلف ساختارها را در تسخیر خود گرفتند و منافع خود را ترجیح و ترویج دادند که در این مبحث سه قاعده بازی بسیار مهم است. دوره آقای کرزی و نخبگان که در کنار وی بودند، سه قاعده بازی در افغانستان نهادینه ساختند.

۱- گسترش سیستم ارباب رعیتی در کابل و ولایات

۲- فرصت طلبی و رانت خوری که به یک قاعده مهم بازی میان نخبگان شدند

۳- سیاسی سازی هویت‌ها و عبارت دیگر استفاده ابزاری از هویت‌ها بود

این قواعد میان نخبگان افغانستان باعث بوجود آمدن دولت شبکه‌ای شد، ناتوانی نخبگان بعد از ۲۰۰۱ در ایجاد وحدت ملی یا روایت ملی در افغانستان چند روایتی یکی از بزرگترین فاجعه‌های این کشور بوده است و ما با یک تراژدی نخبگان مواجه هستیم که قادر به قوی سازی ساختارها و نهادها نشدند که تا امروز نوانستیم که پروسه‌ها خود مدیریت نماییم.

بخش پایانی - پیشنهادات:

من معتقدم که بنیاد ساختارها در افغانستان اشتباه گذاشته است و ما یک ساختار معلول و معیوب را به میراث گرفتیم. این مبحث بسیار مهم است چون مذاکرات صلح را پیش‌رو داریم و یکی از موضوعات مورد بحث با طالبان در مورد چگونگی نوعیت نظام خواهد بود. و کدام نظام کارآمدی بیش‌تر دارد، به نظر من نظام کابل محور که نقش ولایات کم رنگ باشد یک نظام موثر نخواهد بود چون ما در هژده سال اخیر تجربه کردیم. بعضی دوستان نظام‌های مختلف چون فدرالی را مطرح می‌کنند، علت آن است که ما در مورد نظام‌ها درست مطالعه نکردیم، کشورهای فرانسه و اندونیزیا نظام متمرکز دارند اما در قالب آن صلاحیت‌های بیشتر به ادارات محلی واگذار کردند. در بحث تغییر نظام دو اصل مهم است،

الف: صلاحیت، یعنی اینکه صلاحیت باید به چه کسی داده شود و در چه سطحی

ب: وظایف،

اگر ما می‌خواهیم که نظام متمرکز داده باشیم، قانون اساسی افغانستان به اندازه کافی انعطاف آن را دارد که تغییرات وارد کنیم، ما می‌توانیم که چهار عنصر اساسی را در مرکز داشته باشیم: سیاست خارجی، سیستم مالیه، تقنین و امنیت در غیر آن، هر نهاد و ساختار دیگر از مدیریت آب گرفته تا عرضه خدمات را بر اساس همین قانون اساسی به ولایات انتقال دهیم. ما در حکومت داری محلی اشاره کردیم که بهترین راه برای عبور از چالش‌های متذکر، صلاحیت‌های عرضه خدمات باید به ولسوال‌ها داده شوند، در قسمت مدیریت اقتصادی، باید هشت زون اقتصادی شکل بگیرد، نیاز را به فدرالیزم نداریم اما نیاز داریم تا خودمختاری اقتصادی را به هشت زون در افغانستان تقسیم کنیم و زمینه تطبیق آن نیز آسان می‌باشد. پیشنهاد ما در ادراه ارگان‌های محل این بود که تمام وزارت‌خانه‌ها تنها پالیسی ساز و نظارت کننده باشند و تمام صلاحیت‌های بودیجه و اجرایی به ولایات و لسوالی‌ها داده شود، ما باید در مذاکرات در کنار مبحث صلح، در مورد تغییرات در ساختار نیز فکر کنیم.

دکتر محی الدین مهدی

الف: تاریخچه:

در آغازِ نیمه‌ی دوم قرن نهم - که بعد از فروپاشی سلطنت درانی - افغانستان کنونی شکل می‌گرفت، این قلمرو عملاً به شش واحد مستقل منقسم بود و از جانب حکمرانان محلی اداره می‌شد:

۱. امارت کابل به رهبری دوست‌محمدخان؛
۲. کندهار که توسط سرداران کندهاری به رهبری مهردل خان اداره می‌شد؛
۳. هرات که توسط احفاد تیمورشاهِ درانی اداره می‌شد؛
۴. بلخ که در آن جا میران ازبک‌تبار حکومت می‌کردند؛
۵. قطن و بدخشان که توسط میران محلی اداره می‌شد؛
۶. مناطق مرکزی یا هزاره‌جات که خوانین محلی هزاره بطور متفرق بر آن حکومت می‌کردند.

بعد از توافقی که میان روسیه‌ی تزاری و هند بریتانوی مبنی بر تعیین قلمروی حایل میان متصرفات هردو جانب به عمل آمد، عبدالرحمان خان در سال ۱۸۸۰م به پادشاهی رسید، او قلمروی را که پیش از آن «افغانستان و ممالک متعلق به آن» خوانده می‌شد، افغانستان نامید. و با راه‌اندازی اقدامات و عملیات‌های خونین، سیطره‌ی حکمرانان محلی را از بین برد و قدرت را در ارگ کابل متمرکز ساخت. هرچند غرض تسهیلِ اداره‌ی کشور، ناگزیر تقسیمات تاریخی مذکور را به رسمیت شناخت، با این تفاوت که جای حکمرانان محلی را که از تبارهای غیرپشتون بودند، به کسانی داد که عموماً پشتون بودند، و اکثرشان به خانواده‌ی سلطنتی تعلق داشتند.

این شیوه‌ی حکومت‌داری به اخلاف عبدالرحمان خان منتقل گشت؛ در زمان نادرخان و سی سالِ نخستِ سلطنت ظاهرشاه (از ۱۹۲۹ تا ۱۹۶۳م)، افغانستان دارای پنج ولایت و چهار حکومت اعلی بود؛ ترتیب ذیل در سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ مرعی‌الاجرا بود:

پنج ولایت

۱. ولایت قطن و بدخشان؛
۲. ولایت مزارشریف؛
۳. ولایت هرات؛
۴. ولایت کندهار؛
۵. ولایت کابل؛

چهار حکومت

۱. حکومت کلان فراه.
۲. حکومت کلان میمنه.
۳. حکومت کلان مشرقی.
۴. حکومت کلان جنوبی.

در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ش کشور به ۲۹ ولایت تقسیم شد. اما چنان‌که گفتیم، هم آن تقسیماتِ هفت‌گانه، و هم این تقسیمات ۲۹‌گانه، بر همان اصلِ تمرکز مبنی بود، هرچند نظامِ کشورشاهی صدارتی بود. از آن به بعد تغییر عمده‌ای در این خصوص به وجود نیامد؛ جز این‌که بر مبنای مصلحت‌های سیاسی، چند ولایت بر آن افزوده شد.

همزمان با این، غرض آوردن تغییر در دیموگرافی ولایات شمال و غرب افغانستان، خانواده‌های بسیاری از افغانه را- که در آن سوی خط دیورند زندگی می‌کردند- کوچانیده، زمین‌های زراعتی درجه‌یک را میان آنان تقسیم کرده در آن‌جاها جابجا ساختند.

طی صد سال اخیر هیچ حکومتی آماده‌ی راه‌اندازی برنامه‌ی سرشماری نشد؛ برعکس با طرح داعیه‌ی ارضی بر سرزمین‌های آن سوی خط دیورند تا رود سند- که اکثر باشنده‌های آن پشتون می‌باشند- ادعا کردند که پشتون‌ها (به اضافه‌ی پشتون‌های آن سوی خط) اکثریت مطلق باشندگان این سرزمین را تشکیل می‌دهند. برخلاف واقعیت، بیش از یک میلیون تن را کوچی وانمود کردند؛ و اخیراً ده کرسی پارلمان را به آنان اختصاص داده شد. تا کودتای کمونیستی ۱۳۵۷ش (۱۹۷۸م)، در کابینه‌ی مملکت، به ندرت از اقوام دیگر وزیر می‌شد. والیان ولایات عموماً پشتون بودند. هیچ ازبک و هزاره‌ای در نظام عسکری دارای درجه‌ی بالاتر از ضابط نبود. از دو تن تاجک نام‌برده می‌شود که توانستند به درجه‌ی جنرالی برسند.

دولت حزب دموکراتیک، دولت حزبی بود؛ و باید اذعان داشت که- بعد از حکومت کم عمر حبیب‌الله کلکانی- این اولین بار بود که کسانی از اقوام هزاره و ازبک توانستند به مقام‌های عالی‌هی دولتی (چون وزارت و ولایت) برسند.

دولت حزب دموکراتیک با قیام عمومی مردم افغانستان و به حمایتی جهان آزاد، کشورهای اسلامی و کشور پاکستان سرنگون گردید. مجاهدین حزب جمعیت به رهبری برهان‌الدین ربانی و فرماندهی احمدشاه مسعود، به سه دلیل عمده توانستند بر اریکه‌ی قدرت دست یابند: ۱. برخورداری از انتظام بهتر نسبت به سایر احزاب مجاهدین؛ ۲. نزدیکی و پیوستگی ارضی آنان با پایتخت؛ ۳. برتری کمی جمعیت پایتخت به سود تاجکان (دو نکته‌ی اخیر در پیروزی حبیب‌الله کلکانی بر امان‌الله‌خان نیز نقش اساسی داشت).

تحولات این چینی، مایه‌ی رضایت پاکستان را که سهم بیشتری توقع داشت، فراهم نیاورد. ابتدا به کمک حکمتیار شتافت؛ سپس طالبان را با داعیه‌ی قومی و دینی وارد میدان ساخت.

بطور خلاصه، دولت مجاهدین توسط طالبان و دولت طالبان توسط نیروهای بین‌المللی به رهبری ایالات متحده و همکاری نیروهای مقاومت (که فرمانده خود احمدشاه مسعود را از دست داده بودند) سرنگون گردید.

در کنفرانس بُن به اصل مشکل که چگونگی توزیع عادلانه‌ی قدرت می‌باشد، توجه صورت نگرفت. جوانب مذاکره‌کننده می‌پنداشتند که با انتقال قدرت از دست یک تاجک به یک پشتون، غایله خاموش خواهد شد. اما چنان که شاهد بودیم، طالبان سبانه‌تر و خونین‌تر از پیش، با حاکمان پشتون تباری که به تعصب در این امر مشهور بودند، به جنگ ادامه دادند.

ب: وضعیت موجود:

اینک- در واقع- به جایی رسیده‌ایم که در سال ۲۰۰۱م قرار داشتیم. در این امر که اگر نیروهای بین‌المللی به رهبری ایالات متحده‌ی امریکا خاک افغانستان را ترک کنند، طالبان بر این ملک چیره می‌شوند، شکی نباید کرد. دولت افغانستان بدون حمایتی نظامی، مالی و سیاسی خارجی‌ها نمی‌تواند روی پای خویش بایستد. اردو و سایر نیروهای دفاعی و امنیتی انگیزه‌ی دفاع از دولت فاسد و متعصب را ندارند. نیروهای مقاومت خلع سلاح گردیده، فرماندهان آنان یا پیرو فرسوده گشته و یا کشته شده‌اند.

نهادهای دموکراتیکی که طی هجده سال پسین به وجود آمدند، وابسته به دولت و در نتیجه متکی به حمایتی خارجی‌ها هستند. یعنی با رفتن اینان، توان ایستادن روی پای خویش را ندارند. احزاب سیاسی همانی‌اند که بودند؛ یعنی هیچ تحول کیفی در آنان رونما نشده است. در حال حاضر هیچ حزب ملی- یعنی افغانستان شمول- نداریم.

بطور خلاصه در صورت خروج بی‌درنگ و بی‌برنامه‌ی نیروهای بین‌المللی از افغانستان، شاهد فاجعه‌ای به مراتب خونین‌تر و هولناک‌تر از پیش خواهیم بود.

از سوی دیگر، کمال خوشبختی است که می‌بینیم ایالات متحده‌ی آمریکا به خطیر بودن وضع متوجه بوده، مذاکرات همه‌جانبه‌ای را با طالبان به پیش می‌برد؛ و قرار است به زودی مذاکرات مستقیم میان کسانی که از حوزه‌ی اقتدار دولت نمایندگی می‌کنند، با طالبان آغاز گردد.

ج: چه باید کرد؟

علی‌رغم اظهار نظر سرسری و سطحی برخی‌ها، این دو بخش مذاکره به شدت به هم در پیوندند: خروج تدریجی نیروهای بین‌المللی، به اداره‌ای که پس از توافق قدرت را در دست می‌گیرد، فرصت می‌دهد که در زیر چتر حمایت امنیتی آن نیروها، خود را با وضعیت جدید سازگار سازد.

تعهد طالبان بر این امر که قلمرو زیر اداره‌ی‌شان، نمی‌گذارند تروریست‌های بین‌المللی لانه‌سازی کنند، نه تنها به اداره‌ی موصوف، بلکه به کشورهای همسایه و منطقه نیز امیدواری ایجاد می‌کند که این اداره را مورد حمایت قرار دهند.

اما موضوع چگونگی واردکردن طالبان در دولت، مشکلی است که در مذاکرات بین‌افغانی باید حل شود. طالبان به گرفتن چند کرسی وزارت و غیره راضی نخواهند شد؛ آنان تأکید بر اعاده‌ی «امارت اسلامی» دارند. امارت اسلامی یعنی تعیین زعامت کشور توسط نخبگان یا خبره‌گان و یا «اهل حل و عقد». به عبارتی دیگر تعیین رهبر یا رئیس کشور توسط جمع محدودی که عمدتاً متشکل از علمای دینی باشد. در حالی که رئیس چنین حکومتی - که آنان امیرالمومنین می‌خوانند - از اختیارات فوق‌العاده‌ای برخوردار است، مادام‌العمر بر این سمت باقی می‌ماند. بدین ترتیب امارت اسلامی حکومتی بسیار متمرکز بوده، فاقد مراتبی است که نمایانگر توزیع قدرت باشد.

حکومت کنونی به رهبری محمدشرف غنی نیز حکومت بسیار متمرکز است که تمام اقتدار و اختیار در ید صلاحیت رئیس جمهور گرد آمده است. هرچند در قانون اساسی افغانستان سخن از تفکیک قوا رفته، اما از یک سو قرار گرفتن رئیس جمهور در رأس قوه‌ی اجرائیه، از سوی دیگر درج صلاحیت‌های بی‌اندازه به او، عملاً ارکان سه‌گانه‌ی دولت را تابع شخص او ساخته است. به هر حال مهم‌ترین وجه تمایز این سیستم که «نظام ریاستی» خوانده شده، با امارت اسلامی، در این است که رئیس جمهور، خلاف امیرالمومنین که از سوی جمع محدودی تعیین می‌شود، در یک انتخابات عمومی و افغانستان‌شمول انتخاب می‌گردد. البته با تمام اختلافی که احزاب و سیاسیون غیرطالبان با این سیستم دارند، در اصل «انتخابی بودن زعیم» با هم اتفاق دارند. یعنی این امر خط سرخ مشترک هیأتی است که از کابل به سوی اسلو پرواز خواهد کرد.

در حالی که در ترکیب هیأت پانزده نفری دولت، نمایندگان احزاب سیاسی و تکت‌های انتخاباتی‌ای موجود است که در برنامه‌های حزبی و شعارهای انتخاباتی آنان، تغییر ساختار نظام از ریاستی به پارلمانی و صدارتی درج است، چگونه می‌توان به وحدت و یک‌پارچگی این هیأت، در برابر هیأت یک‌پارچه و واحد طالبان باور داشت؟ علی‌رغم اختلاف صوری میان نظریه‌ی طالبان و کسانی که نظام پارلمانی و صدارتی می‌خواهند، در حقیقت یگانگی ماهوی میان این دو وجود دارد. دسته‌های اخیر نیز تعیین یا انتخاب زعیم را نه از طریق یک انتخابات عمومی مستقیم، بلکه از طریق جمعی می‌خواهند که خود توسط انتخابات عمومی برگزیده شده‌اند. یعنی شورای ملی و شوراهای ولایتی. اینان که در واقع همان خبره‌گان و اهل حل و عقد اند، رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند. علمای دینی نیز در ترکیب این جمع حضور دارند.

د: تقسیمات افقی و عمودی قدرت

غرض از تقسیم افقی قدرت، جداکردن صلاحیت‌های رئیس جمهور، از صلاحیت‌های رئیس حکومت یا صدراعظم است؛ و به عبارتی دیگر بازگیری برخی از صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی که برای رئیس جمهور در نظر گرفته شده، و بازسپاری آنان به رئیس حکومت یا صدراعظم را مشخص می‌سازد. رئیس جمهور دارای صلاحیت‌های سمبولیک و تشریفاتی است.

رئیس جمهور از میان نخبگان اقوام مختلف بطور نوبتی معرفی و برگزیده می‌شود.

غرض از تقسیم عمودی قدرت، انتقال برخی از صلاحیت‌هایی که- در مجموع- در ادارات مرکزی کشور گرد آمده، به ولایات و ایالات می‌باشد. برای درک بهتر این نکته باید روشن ساخت که در حال حاضر وقتی ضرورت به تقرر یا تبدیلی یک ملازم یا چپراستی یک مکتب در ولسوالی و اخان بدخشان باشد، لازم است که احکام تقرر یا تبدیلی او را وزیر معارف یا کمیسیون مستقل اصلاحات اداری امضا کند.

اما مسأله‌ی اصلی در این میان حقوق هر یک از اقوام ساکن در کشور است. باید ساختاری به وجود آورد که حقوق اقوام- مخصوصاً حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و دینی- تضمین گردد. تقسیم عمودی قدرت- در واقع- متضمن همین مأمول است. مطابق به تقسیمات تاریخی‌ای که در صدر این مقاله تذکر دادم، می‌باید هر چند ولایت در ساختار یک ایالت مدغم گردند. ایالت دارای یک شورای ایالتی منتخب می‌باشد که صلاحیت قانون‌گذاری و نظارت در محدوده‌ی ایالت را داشته، تعیین بودجه، تصویب برنامه‌ها و پروژه‌های عمرانی و اصلاحی، و انتخاب استان‌دار یا نایب‌الحکومه‌ی همان ایالت، از صلاحیت‌های آنان است. در تقسیمات ایالتی که من پیشنهاد می‌کنم، بدنه‌ی اصلی اقوام بزرگ در یک یا چند ایالت جا می‌گیرند.

برای تعیین حقوق اقوامی که در محدوده‌ی یک ایالت اقلیت شمرده می‌شوند، در قانون اساسی تجویزات لازم به عمل آورده می‌شود.

تقسیمات اداری جدید حسب ذیل خواهد بود:

۱. ایالت لوی ننگرهار شامل ولایات نورستان، کنر، لغمان و ننگرهار و تگاب، سروبی؛
۲. ایالت لوی پکتیا شامل ولایات خوست، پکتیکا، پکتیا و بخش جنوبی ولایت غزنی؛
۳. ایالت غزنی شامل شمال غزنی و میدان و غرب ولایت لوگر، بخش شمالی ولایت زابل؛
۴. ایالت لوی کندهار شامل بخش جنوب‌غربی ولایت زابل، کندهار، جنوب ارزگان، هلمند به استثنای ولسوالی کجران، مناطق پشتون‌نشین فراه؛
۵. ایالت بامیان شامل ولایت دایکندی، جنوب و غرب بامیان، مناطق هزاره‌نشین غور؛
۶. ایالت هرات شامل بادغیس، غور، هرات، فراه و نیمروز؛
۷. ایالت بلخ شامل فاریاب، جوزجان، سرپل، بلخ و سمنگان؛
۸. ایالت تخارستان یا قطغن و بدخشان شامل بغلان، کندز، تخار و بدخشان؛
۹. ایالت پروان شامل پروان، کاپیسا (بدون تگاب) و پنجشیر؛
۱۰. پایتخت شامل بخش جنوبی میدان وردک، مناطق پشتون‌نشین لوگر، شمال کابل و شهر کابل، ولسوالی‌های شرق کابل به استثنای سروبی.

طالبان ضمن در دست داشتن اداره‌ی یک یا دو ایالت، می‌توانند از طریق انتخابات عمومی شامل پارلمان گردیده، مقام صدارت، یا ریاست جمهوری را از آن خود سازند.

پرسش و پاسخ:

علی احمد عثمانی: آقای شاران اشاره کردند که قانون اساسی پاسخگویی نیازمندهای فعلی می‌باشد، به نظر من پاسخگو نیست، در سال ۲۰۱۶ در پنج ولایت صلاحیت دادیم، حالا هر پنج نفر رییس به ثارنوالی معرفی شدند قانون به رییس جمهور بیش‌تر از یک شاه صلاحیت داده است، در کنار اینکه صلاحیت تصمیم‌گیری را و ولایت انتقال داده می‌شود، همزمان در کنار آن چند عنصر دیگر مهم می‌باشد، تخصص و تجربه است، بدون تخصص لازم افراد به بیراهه می‌روند و در نهایت در محاکم معرفی می‌شوند، دوم: حجم فزاینده منابع بشری، که اکثریت در کابل گردآمده است.

تیمور شاران: مشکل در ساختار است که صلاحیت و مهم را به ولایت نداده‌ایم. ما دارای دو نوع اصلاحات داریم، سیاسی و اداری، هدفم از اصلاحات اداری این است که مردم چگونه دولت را پاسخگو بداریم می‌آورد و اصلاحات سیاسی این که مردم در تصمیم‌گیری شریک باشند. ما باید به مردم فرصت دهیم که چه کسی را ولسوال انتخاب می‌کند، چون ما در افغانستان از انتخابات یک تجربه ناخوشایند داشتیم و نیاز نیست که انتخابات مستقیم داشته باشیم، مثلاً در لسوالی پنج وایی قنندار تعداد قریه‌ها مشخص و برای تعیین مللک قریه گفتگو می‌کنند، ملک‌های قریه جات می‌توانند هر دو سال برای تعیین ولسوال منطقه‌شان به تفاهم برسند و یک شخص مناسب را مقرر کنند. اگر می‌خواهند از طرف رییس جمهور تعیین شود، سه نفر را برای پست معرفی کنند. یک دور ولسوال از قوم نورزی باشد و دور بعدی از قوم اچکزئی باشد تا تمایل به طرف طالبان پیدا نکنند و این عبارت است از مدیریت سیاسی - در قسمت مدیریت اداری، در این مدت قادر بودیم در قسمت پلان‌گذاری با مردم مشورت و نظر آن را داشته باشیم. یک دموکرات در کابل بدون مشورت با مردم تصمیم می‌گیرد که مکتب و مسجد در کجا اعمار گردد.

جلسه دوم: طالبان ۱ و ۲: آیا آنها درس خود را آموخته‌اند؟



گرداننده:

- مریم صافی، رئیس، نهاد پژوهش و توسعه

سخنرانان:

- لطف‌الله نجفی‌زاده، رئیس طلوع‌نیوز
- معتمد آغا جان، عضو پیشین گروه طالبان
- دکتر جعفر مهدوی، نماینده‌ی پیشین پارلمان
- شعیب رحیم، مشاور ارشد وزارت دولت در امور صلح

مریم صافی:

تمام موضوعات مورد بحث در جلسه کنونی بالای جنگ و صلح افغانستان متمرکز خواهد بود، در این جلسه سخنرانان پیرامون موضوعات «صلح در افغانستان»، «طالبان از میدان جنگ تا میز مذاکره»، «طالبان امروز و ساختار سیاسی افغانستان فردا»، و «مذاکره با طالبان در دوحه» صحبت خواهند نمود.

لطف‌الله نجفی‌زاده:

من با تقسیم طالب به دو بخش موافق نیستم چون از نظر من هنوز با طالب دوم مواجه نشدیم یعنی هنوز با افراد مختلف از نوع طالب بخش نخست سروکار داریم. طالبان در نخست به عنوان ملیشه فعالیت داشتند و بعد از آن یک مدتی حاکمیت اکثر بخش‌های افغانستان را در اختیار خود داشتند و در طی هژده سال گذشته یک گروه شورشی بودند بخاطر اینکه در عملکردهای اساسی و بنیادی طالبان تغییر نیامده و بنابر دلایل مختلف به طالب دوم مواجه نیستیم:

نخست: داعیه طالب برای تامین عدالت

دوم: جنگ و خشونت به عنوان ابزار اصلی

سوم: متکی بر یک قدرت مشخص که در بیست و چهار سال تغییر نکرده است

چهارم: کم تجربه‌گی در روابط خارجی

بر بنیاد این عناصر در عملکرد طالبان از بدو تاسیس تا کنون تغییرات اساسی دیده نمی‌شود تا این گروه را تقسیم بندی کنیم و سوال اینجاست که چگونه به مرحله دوم می‌رسیم؟ مذاکرات با طالبان جریان دارد. طالبان تاکید بر ادامه جنگ در جریان مذاکرات دارد و برای آنها یک اصل مهم تلقی می‌شود برای اینکه جنگ را بزرگ‌ترین ابراز خود در مذاکرات می‌داند و توقف جنگ بدون توافق بالای حکومت آینده را به ضرر خود می‌داند.

ارزیابی من از طالبان این است که این گروه از تغییرات فاحش و بنیادی که در طی هژده سال گذشته در افغانستان آمده از آن آگاهی و درک عمیق ندارد و این ممکن در مذاکرات بین‌افغانی مشکل آفرین شود، شاید برای طالبان سوال ایجاد شود اینکه خالق این تغییرات افغانها است یا آمریکایی‌ها! اگر در مذاکرات بالای گروه‌های مختلف نه تنها تیم گفتگو کننده روایت‌های متفاوت را برای طالبان بازگو کنند و زمینه مشوره برای طالبان با مردم نیز فراهم شود تا آیا آنها نماینده بهتر باشندگان روستاها هستند، تمام این‌ها باید به چالش گرفته شود، از دیدگاه طالبان افغانستان اشغال شده است و جهاد در برابر متجاوزین فرض است و بعد از خارج شدن آنها ما یک حکومت اسلامی را تاسیس می‌کنیم اما همه می‌دانیم که مشکل افغانستان به این سادگی حل شدنی نیست. برای اینکه طالبان از یک گروه نظامی به گروه کاملاً سیاسی تغییر جهت دهد آن زمان گفته می‌توانیم که طالبان دوم مواجه هستیم. برای محقق شدن این، نیاز به کارهای بیش‌تر با طالبان است.

مشکل دیگری که در روند گفتگوهای صلح وجود دارد، خارجی محور بودن گفت‌وگو است، ما در قطر به طالبان واضح بیان کردیم که صلح با آمریکا به معنی صلح با افغانستان نیست. آمریکا یک طرح جنگ و صلح در افغانستان است ولی آمریکا از تمام طرف‌ها نمایندگی کرده نمی‌تواند.

در این روزها طالبان را به پنج‌گروه تقسیم می‌کند، طالبان دوحه، طالبان که در کنار ملا هیبت‌الله است، پسر ملا عمر، حقانی و گروه‌های که با کشورهای دیگر مثل ایران رابطه دارند. آیا تمام این شاخه‌ها قادر ایجاد رابطه منسجم و یکدست با جهان بیرونی هستند یا خیر؟ بنابر این ما نباید از آغاز مذاکرات صلح زیاد خوش بین باشیم چون هیچ نوع رویکرد اساسی در عملکردهای طالبان بوجود نیامده است.

معتصم آغا جان:

در افغانستان مردم چهل سال جنگ و خشونت را متحمل شده و هزاران نفر جان خود را از دست داده‌اند. برای ختم این جنگ برای جوانب دخیل قناعت داده شود و توسط یک تعداد انسان‌های صالح و بی‌طرف ممکن است، آنها عدالت را تطبیق کند. برای ما ضروریست که تمام فعالیت‌های و عملکردهای ما غیرجانبدارانه باشد و این به نفع تمام کشور است. ما از هیچ گروهی طرفداری نمی‌کنیم و هیچ گروهی را تایید و رد نمی‌نماییم. در این سخنرانی من نه بالای حکومت انتقاد دارم، نه بالای طالبان، تنها می‌خواهم برای دو طرف درگیر جنگ توصیه و طرح پیشنهاد کنم. اگر این‌ها بر اساس این طرح عمل کنند، مفید و ثمر بخش واقع خواهد شد. طرح من تحت نام راه‌های حل برای صلح افغانستان است که بصورت واضح و جداگانه مطرح کردم:

۱- خارج شدن نظامیان خارجی: خروج نیروهای خارجی به شمول آمریکا باید از افغانستان مسولانه صورت گیرد و این کار بعد از امضا توافقنامه صلح با حکومت افغانستان و امارات اسلامی انجام شود و در کنار آن بین طرفین آتش بس برقرار شود. با ترک عجولانه و یکبارگی آنها از افغانستان شاید حوادث ۱۳۶۷ دوباره تکرار شود. بطور مثال؛ هنگامیکه اتحاد جماهیر شوروی نیروهای خود را از افغانستان خارج ساخت، نه‌تنها جنگ ختم نشد بلکه خوست خشین تر و شدت گرفت. آمریکا نباید این اشتباه را تکرار کند و باید قبل از ترک افغانستان با طالبان و حکومت افغانستان به توافق برسد.

۲- هیئت مذاکره کننده: هیئت مذاکره کننده صلح باید دلسوز و معتهد باشد. این افراد باید از افغان‌های غیر وابسته و مردمان صالح تعیین شود و باید نماینده تمام افغان‌ها حضور داشته باشد. به مذاکره‌کنندگان صلاحیت داشته باشد. به نظر من افراد شایسته زیاد است که عضو هیئت باشد حتی در این کنفرانس اشخاص توانمند زیادی وجود دارد که در مذاکرات صلح دخیل باشد و همه صلح می‌خواهند.

۳- ایجاد اجماع: برای تحقق صلح به اجماع ملی و منطقی نیاز است و دلیل ضرورت آن این است که به نگرانی‌های کشورهای منطقه و جهان پاسخ داده شود تا آنها قانع گردند.

۴- ایجاد زون مصئون: برای طالبان زون مصئون و محفوظ ایجاد گردد. چون تعداد زیاد آنها خارج از کشور زندگی می‌کنند. برای طالبان زون سوم که یک در جغرافیه مشخص ایجاد شود که ایجاد آن در گفتگوی صلح موثر خواهد بود. زون سوم در حد دو یا سه ولایت باشد در مجموع پانزده ولسوالی را دربر گیرد. حکومت خدمات ایشان جریان داشته باشد. سرپرستی از ادارات بدست طالبان باشد یعنی توسط طالبان رهبری شود.

۵- آتش بس نسبی: در قدم نخست، امکان آتش بس سراسری ممکن نیست، باید برای یک آتش بس نسبی تلاش شود. طالبان قناعت داده شود تا در بزرگ شهرهای کشور، مثل کابل، هرات، قندهار، جلال‌آباد و مزار شریف حملات شان

- را متوقف سازند و در مقابل حکومت تعهد نماید تا عملیات شبانه و هوایی انجام ندهد. وقتی بالای آتش بس نسبی توافق و عملی شد، امکان توافق آتش بس سراسری آسان تر خواهد بود.
- ۶- ارزیابی قانون اساسی: برای ارزیابی قانون اساسی، یک کمیته که متشکل از علما، قانون دانان و نخبگان از سراسر حضور داشته باشند، تشکیل شود تا قانون اساسی بازنگری شود. اگر کدام ماده خلاف میل طالبان بود، اصلاح و یا به طالبان قناعت داده شود.
- ۷- حکومت داری اسلامی: طالبان و تمام جوانب خواهان یک حکومت اسلامی هستند اما هر کدام حکومت اسلامی تعریف و تفسیر متفاوت دارند. جهت حل این مسئله و چالش از علما و دانشمندان یک هیئت تشکیل شود، و همچنین از علمای کشورهای اسلامی نیز دعوت به عمل آیند. مانند، پاکستان، هندوستان، عربستان سعودی، مصر و قطر تا بالای یک نظام اسلامی بحث کنند و به توفیق برسند بخاطریکه یک طرف جمهوری اسلامی را خط سرخ تعیین کرده و برای جانب مقابل امارت اسلامی خط سرخ است. مهم حل کردن مشکلات مردم است تحت هر نامی که باشد.
- ۸- تامین عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی با جنک ارتباط مستقیم دارد، افغانستان خانه مشترک هم است، باید برای تمام مردم عدالت اجتماعی تامین گردد، با فساد مبارزه جدی صورت گیرد، نهاد های حکومت بخصوص نهاد های امنیتی باید ملی شود و با معیار های ملی آماده شوند. به مدارس دینی توجه زیاد شود. برای علما در مدارس دینی زمینه تدریس مهیا گردد. مدارس دینی حمایت و توسعه داده شود تا اولاد ما برای تعلیمات دینی به کشور های همسایه نروند و باعث می شود تا از نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیک آنها جلوگیری گردد.
- ۹- مهاجرین: حکومت با کمک نهادهای بین المللی روی عودت مهاجرین افغان از کشور های همسایه کار کنند، برای آنها زمینه اشتغال فراهم گردد، چون کشورها از آنها استفاده سو می کنند.
- ۱۰- مواد مخدر: مواد مخدر نقش مستقیم در جنگ دارد، با همکاری همکاران بین المللی برای محو مواد مخدر تلاش صورت گیرد تا جنگ فروکش کند.

دکتر جعفر مهدوی

افغانستان در یک وضعیت بسیار خاوص قرار دارد و به نوعی می توان از آن فضای بیم و امید یاد کرد. متاسفانه با روی کار آمدن رهبران سیاسی مسوولیت ناپذیر و غیر قابل پیش بینی در یک دهه اخیر در سراسر جهان بویژه کشورهای که سرنوشت ما متأثر از تصامیم آنهاست یک مفهومی را وارد دانش سیاسی کرده که آن عصر عدم قطعیت، که مهم ترین ویژگی این رهبران مسوولیت ناپذیری آنهاست که با یک پیام سرنوشت یک ملت را تغییر دهد. در این دوران و شرایط کشوری مثل افغانستان که به شدت سرنوشت آن به تصمیم آنها وابسته است، فضا و شرایط تصمیم گیری و به جمع بندی رسیدن را برای ما حساس و دشوار کرده است. در چنین شرایط جهانی کشورهای زیادی می تواند قربانی گردد و سرنوشت آنها تغییر کند که در حال بزرگترین قربانی افغانستان می باشد. بعد از دو دهه کشورها با شعار مبارزه با تروریزم در افغانستان حضور داشته و یک تعداد نهادهای شکننده بوجود آمد، برای اولین بار مردم افغانستان فکر می کردند به صلح می رسند اما پیام تویتری کاخ آرزوهای مردم فرو ریخت.

من معتقدم که زمان رسیده که تلاش نماییم تا سرنوشت و مقدرات خود را خود به دست بگیریم، تا زمانیکه به تصامیم دیگران اعتماد کنیم همانند دور نخست به صلح و ثبات نخواهیم رسید، چون نسخه های تلخ دیگران را در طی هژده سال اخیر با تمام وجود خود احساس کردیم ولی به ثبات نرسیدیم. به نظر من تکرار آن اشتباه دوباره خواهد بود، نتیجه این اعتماد حضور گروه های تروریستی با عناوین مختلف بوده است. نتیجه اعتماد تداوم تبعیض و بی عدالتی در افغانستان بود و نتیجه آن یک دموکراسی در حال احتضار بود که سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سفارت آمریکا تلاش می کنند تا با تنفس مصنوعی باعث بقای دموکراسی در افغانستان می شوند. فکر کنم یک تجربه تلخ و ارزشمندی بود. من در زمان برگزاری کنفرانس بن بر این باور بودم که این

کنفرانس نمی‌تواند صلح و ثبات را در افغانستان به ارمغان بیاورد و دلیل آن این بود که عدم حضور نمایندگان طالبان و حزب اسلامی در کنفرانس بود. به نظر من هیچ راهی برای برقراری صلح بدون مذاکره مستقیم با طالبان ممکن نیست، به این مفهوم نیست که من یک حس نوستالوژیک با طالبان دارم، چون جدا از یک سیاست‌ورز افغان، به عنوان یک پژوهش‌گر افغان پیرامون قضایای افغانستان واقع‌بینانه فکر می‌کنم. اگر اتوپیایی فکر کنیم هیچ وقت نائل نخواهیم آمد و وضعیت کنونی که هر روز ده‌ها تن افغان با نام اردوی ملی و طالب قربانی می‌شوند. فعلا معتقدم که بدون تشکیل حکومت موقت هیچ‌راهی بیرون رفت وجود ندارد. نکته‌ای اخیر اینکه؛ آیا طالبان یک جریان آزادی بخش بود و یا آمریکا را اشغال‌گر فکر می‌کرد یا خیر، در شرایط موجود مشکل ما را حل نمی‌کند، اگر طالبان را نوکر خارجی بدانیم و یا یک جنبش رهایی بخش - سوال اینجاست که ما چه باید استراتژی را اختیار بکنیم. امیدواری در سال ۲۰۰۱ برای اینکه، آمریکا برای ما دموکراسی می‌آورد به همان اندازه اشتباه بود که حالا فکر کنیم که آمریکا برای همیشه افغانستان را ترک می‌کند، چون در روی کاغذ همکار استراتژیک افغانستان است و فراتر از آن منافع خود را تعقیب می‌کنند. نخبگان سیاسی باید تلاش نماییم تا منافع خود را در درون منافع آنها جستجو بکنیم. در حال حاضر منافع ما توقف جنگ است، توقف جنگ اولویت حکومت و جامعه ما می‌باشد اما در مورد اینکه چه کسانی خواهان نظام جمهوری و یا امارت اسلامی است را می‌توان در گفت‌وگوهای بین‌افغانی بحث کرد، با تجربه شخصی که از گفتگو با طالبان در قطر داشتم طالبان را یک گروه به شدت آماده مذاکره و انعطاف پذیر برای دستیابی به صلح عادلانه و پایدار یافتیم.

شعیب رحیم

متن توافقنامه صلح بین آمریکایی‌ها و طالبان قبل از پیام تویتری رییس جمهور آمریکا نهایی شده بود و برای امضا آماده بود و هم‌چنین اعلامیه مشترکی قرار بود هم‌زمان بین دولت افغانستان و ایالات متحده آمریکا به امضا برسد نیز تدوین گردیده بود. آمادگی‌ها برای روند بعدی گفت‌وگوهای بین‌افغانی اتخاذ شده بود ولی بالای مکان برگزاری چانه زنی جریان داشت. چهار اصل که بر اساس آن مذاکرات آمریکا و طالبان استوار و نهایی شده بود:

۱- خروج نیروهای آمریکایی

۲- تضمین‌های حرکت طالبان در قسمت مبارزه با تروریسم

۳- آغاز مذاکرات مستقیم بین‌افغانی

۴- آتش بس یا توقف موقتی جنگ

برداشت ما از مذاکرات دو طرف این بود که هیئت مذاکره کننده دفتر دوحه طالبان در چهار بخش دست‌آورد داشتند و برای طالبان قانع کننده بود.

حالا من می‌خواهم صحبت‌هایم بالای دو مکان احتمالی برگزاری مذاکرات میان افغان‌ها یعنی کشورهای قطر و ناروی ادامه دهم. مناسبات یا دینامیک قدرت که در دوحه حاکم بود در اسلو حاکم نیست، در دوحه در یم طرف آمریکا حضور داشت که تقریباً می‌توانم بگویم که تصمیم خروج را داشت که در سنخانی‌ها و پیام‌های رییس جمهور آمریکا هویدا بود. می‌توانیم ماهیت مذاکرات را بحث خروج نامگذاری کرد، فشار زمانی بالای آمریکا از قبیل نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری آنها و دلایل دیگر نیز بود، متأسفانه فضای مذاکرات را متأثر ساخته بود و همه به نفع طالبان تمام شده بود، بلاخره در دور نهم مذاکرات آمریکایی‌ها از بعضی نکات کلیدی که در مرحله آغازین گفت‌وگوها ترسیم کرده بود، کناره‌گیری کرد، بحث آتش بس به کاهش خشونت تقلیل یافت.

تفاوت دوم دینامیک قدرت این است که؛ شناخت طرف مذاکره کننده افغانستان از طالبان بسیار متفاوت از شناخت آمریکایی‌ها از طالبان می‌باشد، از بحث روایت دینی، مشروعیت جنگ گرفته تا عملکرد طالبان در زمان حاکمیت شان در اسلو بحث

می‌شد و نکاتی که طالبان قادر بود در جریان مذاکرات از آمریکا امتیاز بگیرد، در اسلو امکان ناپذیر بود. دیدگاه دوم که در دوحه حاکم بود که همیشه آن را پیش فرض نام گذاشت عبارت بود از: تمام مفاد توافقنامه از جانب مذاکره‌کنندگان طالبان دفتر دوحه قابل تطبیق است، نه تنها که اراده طالبان مورد سوال قرار نگرفت بلکه ظرفیت تطبیق آنها نیز مطرح نشد. به نظر من با توجه به انشعاب های طالبان، آیا مذاکره‌کنندگان دفتر دوحه می‌توانست از تمام طالبان نمایندگی کند؟ و نکته اخیر اینکه با وجود تلاش ها برای صلح و ختم خشونت که هر روز قربانی می‌گیرد، بحث زمان برخلاف مذاکرات آمریکا و طالبان نمی‌تواند در گفت‌وگوهای بین‌افغانی کارساز و ابزار فشار طالبان باشد. اگر واقعا در پی صلح با ثبات هستیم باید مذاکرات صلح به دقت تمام صورت گیرد و از دیدگاه‌های همه استفاده شود.

پرسش و پاسخ

پرسش: تا اکنون طالبان نشان دادند که در مذاکرات صلح یک گروه واحد و با اهداف مشخص عمل کرده است، قرار است گفت‌وگوهای بین‌افغانی آغاز نیز گردد اما در جانب افغانستان تمام نهادها توسط نخبگان ساختگی به گروگان و اشغال شده است. در این وضعیت، مذاکره‌کنندگان جانب افغانستان چه کسی خواهد بود؟

پاسخ: همه طرفدار یک انسجام در هیئت مذاکره‌کننده هستیم و مهم‌ترین عنصر در مذاکرات صلح بحث اراده دو طرف می‌باشد، هرگاه دو جانب و حامیان شان صادقانه برای به ثمر نشاندن و تحقق صلح تلاش ورزند، حتمن به هدف نائل خواهد آمد، نمونه های زیادی در جهان داریم که یکی از آنها توافق صلح بین اندونیزیا و آچه می‌باشد که یک منازعه چندین ساله داخلی بود که رنگ ایدئولوژیک اختیار کرده بود و با تقسیم قوه قضائیه اندونیزیا به توافق رسیدند.

جلسه سوم: تحول اقتصادی و اجتماعی



گرداننده:

دکتر سردار محمد رحیمی، معین سوادآموزی وزارت معارف افغانستان

سخنرانان:

- نذیر کبیری، مدیر اجرایی انستیتوت البیرونی
- دکتر واندا فیلباب براون، عضو ارشد انستیتوت بروکینگز ایالات متحده آمریکا
- سید وحید قتالی، رییس اداره امور ریاست جمهوری افغانستان

دکتر سردار محمد رحیمی:

زمانیکه بحث در مورد تحولات اجتماعی، سیاسی و پیچیدگی های امنیتی افغانستان بویژه بعد از سال ۲۰۰۱ می کنیم، دو مسئله مهم را فراموش می کنیم و آن عبارت است از مسائل اقتصادی و اجتماعی. در این جلسه سخنرانان پیرامون موضوعات «اقتصاد افغانستان: فرصت ها و چالش ها»، «فرضیه های جنگ و صلح افغانستان» و «تعریف قابل تطبیق و غیر شعاری زندگی صلح آمیز در بستر محل» بحث خواهند کرد.

نذیر کبیری:

چشم انداز اقتصادی افغانستان با در نظر داشت شکنندگی های سیاسی-اقتصادی

۱. بررسی کوتاه از سیر اقتصادی کشور در ۱۵ سال اخیر
۲. خلا مالی و چشم انداز پایدار مالی
۳. دورنمای رشد اقتصادی برای یک دهه از ۲۰۲۰-۲۰۳۰
۴. شکنندگی چگونه چشم انداز اقتصادی افغانستان را با خاطر مواجه می سازد؟

عنوان: دید اجمالی از کارکردهای اقتصادی افغانستان در یک و نیم دهه ی اخیر:

۱. در ده سال اول (فصل بازسازی): بین سال های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ افغانستان یک رشد خوب اقتصادی با اوسط ۹ درصد داشته است.
۲. اما متعاقباً با آغاز حکومت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴ و پایان خروج نیروهای بین المللی (دوره ی پسا انتقال)، افغانستان شاهد افت و کاهش شدید رشد اقتصادی بوده که به نرخ میانگین حدود ۲ درصد در ۵ سال اخیر رسیده است.
۳. رشد بطی اقتصادی در پنج سال اخیر با افزایش نامعلوم بودن شرایط سیاسی و وخیم شدن وضعیت امنیتی گره خورده است.

عنوان: سال ۲۰۱۴ نقطه ی عطف در سیر توسعه ی اقتصادی کشور می باشد

- در سال ۲۰۱۴، ما شاهد دو نوع انتقال بوده ایم: یکی تکمیل شدن خروج نیروهای بین المللی از کشور (انتقال امنیتی) و انتخابات ریاست جمهوری که منجر به تشکیل حکومت وحدت ملی گردید. (انتقال سیاسی)
- کارکرد رشد اقتصادی و پیشرفت های توسعه اقتصادی از سال ۲۰۱۴ به این سو، کند و بطی گردید و در بعضی از موارد حتی به عقب برگشته است.

- درآمد سرانه از ۶۳۷ دالر در سال ۲۰۱۳ به ۵۲۱ دالر در سال ۲۰۱۸ پایین آمده است.
- همچنان نرخ فقر از ۳۸ درصد به ۵۵ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است.

- ۲ شاخص اجتماعی- سطح مشمولیت دوره‌ی ثانوی مکتب ثابت ولی نرخ مرگ و میر مادران هنگام زایمان متأسفانه افزایش یافته است.

عنوان: کمک‌های مالی بلاعوض خارجی هنوز هم حدود دوسوم حصه‌ی مصارف عامه را تمویل می‌کند:

- با وجود افزایش در جمع‌آوری عواید (که از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۳ به ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۸ بلند رفته است)، هنوز هم نقش کمک‌های خارجی در تامین مالی خیلی برجسته است.
- از مجموع ۵ میلیارد دالر هزینه‌ی مجموعی مخارج نظامی و امنیتی، چهار و نیم میلیارد دالر آن توسط کمک‌های نظامی بلاعوض خارجی تامین می‌گردد.
- بیش از نیمی از بودجه‌ی ملکی (به شمول بودجه‌ی عادی و بودجه‌ی انکشافی) توسط کمک‌های ملکی خارجی تمویل می‌گردد.

عنوان: چشم انداز پایداری مالی کشور برای ده سال آینده ناامید کننده است:

- تحلیل‌های بانک جهانی حاکی از آن است که «عواید بالقوه» (حداکثر عواید مالی که دولت - با در نظر داشت ساختار اقتصادی افغانستان - می‌تواند جمع‌آوری کند) حدود ۱۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) بوده و از آن فراتر تجاوز نمی‌کند. (به جز اینکه تغییر ساختاری در اقتصاد کشور به وقوع بپیوندد.)
- مصارف عامه‌ی داخل بودجه - که فعلاً در سطح ۱۷ درصد GDP بوده - تا سال ۲۰۳۰ به ۳۳ درصد GDP بلند خواهد رفت. چون فرضیه این است که اکثر مصارفی که فعلاً خارج از بودجه، مستقیماً از جانب دونه‌ها تامین و تمویل می‌گردند، تا سال ۲۰۳۰ به بودجه انتقال خواهد یافت. همچنان نیازمندی‌های مصارف انکشافی افغانستان روی هم رفته افزایش می‌یابد.
- این وضعیت افغانستان را با خلای مالی حدود ۱۸ درصد GDP تا سال ۲۰۳۰ روبرو می‌سازد.

عنوان: شکنندگی اجتماعی و سیاسی دور نمای رشد اقتصادی افغانستان را - حتی در صورت تحقق صلح - با خطر مواجه می‌سازد.

- ناامنی و خشونت، تهدیدهای ژئوپولیتیک در منطقه، اقتصاد نامشروع بزرگ (مواد مخدر و قاچاق) نهادهای ضعیف، فساد اداری عمیق، نرخ بلند بیکاری، افزایش جمعیت (سالانه حدود ۵۰۰ هزار جوان وارد بازار کار می‌گردند) و سطح بلند بی‌سوادی در کشور، یک سری از عوامل شکنندگی دوام‌دار در کشور خواهند بود.
- تحلیل‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که در صورت تداوم وضعیت به همین منوال، یعنی در صورت تداوم مشکلات امنیتی به همین شکل، رشد اقتصادی میانگین تا سال ۲۰۳۰ از حدود ۳/۵ درصد سالانه تجاوز نمی‌کند.
- در یک سناریوی خوشبینانه‌تر، در صورت توافق صلح و تطبیق اصلاحات کلیدی در عرصه‌ی سرمایه‌گذاری خصوصی، رشد اقتصادی میانگین تا سال ۲۰۳۰ به شش و نیم درصد بلند خواهد رفت.
- اما دستیابی به این سطح رشد اقتصادی، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های هنگفت عامه در بخش‌های انرژی، زیربنا، سرمایه‌بشری (تعلیم و صحت)، زراعت و مصنوعات اجتماعی می‌باشد.
- سرمایه‌گذاری‌های عامه که منابع جدید رشد اقتصادی را فراهم بسازند، بالغ بر ۲/۲ میلیارد دالر سالانه تا سال ۲۰۳۰ تخمین زده می‌شود.
- این سرمایه‌گذاری‌های جدید، افزون بر مخارج عادی دولت، جهت تامین خدمات اساسی می‌باشد.

عنوان: خلاصه‌ی بحث و جمع‌بندی:

- میزان رشد اقتصادی (حتی در حالت تحقق صلح) تنها در صورتی به سطح میانگین ۶/۵ درصد طی ده سال آینده خواهد رسید که:
 - در سطح سرمایه‌گذاری‌های عامه فعلی، همچنان به مقدار ۲/۲ میلیارد دالر افزایش به عمل آید
 - اصلاحات حیاتی برای جلب سرمایه‌گذاری خصوصی و تعلیق پالیسی‌های اقتصادی مهم برآورده گردند.
- به گمان اغلب، حداقل ۶/۵ درصد بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۳۰ پیش شرط رسیدن افغانستان به اهداف انکشاف پایدار SDGs می‌باشد
- در صورتی که سرمایه‌گذاری‌های لازم و اصلاحات مهم اقتصادی تطبیق نشوند، حتی در حالت تحقق صلح، رشد اقتصادی از میزان ۳/۸ بالاتر نخواهد رفت.
 - افغانستان برای سال‌های متممادی همچنان نیازمند است تا جهت تامین مخارج ملکی و نظامی خود، کمک‌های مالی خارجی دریافت نماید
 - تعهدات فعلی کشورهای خارجی برای تامین کمک‌های مالی در سکتور نظامی و ملکی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به پایان می‌رسند سطح تعهدات بعدی برای دوره‌ی پسا ۲۰۲۰ تا هنوز نامعلوم است
 - بنابراین با در نظر داشت شرایط ژئوپولیتیک منطقه‌ای و وابستگی اقتصادی/مالی افغانستان، (حتی بعد از صلح) وضعیت کشور همچنان شکننده و روی هم رفته بی‌ثبات باقی خواهد ماند.

سید وحید قتالی:

کدام عناصر می‌تواند گفت‌وگو بین‌افغانی را به موفقیت برساند، نیازمند چه برنامه‌های هستیم؟ این مهم است که مشخص کنیم، آیا به صلح به عنوان یک راه‌حل منطقه‌ای و بین‌المللی نگاه کنیم یا عوامل داخلی آن را به رسمیت بشناسیم؟ به نظر من یکی از مشکلات در مذاکرات بین افغان‌ها این است که صحبت‌های ما نیازسنجی شده از یک جغرافیه سیاسی به نام کابل می‌باشد و رابطه آن با توده‌های محلی بسیار کم‌رنگ است. نکته‌ای من اینجاست که نسخه تولیدی از یک گفت‌وگوی سیاسی مرکز محور قابلیت تطبیق در سراسر نقاط را ندارد. وقتی ما تصور زندگی صلح‌آمیز را تولید و به فروش می‌گذاریم، بیش‌تر به تاکید سیاسی می‌ماند تا راه‌حل یک زندگی پیش‌پاه افتاده در یک جامعه، ما هنوز تعریفی از زندگی صلح‌آمیز نداریم و در شرایط کنونی چگونه اقشار مختلف در افغانستان به زندگی صلح‌آمیز نائل آیند که ضامن تداوم و هم‌زیستی آنها در افغانستان باشد.

نخبگان جامعه افغانستان در نمایندگی خود از همه‌ای اقشار باید بازنگری کنند، هدف من این نیست که مردم محل جایگاه نخبگان را بگیرند بلکه آنهایی که خود را نماینده می‌پندارند با خواستگاه و نیازمندی‌های مردم توجه نمایند. بطور مثال: در این کنفرانس کسانی خود را نمایندگان طالبان می‌دانند ولی من به این امر باورمند نیستم که واقعا از نیازهای امروزی طالب نمایندگی کنند، این امر به همه مجاهد و دیگران نیز صادق است. آنها صلاحیت و قابلیت این را ندارند که از دغدغه‌های شهروندان به درستی نمایندگی نمایند و حتی عناصر داخلی منازعه کنونی در افغانستان می‌باشد را شناسایی نکردیم. درست است که باور ایدئولوژیک بخشی از جنگ و منازعه را تشکیل می‌دهد، اما یکی از عوامل دیگر منازعه در افغانستان فقر گسترده در جامعه می‌باشد. تا تمام عوامل را شناسایی و بالای آنها جدی کار شود. یکی از پیشنهادات من برای شناسایی عوامل منازعه و راه‌حل‌های آن تاسیس مراکز مطالعاتی است.

واندا فلباب براون:

منظورم از جنگ اقتصادی، منظورم مواد مخدر و کشت تریاک و خشخاش و تولید هروئین است. من می‌خواهم با گفتن اینکه مذاکرات صلح و جنگ برای افغانستان مهم است، شروع کنم. من معتقدم این یک واقعیت اساسی است که ایالات متحده در مهلت زمانی کوتاه از افغانستان خارج نخواهد شد. اما ممکن است که این اتفاق افتد. مانند رئیس‌جمهور ترامپ در آخرین دقایق، نظر خود را تغییر داده و از مذاکره‌ای که سفیر خلیلزاد روی آن کار کرده است، عقب نشینی کرد. این به شدت تغییر خواهد کرد. تنها سؤال اینجاست که روند خروج آمریکا از چه مدت صورت خواهد گرفت و در طی فرایند خروج افغانستان راهی برای ایجاد توافق با خود برای داشتن صلح پیدا خواهد کرد. سوال دیگر برای افغانستان این است که اقتصاد جنگ چه نقشی در مذاکرات صلح ایفا می‌کند؟ این مذاکره با طالبان ساده نیست. بسیاری از جنبه‌های سیاستمداران افغان سعی در گفتگو با طالبان داشته‌اند و همه به دنبال دستیابی به منابع هستند همانطور که همه می‌دانیم، در حال حاضر بسیاری از افراد قدرتمند از شبه‌نظامیان و نیروهای اضافی حمایت می‌کنند. طالبان از اقتصاد جنگ پشتیبانی و مجهز شده‌اند و بدیهی است و هیچ کس نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. خروج نیروهای آمریکایی و بین‌المللی ممکن است طی شش ماه یا دو سال اتفاق بیفتد اما دولت افغانستان باید مدیریت کند. در مذاکرات صلح، افغان‌ها نمی‌خواهند از ارزش‌های دست‌یافته دست بکشند، اما مسئله این است که چقدر سیاستمداران برای آن موضوعات مبارزه خواهند کرد، همچنین جنگ با نیروی افغان وابسته به اقتصاد است. من معتقدم وقتی ایالات متحده نیروهای خود را بیرون کند می‌کند به پشتیبانی خود را از ارتش افغانستان ادامه خواهد داد، اما این که این پشتیبانی چقدر خواهد بود بستگی به شرایط داخلی افغانستان خواهد بود. اوضاع سیاسی افغانستان و انتخابات روی این پشتیبانی تأثیر خواهد گذاشت و همه‌ی ما در مورد سناریوهای مطرح در این باره صحبت می‌کنیم. مسائلی که ما به آنها نپرداخته‌ایم این است که بسیاری از مردم پس از عقب نشینی نیروهای آمریکایی با بخش‌های نظامی و خصوصی همکاری می‌کنند. من با دقت به اظهارات آقای آغا جان گوش دادم و در صورت دستیابی به توافق صلح در اقتصاد مبتنی بر مواد مخدر و نابودی این اقتصاد، از اطمینان او به چنین وضعیتی، تحت تأثیر قرار گرفتم. من معتقدم، اقتصاد مبتنی بر مواد مخدر برای مدت طولانی در افغانستان وجود خواهد داشت و فکر می‌کنم مرحله بعدی مذاکرات صلح، تأکید بر نیاز به ایجاد خطوط قرمز برای بسیاری از بازیگران نه فقط برای طالبان است. بسیاری از مسائل در جدول مانند تقسیم قدرت و نحوه ادغام نیروهای طالبان در نیروهای امنیتی افغان وجود خواهد داشت.

پرسش و پاسخ

پرسش: هر زمانیکه در بعد امنیتی، سیاسی و اجتماعی صحبت می‌کنیم، تغییر اقلیم نیز یک بحث جدی کنونی جهانی می‌باشد. تغییر محیط زیستی در افغانستان یک موضوع آینده نیست، قبلاً اتفاق افتاده و یکی چالش‌های موجود می‌باشد، بالای فقر، کشت کوکنار و منازعات محلی ما تأثیر دارد. بر اساس ارقام سازمان ملل از سال ۱۹۵۰ تا امروز متداوم تأثیرات اقلیمی را سپری کردیم. پس در کنار مباحث دیگر به تغییرات جوی نیز توجه شود.

پاسخ: متأسفانه شدت جنگ، خشونت و مشکلات در افغانستان باعث آن شده که ما به مسایل چون تغییر اقلیمی توجه و فکر نکردیم. پنج سال از انکشاف پایدار سپری می‌شود ولی هنوز هیچ گامی در افغانستان برداشته نشده است. چندی قبل کمک‌کنندگان بین‌المللی با حکومت جلسه داشتند، تمام اسنادی را که ارائه کردند حتی یک مورد از SDGs یا انکشاف پایدار نکردند، این در حالی بود که دوستان جهانی افغانستان تمام اسناد مربوط به این موضوع را امضا کرده بودند.

پرسش: رشد اقتصادی افغانستان دو فیصد و بیکاری بیش‌تر از پنجاو چهار فیصد است. به باور آقای قتالی، فقر یک عنصر مهم در منازعه افغانستان می‌باشد. مردم فکر می‌کنند که اقتصاد بعد صلح یک اقتصاد بهتر خواهد بود. با توجه به اقتصاد جرمی

طالبان در روی آن بحث شد. آمار و ارقام که ارائه کردید، برخلاف چیزی است که حکومت ادعا میکند که تا سال ۲۰۲۴ به خود کفایی در قسمت بودیجه می‌رسیم ولی بر اساس توضیحات شما تا ۲۰۳۰ به چنین هدف نخواهیم رسید، به نظر شما حتی اگر توافق صلح به نتیجه برسد بخاطر فقر، بیکاری و رشد اقتصادی پایین گراف منازعات بالا نمی‌رو چون سخنرانان یکی ریشه اصلی منازعه را فقر عنوان کردند؟

پاسخ: حکومت مغایر توانایی های خود به مردم ارقام و آمار ارائه می‌کند و سطح توقعات شهروندان را افزایش می‌دهد و به وعده‌های خود عملی نمی‌کند و در نهایت مردم سرخورده می‌شود. دلیل دیگری که باعث ناکارآمدی ارگانهای اقتصادی و مالی می‌شود باید یاد آور شود، متاسفانه ادارات که در ارگ ریاست جمهوری در قسمت اقتصاد تشکیل گردیده، تاثیر منفی روی وزارت های اقتصاد و مالیه داشته است چون ابتکار عمل و صلاحیت آنها را گرفته است، قبل از ایجاد تشکیلات متذکره، وزارت های اقتصادی دست آوردهای قابل ملاحظه داشت.

جلسه چهارم: آسیای جنوبی: تغییر پارادایم؟



گرداننده:

- جیوتی ملهوترا، روزنامه پرینت هندوستان

سخنرانان:

- دکتر کریستین فیر، استاد، دانشگاه جورج تاون ایالات متحده آمریکا
- راکش سود، سفیر پیشین هندوستان در افغانستان
- بانو بشرا گوهر، عضو پیشین پارلمان پاکستان
- تمیم عاصی، معین پیشین وزارت دفاع ملی افغانستان

جیهوتی ملهوترا:

شاید این یکی از بحث‌برانگیزترین و جالب‌ترین پنل‌های کنفرانس امنیتی هرات باشد به دلیل اینکه ما در اینجا سخنرانانی از افغانستان، هندوستان، پاکستان و ایالات متحده داریم. با وجود اینکه تغییر پارادایمی بسیار زیادی در عرصه‌ی نظام بین‌الملل شاهد است، اما منطقه‌ی جنوب آسیا دستخوش این تغییرات نشده است. در این پنل می‌خواهیم در مورد تغییر پارادایم در جنوب آسیا و گذار از دولت محوری به نهاد محوری صحبت کنیم. مسلماً عواملی مثل منازعه در افغانستان و نقش هند و پاکستان در افغانستان، یکی از عوامل اساسی در مورد پارادایم جنوب آسیا می‌باشد. همچنین عوامل افزایش یا کاهش منازعه به مانند تغییر مسیرهای تجارتي در این پنل مورد بحث قرار خواهد گرفت. بحث به صورت دیالوگی و مناظره‌ای می‌باشد به همین خاطر من اولین سوال را از تمیم عاصی، معاون پیشین وزارت دفاع افغانستان می‌پرسم:

گرداننده: افغان‌ها برای سال‌های آینده چه می‌خوانند؟

عاصی: من کوشش می‌کنم که صادق و عملگرا باشم. زمانی که من در دولت بودم از عینک‌های بسیار واقع‌گرایانه‌ای به تحولات نگاه می‌کردم و می‌کنم. در جریان یک سال آینده، ما منتظر هستیم که سه روند موازی اتفاق افتد. روند تحولات کاملاً موازی با همدیگر می‌باشند. اول، مطمئناً یکی از این انتخابات‌ها خواهد بود، علیرغم عملکرد عالی مردم در انتخابات و رای‌گیری. من فکر می‌کنم که سیاست ما شکست خورده است و مردم ما با سوء مدیریت‌های پی‌در پی در روندهای اصلی مواجه شدند. همچنین سیاست محوری بسیار ضعیف اتفاق افتاده است که در سایر نقاط جهان نیز می‌توانیم ببینیم به طور مثال پوپولیزم در اروپا یکی از این نمونه‌ها می‌باشد. اعتقاد من در مورد این انتخابات این است که این انتخابات برنده نخواهد داشت. احتمالاً یک کاندید پیش‌تاز خواهد داشت یا اینکه انتخابات به دور دوم برود یا اینکه یک حکومت ائتلافی تشکیل شود. اگر ما به دنبال دولت ائتلافی برویم، فکر می‌کنم آنچه که اتفاق خواهد افتاد طی یک سال منازعه اتفاق خواهد افتاد در مورد اینکه چه کسی دولت ائتلافی را رهبری می‌کند و چه کسی دولت را به دست می‌گیرد... پس در یک سال آینده در مورد روند انتخابات، احتمال این است که یا ما به دور دوم می‌رویم، یا برای تصمیم‌گیری برای رهبری دولت و دولت ائتلافی منازعه می‌کنیم. روند دوم، روند صلح است، من فکر می‌کنم آنچه که اساساً می‌بینیم، از سرگیری مذاکرات بین ایالات متحده و طالبان می‌باشد. این مذاکرات شاید نوعی آتش بس جزئی باشد و یا شاید جلساتی در هر سال در اسلو یا ازبکستان.

و روند سوم روند توسعه است، کنفرانس آینده تمویل‌کنندگان در سال ۲۰۲۰ برگزار می‌شود و دولت افغانستان باید برنامه‌ای را برای اقتصاد پس از خروج نظامیان آمریکایی تنظیم کند. پس بنابراین، در سال آینده روندهایی مثل، انتخابات، پروسه‌ی صلح و پیشرفت و توسعه وجود خواهد داشت البته آنطوری که من به وضعیت نگاه می‌کنم.

گرداننده: فیر! ترامپ دونالد صبح از خواب بیدار شد و تصمیم به لغو مذاکرات و توافق با طالبان و دیدار با رئیس‌جمهور غنی گرفت، یکی از خبرهایی که ما شنیدیم این است که طالبان می‌خواهد توانمندسازی آمریکا را انجام دهد، درست است؟ و حالا چه اتفاقی می‌افتد؟

کریستین فیر: من نمی‌توانم به شما بگویم که این صحیح است یا نه زیرا من در دولت ترامپ نیستم اما از نظر من فکر نمی‌کنم که وضعیت از این بدتر باشد. من با شیوه پیشبرد مذاکرات ایالات متحده با طالبان مشکل زیادی داشتم. من نمی‌توانم ریاست جمهوری و ترامپ را سازگار با همدیگر ببینم. ترامپ در دوران کارزار ریاست جمهوری وعده‌های بسیاری داد ولی من بسیار متعجب شدم که چرا به وعده‌هایش عمل نکرده است فکر کنم کارهایی که انجام داده است، موجب سقوطش شود. متأسفانه، من فکر نمی‌کنم که جایگزین یا امر حساس دیگری به جای ترامپ وجود داشته باشد. من باید بگویم که آمریکا و بسیاری از اشخاصی که من را خوب می‌شناسند، من بسیار ناامید هستم نه تنها در مورد مذاکرات صلح افغانستان بلکه تمامی چیزهایی که

در واشنگتن اتفاق می‌افتد. بسیاری از تحلیلگران می‌گویند، چین را مشغول کنید یا روسیه را مشغول کنید، اما ما به وضوح ایران را مشغول خودش نمی‌کنیم. و کاری که هرگز انجام نخواهیم داد این است که به پاکستان فشار نمی‌آوریم. هر کاری که در ۱۸ سال گذشته انجام داده ایم، پاکستان را تقویت کرده است. آنها با گسترش برنامه هسته ای خود قادر به گسترش قدرت همه‌جانبه‌ی خود در همه‌ی امور هستند. ما هیچ وقت به پاکستان فشار نیاوردیم که به ایران فشار آوردیم، دولت ما معتقد است که ایران از پاکستان خطرناک‌تر است. من تعجب می‌کنم که این چیزها اتفاق افتاد. در مورد افغانستان باید بگویم که قبل از اینکه انتخابات در افغانستان اتفاق بیفتد، بیشتر دولتمردان آمریکایی علاقه ای به انتخابات نداشتند و منتظر توافق صلح بودند. ولی من واقعاً به مردم افغانستان به دلیل برگزاری انتخابات تبریک می‌گویم.

گرداننده: فکر می‌کنید ایده خوبی بود که ترامپ مذاکرات صلح را لغو کرد؟

تمیم عاصی: اول از همه، من فکر می‌کنم آنچه که زال (زلمی خلیل زاد) انجام می‌داد، اساساً منعقد کردن توافق نامه عقب نشینی نیروهای آمریکایی از افغانستان بود. و من فکر می‌کنم او در این مورد بسیار مخفیانه عمل می‌کرد. اما روند صلح باید شفاف باشد. در هر صورت، زال شخصیتی دیپلماتیک است و باید دستورالعمل‌ها را دنبال می‌کرد. می‌توانیم استدلال کنیم که آیا توییت ترامپ کار درستی بود. یا نه. دولت افغانستان نگران پروسه‌ی صلح زال بودند اما این توییت برای آنها مانند یک ناجی بود. ترامپ حس کرد این یک معامله بدفرجام است. این توییت در بهترین زمان ممکن اتفاق افتاد. اما نگرانی من در مورد توییت‌های بعدی ترامپ است.

پرسش و پاسخ

گرداننده: نقش هند در افغانستان چیست؟

راکش سود: هند در سال ۲۰۰۱ برای بازسازی مؤسسات در افغانستان مشغول به کار بوده است. در آسیای جنوبی و به خصوص در مورد نقش هند در افغانستان باید بگویم که در ابتدا دو پارادایم را شاهد بودیم: روابط هند و پاکستان که می‌توانند به روند صلح افغانستان تاثیر داشته باشند. و دوم در مورد الگوی منطقه‌ای جنوب آسیا می‌باشد. الگوی منطقه‌ای جنوب آسیا الگوی منطقه ای ثابت است، اما الگوی بین المللی در حال تغییر است..

گرداننده: شرایط افغانستان را چگونه می‌بینید؟

بشرا گوهر: همانطور که من سال گذشته اشاره کردم که هر دو طرف خطوط دیورند تحت تأثیر طالبان قرار دارند. در مورد پروسه صلح افغانستان، ایالات متحده باید با تمویل کننده طالبان برای حل موضوع افغانستان دیدار کند. بسیاری از مردم ادعا می‌کنند که طالبان پشتون هستند اما طالبان از اقوام مختلف هستند و ما همچنین طالبان سیاسی داریم که برای منافع سیاسی می‌جنگند. برخی خبرها مبنی بر ادعای اینکه پس از توافق، برخی مکان‌های خاص به طالبان داده می‌شود، وجود دارد. اما همانطور که گفتم طالبان از بخش‌های مختلفی هستند، آیا دولت پاکستان این امر را قبول می‌کند تا بعضی از نقاط خاص را به طالبان پنجابی بدهد؟ در مورد انتخابات افغانستان نشان داد که دولت دست بالاتر را دارد. مردم در ۳۴ ولایت بیرون آمدند و رای دادند. حتی اگر کمتر بود همین مسئله نشان‌دهنده‌ی عزم افغان‌ها بود. در مورد طالبان باید بگویم که طالبان در کل یک پروژه ضد پشتون است.

گرداننده: منشا این صحبت چیست که گفته می‌شود پایگاه قومی طالبان پشتون است یا نمایندگی از پشتون‌ها می‌کنند؟

عاصی: طالبان هیچ قومی را نمایندگی نمی‌کنند، بزرگترین قربانی طالبان، پشتون‌ها هستند، آیا ۶۰۰۰۰ طالبان نماینده میلیون‌ها تن از پشتون‌ها هستند؟ آیا تحریک طالبان پاکستان نماینده پاکستان هستند یا انصارالله تاجیکستان نماینده مردم

تاجیکستان و غیره هستند؟ آنها گروه تروریستی نیابتی یا یک شرکت چند ملیتی هستند. که دارای یک تمویل کننده خارجی و مجریان داخلی است. آنها نماینده پشتون‌ها نیستند زیرا آنها هویت پشتون‌ها را ربه‌ده اند. همچنین از نظر جغرافیایی بیشتر جنگ در مناطق پشتون است.

گرداننده: اگر آمریکا از افغانستان خارج شود، از منظر اقتصادی چه گزینه‌هایی روبروی افغانستان می‌باشد؟

فیر: افغانستان باید برای اقتصاد پس از خروج آمریکا آماده شود و باید بتواند بر روی پاهای خود بایستد. چابهار ابتکار عمل خوبی است .

گرداننده: دیر یا زود آمریکا از افغانستان خارج می‌شود، دیدگاه هند در این مورد چیست؟

رکش سود: من با فیر موافقم ، افغانستان باید برای آینده آماده شود ، مردم افغانستان خواهان صلح هستند ، اما باید تمایز میان صلح و راه رسیدن به صلح قائل شوند .

عاصی: اگر ایالات متحده افغانستان را ترک کند و در افغانستان با تروریسم ننگند، آن وقت باید در خیابان‌های آمریکا و جاده‌های واشنگتن با پدیده‌ی تروریسم مبارزه کند. اساساً ایالات متحده برای امنیت خود و اقتصادشان سرمایه گذاری می کند. اگر شریک افغانستان از افغانستان خارج شود، این شریک مجبور است که در خیابان های واشنگتن با دشمنان افغانستان مواجهه کند و در آن زمان مجبور به بازگشت به اینجا هستند. افغانستان خط مقدم جنگ علیه تروریسم است .

بشرا گوهر: ایالات متحده علاقه ای به صلح برای منطقه ندارد ، ایالات متحده ممکن است علاقه دیگری به منطقه داشته باشد. ایالات متحده برای گفتگو با آنها به جای افغان ها ، طالبان را مشروعیت می بخشد. جوانان پشتون در حال شروع جنبش های خشونت آمیز نیستند. پاکستان خواهان صلح در منطقه است. ما حق داریم سؤال کنیم چه خبر است. ایالات متحده باید مسئولیت بالایی را به عهده بگیرد و همچنین چین منافع خاصی در افغانستان دارد.

گرداننده: و سیاست آمریکا در قبال دولت افغانستان و طالبان؟

عاصی: این یک همکاری است؛ ما درخواست خیریه نمی کنیم. ما اینجا یک پیمان امنیتی داریم. ما مذاکرات بین افغان ها را می خواهیم. ما صلح برای افغان ها می خواهیم.

گرداننده: دیدگاه کلی در مورد پارادایم منطقه‌ای جنوب آسیا چیست؟ آیا تغییر مسیرها باعث بهتر شدن پارادایم‌ها خواهد شد؟

بشرا گوهر: چابهار بر مسیرها تأثیر می گذارد ، زیرا یک مسیر تاریخی تغییر خواهد کرد و به اقتصاد منطقه که اکثر آن ها پشتون‌ها هستند آسیب می رساند.

جلسه پنجم: قربانیان جنگ، عفو ملی، راهکارهای صلح پایدار



گرداننده:

- فرحناز فروتن، خبرنگار

سخنرانان:

- پروفیسور سید حسین اشراق حسینی، استاد دانشگاه کابل
- هنس گیزمن، رئیس بنیاد برخوف آلمان
- نظر محمد مطمئن؛ خبرنگار

فرحناز فروتن:

ده ها جنگ غریب کش شعله ور شد و زنان و مردان و انسانیت را از بین برد. همه انهایی که سرخی خون قربانیان جنگ در پیشانی شان چسپیده، امروز در دستشان پرچم پاره پاره عدالت است. در روزهایی که در اتاقهای مجلل خلیج، گپ از خرما و ثواب دیگران بر سر صلح افغانستان، در اینجا در افغانستان، در یک هفته بیش از ۳۰۰ تن انسان به فنا رفتند. گپ صلح است و اینجا تنهای تکه تکه شده. این صلح از چه راهی می آید که جنگ افروز تر از جنگ هاست. این صلح با کیست، از کیست. جایگاه قربانیان جنگ کجاست. که چیزی جز شنیدن صدای استخوان های اراد شده از آخرین انتحاری را نمی شنویم. در این بحث من فرحناز فروتن همراه مهمان های ما، در مورد مسئله اساسی و مهم در چهل سال گذشته شاید بارها در موردش صحبت شده است و این فرصت یک فرصت استثنایی است. عنوان این بحث، قربانیان جنگ، عفو ملی و راهکارهای صلح پایدار می باشد. خوب است که در ابتدا به خاطر یاد کردن از تمام قربانیان جنگ به خصوص حادثه جانگدازی که دیروز در ننگرهار اتفاق افتاد، صحبت هایی داشته باشیم از مادر مکتب ساز افغانستان دکتر سیما سمر .

دکتر سیما سمر:

صبح همه بخیر، به خاطر قربانیان دیروز جلال اباد، یک دقیقه به پا بایستید و یک دقیقه سکوت کنید. تشکر از همه. همدردی خودم را شخصا به نمایندگی از این مجلس با فامیل های قربانیان مردم افغانستان و حادثه دیروز جلال اباد عرض می کنم و ارزو می کنم که مردم افغانستان دیگر شاهد این نوع حوادث نباشند. برای هر پروسه ای که ما داریم، عدالت به فراموشی سپرده میشود .

فرحناز فروتن: خواهش می کنم از اعضای پنل که در مورد تعریف صلح و صلح پایدار کوتاه صحبت کنند .

پروفسور سید حسین اشراق حسینی:

بحث صلح پایدار یکی از بحث های مهم در حوزه علوم انسانی است وقتی از صلح صحبت می شود صلح عبارتند از رفع منازعه ای هست که تمام زمینه های پایداری را باید با خودش داشته باشد. پایداری مفهومی است که وقتی که منازعه ختم می شود، اثر بگذارد بر ثبات و توسعه اجتماعی و اقتصادی و همچنین سازمان بروکراتیک سیاسی را با چالش مواجه نکنند و مردم حس کنند که در یک آرامش روانی به سر می برند. بحث آتش بس که هست، یک گام برای صلح پایدار خواهد بود. اما صلح پایدار فراتر از یک آتش بس است و جنبه های فرهنگی اقتصادی و سیاسی دارد و مهم تر این است که عدالت در آن وجود داشته باشد و نگاهی به آینده سراسر آرامش باید داشته باشد، در غیر آن آتش بسی که شما اشاره می کنید، اگر در قالب بازوهای قدرت به صورت موقتی مطرح می شود نمی تواند که منجر به یک آرامش دوام داری شود که یک نظام سیاسی یک نظامی اجتماعی و یک وضعیتی که قابل پیشبینی است که در محور ارزش های دموکراتیک و در محور عدالت و حقوق بشر خودش را تعریف کند چندان قابل این نیست که تنها ما اصل را بر آتش بس بگذاریم بلکه آتش بس یک گام فقط می باشد .

عنوان صحبت من عدالت ترمیمی است. پیش از طرح بحث، با وجود خوشبینی هایی که در مورد مصالحه وجود دارد، دغدغه ها و نگرانی هایی وجود دارد. دغدغه ها و نگرانی ها را می شود اینطور مطرح کرد :

- روشنفکری
- حقوق بشری
- ارزش های دموکراتیک
- جایگاه عدالت
- پایداری در عرصه های اجتماعی و فرهنگی
- نگرانی در مورد پیچیدگی بازی

باید تمامی ظرفیت های بالقوه و بالفعل به کار گرفته شود تا صلح به بار بنشیند. در مورد مصالحه در افغانستان با یک نیرویی مواجه هستیم که سپهر معنوی اسلام را به یک بعد سیاسی و نظامی فروکاسته است. و من برای من استعلایی خود و بازگشت به گذشته ارزش گذاری می کند. عنوان خشونتی که صورتی می گیرد، درست است که رنگ و شعار مذهبی ددارد اما قالب های جامعه شناختی و جئوپولتیک بر این خشونت ها و این صف ارایبی ها تاثیر جدی خودش را گذاشته است به همین خاطر است که بحران موجود محصول عوامل داخلی و خارجی است. به همین جهت است که کشتار مردم امروزه به یک کار و بار تبدیل شده است و ارزش های دینی به هیچ گرفته می شود در این گیر و دار هولناک گذاره داستایوسفکی که خدا نباشد، هر کاری مجاز است با سوال روبرو شده است. امروزه همه ستیزه جویان به نام خدا ادم می کشند و قساوت به خرج می دهند .

به همین دلیل است که با احترام به کسانی که تمایل دارند به برادران طالب و گرایش های خلافتی من برایشان می گویم که مصطفی صباغی رهبر اخوان المسلمین سوریه مطرح می کرد که این گروه ها با یک مشکل جدی مواجه هستند. که همان ناتوانی فهم از پیچیدگی های جدید است. طالبان به چند دلیل این گروه ها نمی توانند فعالیت کنند

- تجربه های پانگرفتن گروه های افراطی
- تجربه های ناموفق حکومت داری توسط داعش در عراق و سوریه
- انشقاق درون گروهی میان طالبان
- طالبان دستگاه واحدی نیستند که هر کدام به یک کشور وابسته هستند
- تضاد عمده ای که طالبان با داعش دارد. امارت و خلافت

با وجود این من فکر می کنم که گفتگوهایی که با طالبان شکل گرفته طالبان وارد یک فاز انعطاف شده اند. در مسکو در دوحه شکل گرفته است. بر مذاکره کنندگان است که بر یک نیاز تاکید کنند که نیاز به تغییر است. گفتمان یگانه و غالبی وجود ندارد. حتی فقها و اندیشمندان اسلامی جمهوریت را با اینکه مقاصد شرعی دارد تایید کرده اند .

وقتی که اینها از در تغلب و غلبه وارد میدان های قدرت شوند، بیشتر شیوه های سلطانی را پیش می گیرند به همین دلیل روش های جمهوری خوانه کریمانه تر از نظام های استبدادی و سلطانی است افغانستان نیاز دارد که با جامعه بین الملل در یک تعامل منطقی باشد. حکومت داری باید مدرن باشد، و واقع گرا باشد و در این صورت است که ارزش های دموکراتیک باید در آن بازتاب پیدا کند. استنباط طالبان از منابع شرعی هم دارای تناقض است. این گروه هایی که خودشان را جهادی می نامند، استنادشان را در مورد خلافت و امارت تشریح نمی توانند. وقتی که شروط امریکا را مبنی بر قطع رابطه با گروه های جهادی دیگر می پذیرند و همچنان وظیفه جنگیدن با داعش را بر عهده می گیرند، نشان می دهد که روایت شان در قالب قدرت و سیاست بیشتر مورد نظر قرار می گیرد. تا اینکه گفتمان های شرعی باشد

ملحوظات سیاسی با صبغه دینی آموزه های همه زمانی و همه مکانی نیست. یکی از بحث های مهم مسئله اجتهاد است به همین دلیل است که آموزه های مربوط به سیاست و قدرت در دین این قابلیت دارد که با واقعیت مواجهه پیدا کند و از نو صورت بندی شود. توجیهاات جدید را ارائه کند و به همین دلیل است که زمان این فرا رسیده است که روایت طالبان از قدرت دچار دگردیسی شده است. طالبان یک و دوی که دیروز مطرح شد، یک منطق دارد. روایت اینها از قدرت و سیاست باید بازسازی شود. اگر این کار را نکنند یا نکنند دو راه پیش روی دارند :

- افزون بر اینکه با قوای مسلح افغانستان و حامیان بین المللی شان بجنگند و با داعش هم بجنگند و با نیروهای درون گروهی خودشان باید بجنگند در این صورت نیروی شان تضعیف می شود و فرسوده می شود .
- یا اینکه روایت شان را از قدرت بازسازی کنند. دیگر محال است که با زور قدرت را تصاحب کنند

بهترین نمونه اش جنبش النهضه در تونس است. به همین خاطر، مصالحه با طالبان با این مراحل اگر پیش برود و جنبه های عملی به خود بگیرد، پرسش به وجود می آید که حق دادخواهی قربانیان جنگ چه می شود. تجربه های بین المللی و حقوقی در این مورد وجود دارد.

صدماتی که بر قربانیان وارد آمده باید ترمیم شود. باید یک ضرر دیده و صدمه دیده جنگ حس کند که در جامعه یک کسی مورد ضرر شده آماده است که معذرت بخواهد و مدیون حس کند خودش را. به همین دلیل است که تطبیق مصالحه نباید موجب این شود که ضرر رسان حس کند که با چهره فاتحانه وارد جامعه می شود و متضرر می بینید هیچ مجازاتی در مورد ضرر رسان شکل نگرفته است. هم نهادهای جامعه مدنی، هم حکومت های مردم گرا وظیفه دارند که در جهت تقویت عدالت ترمیمی تلاش

کنند. نظریه پردازان علوم اجتماعی مطرح می کنند که دو مزیت صلح و عدالت وجود دارد آیا راه کارهای موقتی کارساز است؟ نه، برای پایدار بودن و آینده نگری باید چاره جویی کرد .

ما باید به مقاصد شریعت و ارزش های حقوق بشری در هر دوطرف باید پایبندی نشان دهند. حقوق بشر و کرامت مگر در اسلام نیست؟ این دو شعارهای عمده اسلام است. این عقیده اگر فاصله گرفته شود، به خشونت رو می آورد و مسلمان را خون شان را می ریزاند .

برخی بدون پرداختن به مسایل اساسی خوشبین هستند که توافقات به وجود می آید اما صلحی که ثبات دموکراتیک، توسعه عدالت محور را به دنبال نداشته باشد، ناممکن است. اینجاست که بحث عدالت ترمیمی بسیار مهم و حائز اهمیت است. در غیر این، مصالحه ای که به وجود آید، به مراد مردم افغانستان نخواهد بود.

نظر محمد مطمئن:

در سال جاری میلادی کوشش های که برای حل چالش های افغانها و رسیدن به صلح انجام شد، به این دلیل دارای پیشرفت های زیادی بود، چون جهانیان و بطور خاص امریکا، چالش های افغانها را پذیرفتند... و کوشش شد که خواسته های اصلی طالبان و ملت افغان در نظر گرفته شود، مذاکرات طالبان و امریکا پیشرفت های خوبی داشت و در ۹ دور به نتیجه رسیدند ناگهان توییت رئیس جمهور ترمپ این روند را با موانع جدی مواجه ساخت، اما حالا هم امیدی هست که بلاخره توافق نامه ی صلح میان امریکا و طالبان به امضا برسد.

در سال جاری پیشرفت بزرگ دیگر مرتبط به صلح، نشست های بین الافغانی در قطر و مسکو بود، اگر چه این نشست ها با موانع روبه رو شد، اما یک آغاز خوب بود و ممکن است که این روند ادامه یابد.

خواست های متفق افغانها چیست؟

۱. بیرون شدن مکمل نیروی های خارجی، البته به اساس تقسیم اوقات معقول با یک پروسه منظم، همراه با تضمین های بین المللی.
۲. حاکمیت حکومت اسلامی که از تمامی افغانها نمایندگی کند و محافظ ارزش ها کلتوری و دینی کشور باشد، و استوار بر قرائت معتدل از اسلام باشد.
۳. نظام و حکومت افغان شمولی که هر فرد مشارکت خود را در آن ببیند.

موارد لازم رسیدن به صلح:

۱. کم شدن جنگ و تندروی و جلوگیری از کشته شدن افراد ملکی.
۲. امنیت، تمامیت ارضی، استقلال، تعلیم و پیشرفت، باید از اهداف اصلی صلح باشند.
۳. سیاست خارجی افغانستان باید دور عدم مداخله، احترام متقابل و انکشاف اقتصادی بچرخد.
۴. ارائه ی جوابه قانع کننده به نگرانی های کشورهای همسایه و ترمیم روابط با آنها.
۵. تبادل و آزادی زندانیان.
۶. عفو عمومی طرف های درگیر افغان به همدیگر.

طالبان، امریکا و جهانیان به اندازه کافی متوجه آن اشتباهات گذشته که عامل جنگ شده اند، هستند، پس گمان نمی‌رود که دوباره تکرار شوند.

من باور دارم که تمامی طرف های درگیر افغان به ارزش های که در قرائت معتدل از اسلام جا دارند متعهد خواهند ماند، مانند آزادی بیان در محدوده آن، تعلیم زنان، حقوق اساسی بشری، روابط خوب با کشور های همسایه و کشور های جهان.

من خود بدین باور هستم که صلح نباید به هیچ وجه این دست‌آورد ها و ارزش ها را با خطر مواجه کند، بلکه باید آنها را بیشتر تقویت کند. افغانستان امروز بیشتر از هر وقت دیگر نیازمند به ساخته شدن به دست افراد و نسل نوین خود است. همین گونه برای شکوفایی اقتصادی طولانی مدت در افغانستان به کمک های اقتصادی کشور های دوست نیاز است.

مخالفت با صلح با این وهم که صلح افغانستان را دوباره به دهه ۹۰ بر خواهد گشتاند، هیچ توجیه ندارد. هر روز بطور اوسط ۳۰۰ تا ۵۰۰ افغان از هر طرف کشته میشود. هم عساکر و هم طالبان مسلمان اند. با کشته شدن آنها مادران شان بی اولاد و اطفال شان یتیم میشوند.

اطمینان دارم که اگر بیرون شدن نیروی های خارجی با تضمین ناتو و امریکا اعلام شود، و همراه با آغاز مذاکرات میان طالبان و افغانها توافق ها روی ساختار و نوعیت حکومت جدید حاصل شوند، این یک پیشرفت هفتاد درصدی برای صلح خواهد بود.

راه های رسیدن به صلح:

- ۱- امضای توافق نامه صلح میان طالبان و امریکا.
- ۲- آغاز هر چه زودتر مذاکرات بین الافغانی و پیشبرد آن به گونه منظم.
- ۳- تیم مذاکراتی طرف های درگیر باید افغان شمول بوده و از افراد با استعداد، با نفوذ، صالح و مصلح تشکیل یافته باشد.
- ۴- اعتماد سازی، بردباری، حوصله و همدیگر پذیری در میان افغانان باید در عمل نشان داده شود.
- ۵- اگر جهات درگیر به گونه صادقانه خواهان صلح باشند، با باور تمام میتوانم بگویم که صلح شدنی است.
- ۶- مذاکرات بین الافغانی موضوع بزرگ مورد بحث است که درین مورد چیزی زیادی نمیشود گفت، زمانی که مذاکرات بین الافغانی آغاز شوند، افغانان مجبور به یافتن راهحل به هر موضوع و مسئله خواهند شد.
- ۷- خروج و نظام اسلامی خواست تمام ملت افغان است.

اولتر از همه باید همه برای خروج نیرو های خارجی کار کنیم، تا بهانه های طالبان را هم خاتمه دهیم، این راه خوب رسیدن به صلح است.

موانع:

قرار فهم خودم موانع عمده صلح تا حالا به قرار ذیل اند :

- ۱- تاکید بر باقی ماندن نیرو های خارجی در کشور، تحت هر نامی که باشد
- ۲- تاکید بر این که طالبان باید قانون اساسی فعلی را بپذیرند و با نظام فعلی تحت نام جمهوریت یکجا شوند، یا هم تاکید طالبان بر امارت.
- ۳- نبود راهبرد مشخص در مورد صلح و تاکید بر اینکه صلح باید به گونه بی بیاید که ارزش های حاکم ۱۸ ساله به گونه مطلق در جای خودش نگهداری شوند.
- ۴- فعلا مشکل اینست که بعضی از حلقه های داخلی و خارجی ما افغانها را به رسیدن به صلح مانع میشوند تا در میان خود بالای راه حل ها بحث شود.

۵- تا قناعت طالبان و طرفهای درگیر حاصل نشود ناامنی به پایان نمیرسد چراکه آنها جنگ میکنند و صلح باید در میان اینها بوجود بیاید پس به هر راه ممکن باید طالبان راضی شوند و با آنها توافق صورت بگیرد

هانس گیزمن:

پایداری یک هدف اصلی از هر روند صلح است. بسیاری از فرایندهای صلح به دلیل توهم که صلح فقط با امضای توافق بین طرفین درگیری صورت می گیرد ، شکست می خورند. امضای توافق نامه به سختی نمی تواند یک قدم اول ، مسلماً مهم ، باشد. توافقنامه صلح می تواند یک چارچوب امنیتی برای یک روند صلح ایجاد کند. این چارچوب می تواند با احترام به قوانین توافق ، اعتماد به نفس فرایند صلح را ایجاد کند. اما نه می تواند جایگزین لزوم تبدیل روابط خصمانه به همکاری سازنده شود و نه می تواند باعث درگیری و مشارکت یک جامعه به طور کلی شود که برای شکل گیری و اجرای یک قرارداد جدید اجتماعی در این جامعه لازم است.

آشتی یا به عبارت مناسب تر برای پایان دادن به درگیری مسلحانه طولانی مدت اجتماعی ، مصالحه شامل سه بعد مرتبط با همدیگر است.

اول از همه ، سطح شخصی است. این بعد به انسانهای فردی ، اقوام قربانیان ، خانواده ها و اجتماعات آسیب دیده اشاره دارد. بخشش در این سطح امری بسیار شخصی است. مصالحه نمی تواند به مردم تحمیل شود. در صورت تمایل مردم باید بتوانند و حق پذیرش و بخشش دارند.

سطح دوم مربوط به گروههای هویتی می باشد ، به طور معمول جوامعی است که به خصوص در جریان درگیری قربانیانی متحمل شده اند ، به عنوان مثال اقلیت های قومی یا مذهبی. پیش شرط مصالحه در اینجا ایجاد حقوق برابر و اجازه مشارکت کامل در زندگی سیاسی و اجتماعی است.

سطح سوم، سطح ملی است. انسجام ملت یک پیش نیاز و یک هدف آشتی در سطح جامعه است. مصالحه در اینجا به معنای احیای هویت جمعی ملت در افشار قومی و اجتماعی است. به عنوان مثال ، یک گفتگوی ملی ، یا دیالوگ های سراسر کشور می تواند شمول کافی را که یک جامعه برای غلبه بر شکافهای عمیق و جلوگیری از تکه تکه کردن جامعه در آن احتیاج دارد ، فراهم کند. . روایت کلی از یکپارچگی و احیاء ملی نیاز به ایجاد و اجرایی شدن آن دارد. تحول واقعی درگیری مسلحانه در جامعه با چنین پیچیدگی هایی از قبیل افغانستان ، برای بازگرداندن روابط بین طرف های متضاد ، به بازگرداندن بخشی از یک روند طولانی مدت روابط جمعی - (بازسازی) نیاز دارد.

اگرچه مصالحه در هر سه سطح به استراتژی ها و اقدامات مختلفی نیاز دارد ، اما نگاه دقیق تر برخی از مشترکات را آشکار می کند.

اول ، عناصر اصلی تحول پایدار منازعه ، تملک روند کار توسط طرفین درگیری ، شمول فعالیت و همچنین رویکرد مناسب برای مقابله با موضوعات "حقیقت" ، بخشش ، و آشتی است. برای پایداری هر فرآیند ، نقش و مسئولیت اصلی تحول درگیری بر عهده کسانی است که بیشترین آسیب را دارند. فقط بازیگرانی که تحت تأثیر قرار می گیرند می توانند صلح برقرار کنند ، همه بازیگران درگیر منابع برای ساختن آن هستند. اگرچه سالها طول می کشد ، اگر نسل ها نتوانند طرف های مبارز را به اندازه کافی به یکدیگر اعتماد کنند تا درگیر شوند ، اعتماد به یک فرایند طراحی شده می تواند مسیری طولانی را در اختیار آنها قرار دهد تا بتوانند قدم هایی برای صلح بردارند.

برای افغانستان ، مانند هر جنگ طولانی ، ارزش دارد که تفاوت بلکه مکمل متقابل گفتگو و مذاکرات را در نظر بگیرد. گفتگو و مذاکرات ، اگرچه اهداف مشترک مشابهی دارند ، اما در اندازه و قالب و همچنین در اهداف مشخص آنها متفاوت است.

مذاکرات با هدف توافق نامه منعقد شده بین طرفین درگیری در مورد موضوعات مهم پایان جنگ و شروع یک روند صلح است. مذاکرات تعداد محدودی از شرکت کنندگان را دارند و تا پایان محرمانه هستند. عنصر اصلی مذاکرات، تأیید آنچه توافق شده است است. اعتماد متقابل می تواند از اجرای توافق خارج شود. شرکت کنندگان در یک فرایند مذاکره، اعتماد به این روند را ایجاد می کنند، نه لزوماً به همتایان خود در طرف دیگر میز مذاکره. مذاکرات موفقیت آمیز با سازش و در بهترین حالت با نشانه ای از حسن نیت و وعده پیروزی برای همه طرف ها به پایان می رسد.

هدف از گفت و گوها ایجاد اعتماد در طی فرایند ، از طریق فراهم کردن فضایی برای یادگیری درباره یکدیگر ، ایجاد فهم در مورد زمینه ها ، علایق ، نارضایتی ها و نگرانی های دیگران است. گفتگوها می توانند براساس قانون Chatham House بنا شوند (به عنوان مثال عقاید می توانند به صورت عمومی به اشتراک گذاشته شوند ، اما اسامی مرتبط با آنها نباید افشا شود) اما باید تا حد امکان شفاف باشد. گفت و گوها باید به اندازه کافی برای جامعه و مردم فراگیر باشند - و به کسانی که بیشترین درگیری را متحمل شده اند ، اهمیت دهند. گفتگو نیازی به ایجاد توافق نیست ، اما اجماع حاصل از برجام باید در قالب اعلامیه ها یا بیانیه های مشترک عمومی شود. گفتگوی داخل دوحه افغانستان که تیم من این افتخار را دارد که از آن پشتیبانی کند - گفتگو بود - گفتگو میان نمایندگان نمایندگان دولت و احزاب سیاسی ، جنبش طالبان و جامعه مدنی.

اشخاص ثالثی مانند آلمان یا سازمان های غیر دولتی مانند بنیاد برغوف می توانند با ارائه پشتیبانی فنی و عملیاتی ، با ارائه ظرفیت سازی ، پشتیبانی از تحقیق و مدیریت دانش (از جمله دروس آموخته شده از مطالعات موردی ، "اشتباهات" دیگری در روند صلح نقش داشته باشند. ساخته شده و همچنین موفقیت های آنها). آنها همچنین می توانند در بین دیگران نقش میزبان ، تسهیل کننده ، واسطه گر یا ضامن را ایفا کنند. با این حال ، هر یک از این درگیری ها باید توسط ذینفعان درگیری ملی توافق و کنترل شود تا بتواند مالکیت این روند را حفظ کند.

در چارچوب این مالکیت، اشخاص ثالث با کمک به آنها برای هموار کردن راه توسعه توافق های قابل قبول و پایدار و حمایت از اجرای آنها می توانند از بازیگران برای مدیریت یا حل و فصل یک درگیری حمایت کنند. به خصوص در محیطی که درگیری مسلحانه اخیر یا در جریان است ، شخص ثالث می تواند پلی را برای تعامل بین طرفین درگیری ایجاد کند ، که هنوز نمی توانند به یکدیگر اعتماد کنند اما ممکن است مایل باشند اعتماد به بازیگر خارجی را جلب کنند و برخی از آنها ابتدا با یکدیگر توافق کنند. پله ها با این حال ، اشخاص ثالث نمی توانند مصالحه و شفایی را ارائه دهند که فقط جامعه آسیب دیده قادر به تولید آن است. آنها می توانند کمک کنند اگر جامعه خود را ضعیف یا آمادگی برای مواجهه با چالش های مثال عدالت (انتقالی) با ارائه ابزارهای پشتیبانی ، مهارت ها یا - در صورت لزوم - منابع و پرسنل قلمداد کند. با این حال ، تلاش های سازش بسیار حساس است. درک تلاش های آشتی و سازش و ایجاد صلح می تواند منجر به شکسته شدن انسجام اجتماعی شود و تاب آوری جامعه صلح پایدار را برای مدت طولانی به تأخیر می اندازد. اشخاص ثالث باید فروتن ، صبور باشند و تنها در صورت درخواست عمل کنند.

درگیری طولانی مدت و صلح پایدار مستلزم ایجاد مکانیزم های ملی مبادله ای دائم و کارآمد ، فضای کافی برای بیان نظرات متفاوت و اختلاف نظر سازنده است. سرانجام ، یک جامعه فراگیر باید قادر به تحمل کثرت "حقایق" باشد که به طور مسالمت آمیز زندگی می کنند.

پرسش و پاسخ:

سوال: از اینجایی که مجاهدین می گفتند که دولت نجیب دولت دست نشانده است با نجیب مذاکره نکردند. چرا طالبان علی رغم اینکه تاکید می کنند که امریکا دشمن شان است بسیار تاکید دارند فقط با امریکا مذاکره کنند. ولی در عین زمان نمی خواهند با دولت افغانستان مذاکره کنند.

پاسخ: این مسئله را می خواستم بگویم که طالبان آسیب پذیر شده اند و مذاکره را با امریکا پیش می برند. مسئله بعدی این است که مذاکرات شان در سایه امریکا و برخی کشورهای دیگر شکل گرفته است. مذاکرات با امریکا بدون شک در هماهنگی با پاکستان پیش می برند. نداشتن یک برنامه ملی حکومت داری یک اصل طالبان است. عملکرد اینها از طریق خشونت و انتحار هست. این نشان می دهد آنها برنامه ای برای حکومت داری ندارند.

تا جایی که من می دانم طالبان خودشان را به عنوان یک دولت مشروع تلقی می کنند به همین دلیل آنها می خواهند در مورد آینده افغانستان برای خروج نیروهای افغانستان مذاکره کنند. آنها می خواهند که بازگردند به افغانستان و زندگی کنند. یک مورد دیگر این است که آنها به انتخابات باور ندارند چرا که اساس این نظام از نظر آنها مشروعیت ندارد. به همین دلیل، طالبان این عقیده دارد که اگر با ایالات متحده به توافق برسد، ممکن است آنها اولین گامهای تشکیل حکومت آینده را بردارند و پایه های حکومت خود را در افغانستان مستحکم کنند.

جلسه ششم: اجرا و تضمین موافقت نامه صلح



گرداننده

- جاوید لودین، سفیر و معین اسبق وزارت خارجه افغانستان

سخنرانان:

- سید رسول موسوی، دستیار وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

- دکتر بختیار مصطفایف، رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک و منطقه‌ای تحت نظر رئیس جمهور ازبکستان
- رابین ریفل، دپلمات/ دستیار پیشین وزیر امور خارجه آمریکا

گرداننده:

با وجود اینکه موضوع کنفرانس از نامش هویدا است، یک بحث امنیتی است، عمده ترین صحبتی که شده، صلح است، که یک مسئله امنیتی است. مسئله و چالشی که افغانستان فعلاً با آن مواجه است که صلح و پروسه‌ی صلح می‌باشد. در هر حال بحث‌هایی در پنل‌های قبلی شد، ولی در این پنل می‌خواهیم بحث صلح پایدار و ضمانت شده را پیش ببریم. اگر ما می‌خواهیم یک صلح پایدار به وجود می‌آوریم، چه گونه ما می‌توانیم صلح پایدار را تضمین کنیم. اجماع ملی منطقه‌ای و بین‌المللی چگونه برای شکل‌گیری یک صلح پایدار چگونه ایجاد می‌شود و چگونه باید دوام کند. خود مسئله تضمین صلح پایدار شاید یک مسئله پیچیده باشد. اتحادیه‌ی اروپا اعلام کرد که به عنوان ضمانت‌کننده توافقنامه صلح میان طالبان و افغان‌ها و طالبان و آمریکایی‌ها وارد می‌شوند. یک بعد تضمین این توافقنامه است و یک بعد بزرگتر تداوم و پایداری صلح می‌باشد که چگونه صلح پایدار و دوام‌دار شکل خواهد گرفت. سوالاتی وجود دارد که بعد از توافق صلح، افغانستان به صلح برسد. چه تضمینی وجود دارد که بین طالبان و افغانستان آتش بس می‌شود و یا اینکه چه تضمین دیگری وجود دارد که بعد از طالبان، گروه‌های دیگری برای شورش‌گری ظهور نکنند.

سفیر رابیل ریفل:

من می‌خواهم به همه کسانی بپیوندم که از دکتر مرادیان بخاطر اینکه این فعالیت‌های ایشان تشکر می‌کردند، تشکر می‌کنم. من همچنین از دکتر مرادیان برای یک کنسرت عالی شب گذشته [نمایش هنر، فرهنگی و موسیقی هرات] تشکر می‌کنم. باید بگویم که اولین سؤال من از طالبان همیشه، در دولت و جامعه‌ای که شما پیش بینی می‌کنید، این است که آیا چنین کنسرت‌هایی مجاز خواهد بود، چون واقعاً فوق‌العاده بود.

می‌خواهم تأکید کنم که من برای دولت ایالات متحده صحبت نمی‌کنم. من سال‌ها در دولت ایالات متحده کار کردم، اما دیگر کاری نمی‌کنم. اما از آنجا که هیچ کس دیگری از منظر ایالات متحده صحبت نمی‌کند، من سعی می‌تلاش ایالات متحده در این روند صلح را روشن‌تر کنم. تأکید می‌کنم که من در مذاکرات محرمانه نبوده‌ام. من پیش‌نویس متن را که همه درباره آن صحبت می‌کنند ندیده‌ام. اما من هنوز خودم را ناظر نسبتاً آگاه می‌دانم. من همچنین تأکید می‌کنم ایالات متحده می‌خواهد همچنان شریک خود برای حمایت از افغانستان برای تبدیل شدن به یک جامعه مرفه و دموکراتیک با ثبات است، تا این تعهد تحقق یابد. ما می‌خواهیم افغانستان از نظر اقتصادی و سیاسی به همسایگان خود متصل شود. و بیش از همه ما می‌خواهیم که مردم افغانستان فرصتی برای تحقق پتانسیل‌های خود داشته باشند که در ۴۰ سال گذشته انکار شده است. بنابراین این یک پس‌زمینه واقعاً مهم آنچه می‌خواهم بگویم هست. بنابراین با نگاهی به اینکه ایالات متحده چگونه این موضوع را مشاهده می‌کند، بعد از ۱۸ سال، ما رویکردهای مختلفی را امتحان کردیم شاید ایالات متحده بخشی از مشکل باشد نه بخشی از راه حل. بنابراین می‌فهمیم که بن بست از نظر نظامی بن بست وجود دارد و تنها گزینه مذاکره برای حل و فصل سیاسی است. ما همچنین نتیجه‌گرفتیم که حداقل، رهبری طالبان با این دیدگاه مشترک است که بن بست نظامی وجود دارد و باید راه حل سیاسی مذاکره‌ای وجود داشته باشد. شخصی دیروز پرسید که نقش ایالات متحده آمریکا چیست؟ استراتژی آسیای جنوبی، من می‌گویم که پس از یک سال پیشرفت بسیار محدود در رابطه با استراتژی جنوب آسیا، رئیس جمهور ترامپ سرانجام نتیجه گرفت که ما واقعاً نیاز داریم تا مذاکرات مستقیم با طالبان را شروع کنیم و به همین دلیل او زالمی خلیل‌زاد بسیار

با تجربه را برای شروع این کارها منصوب کرد. مذاکرات مستقیم ما قبلاً با طالبان صحبت کردیم ، اما تفاوت در این است که واقعیت این مذاکرات علنی بود. البته این ماده محرمانه بود.

خلیلزاد چهار عنصر را برای روند صلح تشخیص داد. ، یک جدول زمانی برای خروج نیروها ، اطمینان از ضد تروریسم ، مذاکرات درون افغانی و آتش بس دائمی جهانی. در آغاز ، به وضوح ترجیح او این بود که این چهار عنصر می توانند به طور همزمان حرکت کنند. شاید او را به یاد بیاورید که تا زمانی که همه چیز توافق نباشد ، هیچ چیز توافق نمی شود. مسلماً ترجیح این بود که از ابتدا مستقیماً دولت افغانستان را درگیر کند ، اما متقاعد کردن طالبان برای ادامه این روش خاص بسیار دشوار بود. بنابراین آنچه ایالات متحده انجام داد این بود که این روند را به دو بخش تقسیم کنیم. بخش اول مذاکرات ایالات متحده و طالبان و بخش دوم مذاکرات درون افغانستان است که در آن افغانها تصمیم می گیرند در مورد موضوعات واقعاً بزرگ و موضوعات مهم توزیع سیاسی و تقسیم قدرت و بقیه آن تصمیم بگیرند.

درک این مسئله که مذاکرات ایالات متحده و طالبان در مورد چه بوده است واقعاً مهم است. مذاکرات ایالات متحده و طالبان برای مردم افغانستان نبود. این در مورد تعیین جدول زمانی برای خروج نیروها در ازای تضمین تعهد ضد تروریسم و تمایل طالبان برای نشستن در مذاکره با دیگر افغانها بود. بنابراین وقتی مردم می گویند ، "شما مذاکره کردید، شما آمریکایی ها همه چیز را به طالبان واگذار کردید و در عوض چیزی به دست نیاوردید". بنابراین تمام ایده برای توافق آمریکا و طالبان برای هموار کردن راه و امکان آغاز مذاکرات درون افغانستان بود. و همانطور که گفتم ، در مذاکرات درون افغانستان این است که موضوعات اصلی تصمیم گرفته شود و ایالات متحده مصمم شد که درگیر گفتگوی درون افغانستان نباشد. تمام عقیده این بود که این گفتگو به رهبری افغانستان و متعلق به افغانستان باشد. ایالات متحده آمریکا سالها مورد انتقاد قرار گرفته بود که سعی دارد در افغانستان بیش از حد درگیر شود ، به افغانستان بگوید که چه باید بکند و آینده افغانستان را تصمیمی بگیرد. بنابراین تمام ایده این بود که این روند را به افغانها اعطا کنیم. در حالی که ایالات متحده قرار نبود مستقیماً درگیر این گفت و گو بین الافغانی شود ، باید گفت که ایالات متحده هنوز اهرم هایی دارد. ایده این بود که ، همانطور که شما در مطبوعات خوانده اید و فکر می کنم این صحیح است ، یک عقب نشینی اولیه از نیروهای نظامی وجود خواهد داشت که نشان دهنده اشتها و تمایل آمریکا برای خروج نیروها است ، اما ۸۶۰۰ سرباز باقی مانده در ارتش وجود دارند. کشور به گونه ای که اگر پیشرفتی در مورد آتش بس و گفت و گو درون افغانستان انجام نشده باشد . این نیروها بلافاصله عقب نشینی نخواهند کرد ، نیروهای باقیمانده مقدار مشخصی از اهرم طالبان را فراهم می کنند و تعهدات خود را برای گفتگوهای داخل افغانستان به دست می آورند. ایالات متحده می پذیرد که مذاکرات صلح واقعی شامل مسائل پیچیده ای است که باید زمان زیادی را بطلبد ، بنابراین ما می دانیم که نیاز به صبور بودن از طرف ما وجود دارد. اما با گفتن این موضوع ، من فکر می کنم ، مردم افغانستان هنوز هم باید در اسرع وقت در این گفتگو درون افغانستان حرکت کنند ، زیرا ما یک دولت در ایالات متحده نیستیم که علیرغم شناخت گسترده ای که توسط متخصصان انجام می شود ، صبور نباشند که این موضوع مدتی طول خواهد کشید. ایالات متحده همچنین می داند که فقط وضعیت داخلی افغانستان نیست که باید مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بعد منطقه ای و حمایت بین المللی وجود دارد که برای موفقیت هر توافق ضروری است. و به همین دلیل است که امب. خلیلزاد در یک سفر حاشیه ای نه تنها به دوحه بلکه به بروکسل ، اسلام آباد ، دهلی نو ، آسیای میانه ، مسکو و پکن ، نه به طور متأسفانه در تهران بلکه در هر جای دیگر. این بدان دلیل است که به رسمیت شناخته شده است که شما باید از جامعه بین المللی وسیع حمایت کنید.

سؤالی پرسیده شده است، شما چگونه اطمینان می دهید که هر توافقی که بین ایالات متحده و طالبان یا میان افغانها حاصل شود، قابل اجرا و پایدار است؟ خروج نیروها را می توان به سادگی مشاهده و تأیید کرد. از نظر تضمین CT ، ایالات متحده معتقد است که متحدانش می توانند معتبر بودن یا عدم اطمینان از تضمین CT را تأیید کنند. اما به نظر من، برای توافقنامه صلح درون افغانستان ، بهترین تضمین پایداری و اجرای این است که این توافق نامه توافق خوبی است. و توافق خوب ، باید پاسخگوی همه

نارضایتی های همه گروه های افغانستان باشد که ما امروز صبح در جریان این بحث ها درباره آنها شنیده ایم این توافق باید باید فراگیر باشد. طالبان در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در لیست مذاکره گنجانده نشده بودند ، بنابراین نتیجه ای قابل قبولی حاصل نشد. بنابراین همه باید شامل شوند. شما باید در این توافق نامه به ترس زنان و اقلیت ها پاسخ دهید که حقوق آنها به عقب برگردد. شما باید توزیع منصفانه ای از قدرت داشته باشید. نیاز به عدم تمرکز وجود دارد که تمام قدرت نباید در کابل باشد. بنابراین این مسائل باید حل شود. شما به توزیع عادلانه ثروت و فرصتهای اقتصادی نیاز دارید. شما باید به این احساس بپردازید که قانون وجود نداشته است.

شما باید از طرفین به قربانیان خشونت این جنگ بپردازید. شما به توافق نامه ای نیاز دارید که سازش واقعی داشته باشد و برای همه عادلانه به نظر برسد. این بهترین ضمانت پایداری است. همچنین همانطور که دیروز آقا جان گفت ، این توافق مهم است که توافقنامه ، هر چه در داخل باشد ، باید نسبت به نگرانی های همسایگان توجه داشته باشد. شما می خواهید که همسایگان بی طرف باشند و دیگر جنگ پراکسی را شروع نکنند. شما باید نگرانی های آنها را در نظر بگیرید. و در آخر اینکه ، برای کمک به پایدار بودن توافق ، باید هنجارهای بین المللی را که برای جامعه بین المللی مهم است ، در نظر بگیرید. از آنجا که افغانستان به حمایت سیاسی و اقتصادی جامعه بین المللی نیاز دارد ، در صورت ادامه سفر به سوی پیشرفت و ادغام بیشتر ، به جلو می رود. همانطور که از Amb شنیدید بسیار واضح است. کوبیا دیروز ، اگر در یک توافق سیاسی جدید احکام بین المللی رعایت نشود ، و اگر هیچ تلاشی برای تحکیم دستاوردهای ۱۸-۲۰ سال گذشته صورت نگرفته باشد ، جامعه جهانی علاقه ای به ادامه پشتیبانی نخواهد داشت. بنابراین این مهمترین بخش پایداری خواهد بود البته ساز و کار خاصی وجود دارد ، شما می توانید در افغانستان با همه طرف ها کمیسیون مشترکی داشته باشید تا در تعیین اینکه آیا نقض آتش بس وجود دارد ، کمک کنید ، شما یک کنفرانس بین المللی دارید که همه در مورد بی طرفی در افغانستان توافق دارند. مکانیسم های مختلفی وجود دارد که برای تضمین بیشتر در دسترس است.

نکته پایانی، ما باید این قدم را برداریم، احساس می شود که در ایالات متحده آمریکا برای شروع این مذاکره بسیار قوی است. من فقط تأکید می کنم که ایالات متحده معتقد است که این بهترین راه برای رسیدن به گفتگوی در افغانستان است. تأثیر تغییر در نهایت، پس از ۴۰ سال ، رسیدن به صلح و پایان دادن به رنجهای مردم افغانستان ، بسیار ضروری است. و فکر می کنم همه ما را مجبور می کند تا از این تلاش بهترین نتیجه را بگیرد.

دکتر سید رسول موسوی:

من تسلیم می گویم به خاطر حادثه تروریستی وحشتناک دیروز است که بسیاری از مردم در مسجد توسط تروریست ها شهید شدند. از آقای مرادیان متشکرم که مجدا فرصت را فراهم کردند که در چنین جمعی حضور داشته باشم. این جلسه شان اتاق فکری دارد درست است که من یک ادم اجرایی در وزارت خارجه هستم، مطالبی که من مطرح می کنم لزوماً به عنوان موضع وزارت خارجه نیست بلکه موضع تحقیقاتی و پژوهشی خودم می باشم .

در ادامه جلسه ی پیش، صلح، صلح پایدار و صلح همراه به عدالت تعریف شد. به طور مثال امکان ندارد صلح میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها اتفاق بیفتد، چرا که عدالتی وجود ندارد. با این مطلب، به این مسئله می پردازم که همکار من از ایالات متحده پرداختند و در ادامه ی صحبت ایشان شروع می کنم. ایشان یک مسئله ای را مطرح کردند که امریکا و طالبان به جای مردم افغانستان مذاکره نمی کنند، بلکه مذاکره می کنند تا شرایط را آماده کنند برای مذاکرات بین الافغانی. اصل مذاکره هم به مالکیت افغان ها واگذار خواهد شد. از اینجا اگر شروع کنم نکته ی قابل توجهی است. اتفاقی که افتاده، نتیجه اش به مذاکرات بین

افغانی نخواهد رسید. دستور کار آقای خلیل زاد یک دستورکار جدایی است. آیا واقعا مذاکره آقای خلیل زاد از طرف امریکا حمایت می شود یا نه، آیا می شود مطالبی که آقای خلیل زاد مطرح می کنند گفته می شود که مذاکرات خلیل زاد-طالبان است یا مذاکرات امریکا - طالبان است؟ اجازه دهید من اشاره کنم که این مذاکرات مذاکرات خلیل زاد-طالبان است. هدف این مذاکرات احتمالاً به مذاکرات بین الافغانی ختم می شود. نتیجه‌ای این مسئله صلح پایدار خواهد بود. فکر کنم یک سوال مطرح شود. یک بار نامه ی آقای بارت روپین به طالبان را بخوانید. اینکه در سال ۲۰۰۴ طالبان آماده بودند که بروند به زندگی ملکی ولی امریکا قبول نکرد و مذاکرات افغانی کنار گذاشته بودند، انقدر فشار امریکا به طالبان زیاد شد، به جای اینکه آنها به سمت زندگی ملکی بروند، به سمت سلاح و جنگ رفتند. امریکا یک بار اشتباه کرد، طالبان را از یک موضع سازش به سمت یک موضع سخت برد. الان دومین اشتباه در حال اتفاق است. از یک موضعی که می شد به یک راه دیگری برود، به یک راه های دیگری رهنمود شد. دو سال پیش در بامیان گفتم که طالبان بخشی از جامعه افغانستان است و این بخش جداناپذیر جامعه افغانستان باید در سیاست و اجتماع باشند. در بامیان به من انتقاد بسیاری شد. اما در این جلسه ادامه ان صحبت را ادامه می دهم. کاری که آقای خلیل زاد انجام داده، چیزی نیست که به صلح ختم شود. این کار آقای خلیل زاد جای تامل است. خیلی ها پرسیدند چرا ایران در اجلاس پکن اشتراک نکرد، چرا که ایران شک داشت که این روند صلح است یا این روندی است که مشخص نیست به کجا ختم می شود؟ از نظر من این فرایند پنج تا نتیجه دارد، این پنج تا نتیجه شکل دیگری به آینده خواهد داد. اولین نتیجه این فرایند این است که مذاکرات خلیل زاد-طالبان یک جای گزینی روند دوحه را به جای روند بن دارد پیش می برد. حکومت فعلی حاصل روند بن است که قانون اساسی تولید کرد. روند بن پارلمان، جمهوری ایجاد کرد. اینکه اینجا نشستند، حقوق زنان، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و یک سیستمی بود که ناشی از روند بن بود. اما روند دوحه هیچ چیزی مشخص نیست. اطلاعات منتشر نشده، پس چگونه می شود که روند بنی که وجود داشته را کنار بگذاریم، یک روند دوحه ای که چیزی در موردش نمی دانیم بگوییم، روند صلح است. روند صلح باید ادامه روند بن باشد نه روند دوحه .

دومین مطلب، به نظر من یک تغییر اتفاق می افتد. روند سنتی در حال جایگزینی روند مدرن می شود. این به این معنا است که پارلمان، فراندوم، دولت، حقوق بشر، حقوق زنان بعد از مذاکرات دوحه چه چیزی مطرح می شود؟ لویه جرگه، دولت موقت و شورای حل و عقد در حال مطرح شدن است. هر چیزی که از روندهای مدرن جدا میشود و به سمت روند های سنتی پیش می رود. روند دوحه نهادهای سنتی را به جای روند های مدرن تقویت می کند.

سومین مسئله، مشروعیت است. در مسکو با آقای کابالوف صحبت می کردیم و گفتیم که چه می کنید؟ گفتند که امریکا، روسیه و چین به پیش می رویم، ما بعدا ایران و پاکستان را دعوت می کنیم که کارهای دیگری را بکنند. من گفتم که ما چه کاره ایم؟ گفتند، اگر ایران، روسیه، چین، پاکستان و امریکا تصمیمی بگیرند، اجرایی خواهد شد. گفتم مشروعیت مربوط به دولت و ملت افغانستان مطرح است. مشروعیت ملی فقط می تواند افغانستان را به صلح برساند نه مشروعیت بین المللی. اگر خودمان را مشروعیت بین المللی بدانیم، آنچه که افغانستان را افغانستان می کند، مشروعیت ملی است نه مشروعیت بین المللی

چهارمین نکته: جایگزینی مفهوم امارت به جای جمهوری. بعد از مذاکرات خلیل زاد-طالبان این مسئله عمومیت پیدا کرد و بحث امارت یک بحث به لحاظ نظری می تواند خوب باشد، اما امارت نمی تواند در افغانستان صلح را پایدار کند. این بحث نظری است. می توانیم در موردش صحبت کنیم. این اتفاق بعد از دوحه افتاد وقتی که امریکا در بیانیه ده ماده ای که با طالبان به توافق رسید و نوشت که این توافقنامه بین امریکا و امارت اسلامی است در داخل پراتنز نوشت هر چند ما قبول نداریم امارت را، این یعنی چی؟ یعنی امارت وارد ادبیات سیاسی افغانستان شد. افغانستان همسایه ایران است، الان دوستانی مطرح کردند، که ایران با طالبان رابطه دارند و کمک می کند. من می خواهم بگویم که طالب هم همسایه ماست باید با همسایه خودمان زندگی کنیم. اما امنیت افغانستان و صلح افغانستان، صلح و امنیت در ایران است. اگر امارات مجدداً احیا شود، صلح نخواهد آمد. دور جدیدی

از جنگ‌ها اتفاق می‌افتد و این نگران‌کننده است. قانون اساسی افغانستان یک قانون مدرن است و جا افتاده. این قانون اساسی را باید حفظ کرد اگر این قانون اساسی از بین برود، جایگزینی ندارد.

نکته‌ی آخر: از نظر من، خطر جایگزینی داعش، به جای طالبان، به عنوان نسل جدیدی از جنگ‌اوران در حال ظهور است و این خطرناک است. من کسی را متهم و محکوم نمی‌کنم، اما اشاره می‌کنم، داعش یک پروژه است که در سوریه شکست خورد، این پروژه به سمت آسیای میانه می‌آید، اگر این پروژه اعمالی شود، باید طالبان برود و داعش بیاید. این بسیار خطرناک است. اگر امریکا بر اساس سندی که نوشته، در ۲۰۱۹ اشتباه دیگری کند، با طالبانی که ظرفیت دیگری خلق کرد که طالبان این ظرفیت را نداشتند.

دکتر بختیار مصطفایف:

من می‌خواهم چشم‌انداز استراتژیک خود را به عنوان چشم‌انداز توسعه و اوضاع در افغانستان ارائه دهم. که بخشی از منطقه ما محسوب می‌شود. دوستان عزیز، به عنوان چشم‌انداز توسعه مدنی در آسیای میانه، دستیابی به صلح در افغانستان به معنای موفقیت همسایگان افغانستان است. صحبت کردن در مورد آسیای میانه صلح‌آمیز و مرفه بدون حل مسئله افغانستان غیرممکن است. ما خوشحالیم که تلاش‌های بین‌المللی برای حل و فصل مناقشه در افغانستان شدت گرفته است. علاوه بر این، روند مثبتی در موضوع حل و فصل افغانستان در حال ظهور است که امیدواری برای شروع مذاکرات بین افغانستان دارد. پایداری صلح در افغانستان اتفاق می‌افتد به این امر بستگی دارد: اول از همه، شامل همه نیروی سیاسی از جمله اعضای قومی اقلیت‌ها، هیچ‌کس نباید از روند سیاسی صلح‌آمیز بماند.

من متقاعد شدم که برای کل جامعه‌های افغانستان مهم است که در مورد منافع ملی صلح و سعادت در کشور مشورت کنند. به منظور پیشرفت بیشتر روند صلح و اطمینان از شمول آن، ازبکستان مذاکرات مهمی را با رهبری افغانستان و پیشرو نیروی سیاسی افغانستان از جمله طالبان انجام داد. علاوه بر این، همانطور که رئیس‌جمهور ازبکستان اظهار داشت، ما آماده هستیم تا در مرحله تحولات مطلوب، همه شرایط لازم را برای برگزاری گفتگوهای مستقیم بین دولت افغانستان و طالبان در ازبکستان ایجاد کنیم. ما می‌خواهیم تأکید کنیم که تاشکند بر همه این شرایط به عنوان جهت رسمی کابل تأکید می‌کند.

ما همچنان پایبند اصول اساسی روند سیاسی هستیم تا صلح پایدار در افغانستان برقرار شود و فقط توسط خود افغانها و تحت رهبری افغانها انجام شود. ازبکستان کاملاً صادقانه سیاست افغانستان را انجام می‌دهد، اولویت ما دستیابی به آشتی ملی در افغانستان است. ما اهداف نداریم که همیشه موضع خنثی داشته ایم و در امور داخلی افغانستان دخالتی نکرده ایم. ما همیشه سعی می‌کنیم طرفین را آشتی دهیم. ما همچنین در آینده اقتصادی و ثبات اجتماعی افغانستان در نسل جوان افغانستان سرمایه‌گذاری می‌کنیم. در این راستا، ما در اجرای مشترک پروژه‌های بزرگ در افغانستان شروع کرده ایم، زمینه‌ای برای حمل و نقل، انرژی و تجارت است.

در نظر گرفتن توسعه اقتصادی به عنوان مؤثرترین عامل در حل و فصل. ازبکستان همواره پروژه‌های زیادی را برای زیرساخت‌ها و اجتماعی افغانستان آغاز کرده است. من می‌خواهم برخی از آنها را برجسته کنم. اولین ساخت راه آهن مزار شریف - هرات؛ براساس تاریخ اولیه راه اندازی راه آهن، افغانستان ۵۰ درصد افزایش یافته است. و پروژه عملیات ترانزیت بار ۳،۵ میلیون تن و برای آینده ۵۰ میلیون تن در سال است. راه‌اندازی راه‌آهن حدود ۳۰۰۰۰ شغل ایجاد کرده است.

زیرا درآمد سالانه ترانزیت ۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود. تمام کشورهای همسایه افغانستان دارایی‌های اقتصادی این پروژه را دریافت می‌کنند. از طریق راهرو مزار شریف - هرات دسترسی به بندر چابهار و بندر عباس به جنوب آسیا امکان دسترسی کوتاه

به بازارهای کشورهای مستقل ثروت آسیای میانه و ازبکستان را می دهد. راه اندازی این جاده همچنین به استفاده فعال از پتانسیل ها و قابلیت های زیرساخت های بندری ایران می انجامد. به کشورهای آسیای میانه پویایی جدیدی در روابط خود می بخشد. از منظر چشم انداز استفاده از زیرساخت های ترانزیتی کریدور ازبک-افغانستان امکان دسترسی کشورهای اقیانوس مرکزی به اقیانوس هند را فراهم می کند. دوم توسعه در همکاری در زمینه انرژی است. ازبکستان در مقایسه با سال ۲۰۰۲ که ۳۰ بار افزایش یافته ، تأمین کننده برق برای افغانستان است. اکنون ما در حال کار روی یک خط انتقال دیگر از طریق بلخ ، سامانگان و پل خمیری به کابل هستیم که ظرفیت برق افغان ها را افزایش می دهد. CASA ۱۰۰۰ به تاجیکستان و قرقیزستان اجازه می دهد تا برق را به پاکستان و هند انتقال دهند.

از سال ۲۰۰۸ ما یک مرکز آموزش در شهر تریزیز افتتاح کرده ایم و برای جوانان ۲ و ۴ و ۶ ساله برنامه های تمام وقت در ۱۷ منطقه آموزش عالی و ۱۶ ویژه متوسطه ثبت نام کرده ایم. امروز حدود ۱۰۰ دانشجو به عنوان مهندسی راه آهن و زبان ازبک ثبت نام کردند. در پایان می خواهیم تأکید کنم که ازبکستان کمک های عملی را در ایجاد زیرساخت های افغانستان ادامه خواهد داد. در نظر گرفتن این شرط برای ارتقاء صلح در این کشور. این به حل افغانستان و منطقه و مسائل امنیتی جهانی کمک خواهد کرد. صلح در افغانستان باعث ایجاد صلح و رونق در منطقه می شود و این امر در اقتصاد منطقه تأثیر دارد.

پرسش و پاسخ:

پرسش: شما با وجود اینکه گفتید از حکومت ایران نمایندگی نمی کنید، روی این مسئله هم صحبت نکردید که این پروسه ای که جریان داشت و به تعلیق درآورده شد، حکومت ایران نتیجه این پروسه را اگر توافق برسد و باعث این بشود که عساکر امریکایی از افغانستان خارج شود، آیا ایران این پروسه را حمایت خواهد کرد؟ یا ایران در دوحه به عنوان ناظر یا تضمین کننده اشتراک خواهد کرد؟

پاسخ: ما از خروج نیروهای خارجی در افغانستان صد در صد حمایت می کنیم. راه حل صلح در افغانستان هم خروج نیروهای خارجی است. اما خروج نیروهای خارجی، باید ماحصل توافق ملی همه نیروهای افغانستان باشد نه نتیجه توافق یک گروه با نیروهای خارجی اگر نیروهای خارجی ناشی از توافق یک گروه بروند خارج، هیچ فرقی نمی کند که یک گروه دیگری، توافق ورود نیروهای خارجی را به افغانستان امضا کند. در هر شکل اشتباه است. تمامی نیروهای ملی افغانستان که دلشان برای افغانستان می تپد باید توافق بکنند در مورد خروج نیروهای خارجی از افغانستان. آنچه که در ۲۰۰۱ اتفاق افتاد، مصوبه شورای امنیت بود. او زمان مسئله فرق می کرد. آنچه الان اتفاق می افتد، متفاوت است. ما می گوییم که خروج نیروهای امریکایی از افغانستان خوب است ولی اینطور نشود که تجربه خروج نیروهای شوروی تکرار شود. خروج باید خروج مسئولانه باشد. حتما این نیروهای خارجی باید مسئولانه خارج بشود. ایران در هر مذاکره که صلح، آنچه که به نفع مردم افغانستان باشد، شرکت می کند، اگر دولت منتخب افغانستان، هر جایی شرکت کرد و پای سندی را امضا کرد، ایران هم همانجا خواهد بود .

پرسش: از بانو رافائل می خواهم یک روایت دسته اول خودشان که در سال ۱۹۹۶ به بگرام تشریف آوردند، و با فرمانده مسعود ملاقاتی داشتند. خواهش می کنم که این روایت دسته اول را بیان کنید:

پاسخ: در آن زمان من و هیئتی از امریکا به همه ولسوالی های افغانستان سفر کردیم و با رهبران جهادی مانند مسعود، حکمتیار و دوستم دیدار کردیم تا بگوییم که راه حل درگیری افغانستان جنگ نیست و مردم افغانستان برای ثبات و صلح باید با یکدیگر مذاکره کنند.

پرسش: یکی از دلایلی که داعش در افغانستان رشد کرد، لشکر فاطمیون بود. شما در این رابطه چه نظری دارید؟

پاسخ: ما اصلاً پنهان نمی‌کنیم که با طالبان ارتباط داریم. ما معتقدیم که طالبان بخشی از جامعه افغانستان و واقعیت افغانستان. اولین نهادی که با طالبان صلح را مطرح کرد، دولت افغانستان بود. ما حمایت می‌کنیم. حمایت کردن از صلح و ارتباط، ولی هیچ وقت ما طالبان را علیه دولت افغانستان کمک نمی‌کنیم، بلکه تشویق می‌کنیم کار با دولت افغانستان. تمام ارتباطات ما طالبان به اطلاعات دولت افغانستان داده می‌شود. امکان ندارد، یک گروهی از طالبان را ملاقات کنیم، بعداً به دولت افغانستان و شورای امنیت ملی افغانستان نداده باشیم. من در صلح تاجیکستان نقش داشتم من. تجربه قابل توجهی دارم. زمانی که مذاکره ای به نام مذاکرات مشهد داشتیم، در مشهد رئیس جمهور تاجیکستان و آقای نوری مذاکره کردند، ماهیت این مذاکره این بود. ما به صلح پایدار نیاز داریم، هر کسی مخالف صلح بود باید سرکوب شود، یعنی چه کسانی که علیه جبهه دولت بودند علیه شان اقدام شد. همه مخالفان صلح کنار زده شدند. اما در مورد مذاکره با طالبان، مذاکره با طالبان خوب است، اما کسانی که مخالف صلح با طالبان باشند چه؟ من گفتم داعش پروژه است. داعش مخالفین صلح طالبان هستند. حتماً در هر طرح صلح، تکلیف مخالفین صلح مشخص شود. در مورد فاطمیون، من فکر می‌کنم اطلاعات تان را زیاد کنید. انجیزی که در مورد حضور فاطمیون در سوریه بود، و کسانی بودند که از ایران رفتند و کسانی بودند که در سوریه ماندند، این بحث را باید نهادهای مسئول و نهادهایی که اطلاعات بیشتری را دارند، آنها صحبت کنند. اینها بحث های کنفرانسی نیست.

پرسش: سفیر رافیل! اگر من فقط ممکن است پیگیری کنم ، دو سوال خیلی سریع است. آیا این روند صلح که توسط رئیس جمهور ترامپ فسخ شده است ، خواهد بود؟ به ویژه اکنون که انتخابات در افغانستان برگزار شده است ، جایی که ما ایستاده ایم ، شاهد تحرکاتی بودیم. ، سفیر خلیل‌زاد به وضوح از این طغیان جان سالم به در برد و او دوباره در تئاتر است و با مردم دیدار می‌کند. نظر شما در مورد مراحل بعدی در روند مذاکرات صلح ایالات متحده و طالبان چیست؟ سوال دوم ، به عنوان یک ناظر ، فکر می‌کنید مشکلی که باعث شده بسیاری از افراد نسبت به روند صلح سوء ظن داشته باشند ، چیست؟ و من فقط در مورد افغان ها صحبت نمی‌کنم. صلح اولویتی است که اساساً نه فقط افغانها بلکه همه افراد در این هیئت با آن موافق هستند. ایالات متحده کاری را آغاز کرده است که سالها اتفاق نیفتاده است ، حتی همه ما به دنبال این کار بوده ایم و برای آن کار کرده ایم. ایالات متحده چیزی را آغاز کرد ، بنابراین به جای تشویق ، همه شروع به انتقاد از ایالات متحده کردند و هنوز هم این کار را انجام می‌دهند. بسیاری از مردم به جای تأیید آنچه اتفاق افتاده است بیشتر با سوالات و انتقادات روبرو می‌شوند. حتی اتحادیه اروپا ، به عنوان محیط زیست. کوبیا دیروز صحبت کرد ، گفت اگر قرار است دوباره شروع شود ، ما باید برخی از اولویت ها را دوباره سامان دهیم و آتش بس را به جبهه وارد کنیم. به نظر شما چه چیزی از نظر برقراری ارتباط با ایالات متحده آمریکا اشتباه شد؟ شاید این مربوط به ارتباطات یا عدم مشورت باشد ، اما ما به آن نیاز به یک نگاه تحلیلی داریم.

پاسخ: شماره یک ، بله ، من فکر می‌کنم این روند دوباره به پیش خواهد رفت. محیط خلیل‌زاد در پاکستان بحث های غیررسمی بوده است و شاید این مسئله در جایی دیگر ادامه یابد ، اما قطعاً تمایل به بازگشت مجدد آن وجود دارد. و برای سوال دوم ، چه شد؟ محیط خلیل‌زاد کار سختی داشت. بنابراین بسیاری از علایق و اولویت های رقیب و غیره. او یک رویکرد را اتخاذ کرد ، شخص دیگری رویکرد دیگری را در پیش گرفت ، زیرا این کار دشوار بود. زیرا آنها نمی‌دانستند دقیقاً در متن چیست. شایعات در اطراف گسترش یافته است. اما برای دیپلماسی ، برای پیشرفت ، نیاز به اختیار و محرمانه بودن دارید. بنابراین مردم به دلیل ندانستن ، عصبی بودند. دیپلماسی مستلزم آزار و اذیت و استدلال های گوناگون است که ممکن است شما یک چیز را به یک شخص بگویید و یک چیز به شخص دیگر ، اما همه در مورد رسیدن به یک خط پایین. و یک نکته دیگر که می‌خواهم بگویم ، پس از سالها جنگ ، اگر به فکر چشم انداز صلح باشید ، می‌تواند مرعوب کننده باشد ، خواسته های شما بالا برود ، به آنچه می‌خواهید.



گرداننده:

- سمیع الله مهدی، خبرنگار

سخنرانان:

- صالح محمد ریگستانی، عضو پیشین پارلمان افغانستان
- سفیر حسین علی بوستالی، سفیر و نماینده دائمی سازمان کشورهای اسلامی
- فرشته کریم، موسس نهاد چارمغز

سمیع الله مهدی:

با توجه به نکات بسیار خوبی که در مورد صلح، چالش‌ها و فرصت‌های فراروی صلح در دو روز کنفرانس بحث‌های بسیاری زیاد و مفیدی انجام شد، در این جلسه‌ی کاری درصدد هستیم که یک جمع‌بندی مختصر و همین‌طور نگاهی به آینده و مسئله صلح داشته باشیم. بدون شک که سناریوهای مختلفی در مورد آینده چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ مدنظر قرار دادن حقوق زنان و اطفال و چه از منظر سازمان‌های بین‌المللی مدنظر می‌باشد، به همین دلیل از سه سخنرانی که در این جلسه‌ی کاری حضور دارند خواهش می‌کنیم که سخنرانی‌های خود که معطوف به آینده است را در زمان تعیین شده بیان کنند.

صالح محمد ریگستانی:

من می‌خواهم به یکی از سوالاتی که نزد بسیاری از هموطنانم است جواب بدهم. این سوال این است که ملت افغانستان برای رسیدن به یک صلح پایدار باید چه قیمتی را بپردازد. پیش ازین باید دو تعریف داشته باشیم اول: تعریف ما از صلح چیست؟ صلح به حالتی گفته می‌شود که در کشور ما دیگر هیچ گروه مسلح وجود نداشته باشد به خاطر اهداف سیاسی خود دست به کشتار مردم بزند. این تعریف اول است. در مورد طالبان: بدون شناخت طالبان ما به صلح نمی‌رسیم. طالبان یک گروه قومی

ایدئولوژیک و تندرو هستند که از روستای دور افغانستان برخوردارند. این گروه یک گروه مردسالار می باشد. در مورد تندرو بودن طالبان سه ویژگی وجود دارد. دو قطبی بودن این گروه. دوم خواست خود را بر مردم تحمیل میکنند. سوم: خشن و بی رحم می باشند.

طی ۲۵ سال اخیر ۱۱۰۰۰۰ فرد ملکی و بیشتر از ۱۳۰۰۰۰ هزار نظامی کشته شده اند. این تعداد از تلفات همگی شهروندان افغانستان بودند و طالبان برای رسیدن به بهشت این افراد را کشته اند.

یک لیستی از خواسته های طالبان را بیان می کنم.

- ۱- به رسمیت شناختن دفتر قطر
- ۲- خروج رهبران طالبان از لیست سیاه
- ۳- خروج نیروهای خارجی از افغانستان
- ۴- رهایی زندانیان طالبان
- ۵- به تعویق انداختن انتخابات
- ۶- تشکیل یک حکومت موقت
- ۷- بازنگری و تعدیل در قانون اساسی

قانون اساسی مدنظر مورد طالبان چند بخش است:

- ۱- تغییر نظام از جمهوریت به امارت
- ۲- انتخاب امیر به اساس علمای جید
- ۳- دستاوردهای ۱۸ ساله باید به همراه پسوند شریعت
- ۴- جدایی مطلق زن و مرد در تمامی ادارات

جمع بندی: بر مبنای این خواسته های طالبان نتیجه گیری این چنین می باشد:

- ۱- توافق بر سر موضوعات مورد مناقشه
- ۲- تطبیق طالبان با شرایط فعلی اجتماعی بسیار سخت است
- ۳- ملت افغانستان برای رسیدن به یک صلح پایدار باید از بعضی از دستاوردهای ۱۸ ساله بگذرد.
- ۴- با در نظر داشت موضوعات مطرح رسیدن به یک صلح پایدار بسیار دشوار است اما ممکن می باشد.

سوال گرداننده: شما ۲۵ سال تجربه کشمکش با طالبان را داشته اید، در این مدت ثابت شده است که طالبان واقعیت عینی جامعه افغانستان است. چه راه حلی وجود دارد؟

جواب: یک فیلسوف آلمانی می گوید که جمع میان نقیضین محال است. من ایراد کردم که صلح با طالبان بسیار دشوار است اما ممکن است. من با طالبان چند بار غیررسمی دیدار کردم. من از آنها پرسیدم که شما با اسلحه چه می کنید؟ آنها گفتند که ما اشتباه مجاهدین را نمی کنیم که سلاح خودمان را تحویل دهیم. طالبان گفتند که جغرافیا و سلاح خودمان را به عنوان یک ضمانت برای اجرای هر نوع توافقنامه تا لحظه آخر حفظ می کنیم و این مسئله قابل مذاکره نیست. وقتی که طالب سلاح و جغرافیا در دستش است، چه کسی می تواند ضمانت بدهد که بعد از خروج نیروهای امریکایی، طالبان به سمت کابل حمله نکنند. بنابراین صلح با طالبان بسیار مشکل است اما مذاکرات صلح شرطی را تضمین کند که تنها نیروی مشروع نظامی باید نیروهای امنیتی افغانستان باشد. در غیر این صورت جنگ ادامه پیدا می کند.

سفیر حسین اوینی بوستالی:

این یک افتخار است که دوباره در اینجا در هرات باشم. و به نمایندگی از دبیرکل OIC، می‌خواهم ابتدا برای شما همدردی‌ها و تسلیت‌های عمیق خود را برای همه فداکاری‌ها و ضررهایی که مردم افغانستان در معرض آن قرار داده‌اند، برای شما تسلیت بگویم، از جمله آخرین واقعه خشونت بار تروریستی دیروز که در ننگرهار رخ داد با وارد کردن درد اضافی در زندگی افغان‌ها. زندگی انسان غیرقابل جبران است. اسلام بیانگر یک مفهوم و فلسفه صلح است. هر چیزی که تمایل به شناسایی اسلام با جنایت، مرگ و خشونت داشته باشد، منشأ وقوع درگیری تمدن‌ها و فرهنگ‌ها است. جهان ما باید تلاش کند تا بر نحوه مقابله با اسلام هراسی کار کند و به این مفهوم برخورد تمدن‌ها که ممکن است نتایج فاجعه بار فراتر از افغانستان و منطقه داشته باشد پایان دهد.

من می‌خواهم سه گزیده را بخوانم، نه از این سند، بلکه از یکی از بهترین کتابهایی است که توسط یک فرستاده بسیار اختصاصی سازمان ملل متحد کای ایده نوشته شده است. وی دو سال کامل را در افغانستان گذراند و دقیقاً ۱۰ سال پیش هنگام عزیمت از این کشور، وی در خاطرات خود به شرح زیر گفت:

- دو سال از ورود من به کابل گذشته بود. در آن زمان، مهمترین کار این بود که نظم را برای مشارکت بین المللی هرج و مرج در افغانستان بدست آوریم. من به این امید رسیده‌ام که بتوانم تغییراتی ایجاد کنم و به شکل دهی به یک استراتژی کمک کنم که در نهایت عملی شود. حالا خسته و تلخ بودم. خسته از دو سال چشمگیر از بدتر شدن اوضاع امنیتی، اختلافات سیاسی و رقابت‌های شخصی.
- فرستاده ویژه همچنین گفت که مهمترین دلیل تلخی من مخالفت روزافزون من با استراتژی بین المللی در افغانستان است و به طور فزاینده‌ای تحت سلطه استراتژی‌های نظامی، نیروها و تحلفات بوده است. ملزومات فوری غیرنظامی و سیاسی به عنوان ضمایم و وظایف نظامی رفتار می‌شد. سازمان ملل هرگز درگیر در مورد سؤالات انتقادی مرتبط با استراتژی نبوده است. از همه مهمتر، مقامات افغانستان بیشتر در ایجاد استراتژی با هدف حل و فصل مناقشه در کشور خود، تماشگر بودند.

مفهوم افغانی متعلق به افغانها به وجود می‌آید. خانمها و آقایان، ما امسال ۵۰مین سالگرد تأسیس سازمان همکاری اسلامی را گرامی می‌داریم. در ۱۱ سال گذشته OIC تلاش کرد تا خود را از یک کنفرانس به یک سازمان بین دولتی تبدیل کند. من باید به وضوح جایی را تعیین کنم که OIC در سطح بین المللی قرار دارد.

هنوز هم در پیشرفت‌هایی ماموریت شده است. OIC برای رفع مشکلات داخلی و همچنین موارد نهادی، فاصله زیادی برای پوشش دادن دارد. اما در این مقطع تاریخ افغانستان بسیار مهم و حیاتی است که سازمان کنفرانس اسلامی نقش سازنده ایفا می‌کند. OIC برای تسهیل و ترقی صلح در افغانستان یک وظیفه سازنده ثابت دارد. دستورالعمل دبیرکل همه ساله توسط شورای وزیران OIC تمدید می‌شود. بسیاری از مردم می‌گویند که این عمل بیشتر از آن است، اما OIC یک مزیت و دارایی استراتژیک دارد که هیچ نهاد بین المللی دیگری تاکنون نداشته و یا در حال حاضر در افغانستان ندارد. IIC حتی با نقص و مشکلات داخلی، تنها بستر بین المللی شناخته شده بین المللی است که می‌تواند به نام اسلام صحبت کند.

درگیری در افغانستان با مبارزات منطقه‌ای و بین المللی، رقابت‌های ابرقدرت، مشکلات همسایگی و سپس قبایل و سایر مسائل داخلی در ارتباط بوده است. اما از زمان ۴۰ سال گذشته، افغانها برای دفاع از میهن خود جهادی را علیه مهاجمین بیگانه انجام داده‌اند، OIC همیشه در سراسر افغانستان در کنار آنها ایستاده بود. اما هرچه بن بست فعلی در افغانستان ادامه یابد،

مفهوم جهاد به دلایل و اهدافی به نام اسلام مورد سوء استفاده و سوءاستفاده قرار گرفته است که هیچ ارتباطی با اصول اسلام ندارد. بنابراین، ما باید راهی برای پایان دادن به علت درگیری پیدا کنیم.

کسانی که می‌میرند و کسانی که در افغانستان می‌کشند متأسفانه مسلمان هستند. این به کشتار برادران تبدیل شده است، خونریزی افغان‌ها علیه افغان‌ها. اگر از این خطرات فلسفی، مفهومی و استراتژیک جلوگیری نشود، درگیری تا زمانی ادامه خواهد یافت که شما علت درگیری را حذف نکرده باشید. راه حل رفع علت درگیری باید از درون جهان اسلام حاصل شود. در آنجا، اگرچه ممکن است OIC به عنوان یک سکوی ضعیف در نظر بگیرید، اما شاید این ضعف نسبی به یک مزیت مقایسه‌ای تبدیل شود. زیرا OIC سکویی است که دارای صدای ۵۷ کشور مسلمان جهان است. این ۲۷٪ از عضویت در سازمان ملل متحد، بیش از چهارم آن است. OIC بیش از دو میلیارد نفر از مردم جهان، امت مسلمان را تشکیل می‌دهد. بنابراین افغانستان احساس انزوا، تنهایی و ضعف می‌کند.

افغانستان در واقع اگر بتواند جهان اسلام را لابی کند، تنها نیست. ما آنجا هستیم و آنجا بوده ایم. در سراسر جهاد افغانستان وقتی افغان‌ها از میهن خود دفاع می‌کردند، و اکنون وقتی افغان‌ها شروع به دستیابی به صلح و جهادی برای صلح می‌کنند، جهادی برای بازسازی کشورشان، جهاد بازسازی آموزش و پرورش و نسل‌های آینده خود، ما در آنجا خواهیم بود تا با همبستگی عمل کنیم با تو. OIC با کمک به افغانستان، در واقع قادر خواهد بود که خود را مانند یک راهبرد استراتژیک در امور جهانی جهان مجدداً تسویه کند و از بسیاری جهات فراتر از انسانیت و تمدن فراتر رود. بنابراین، من می‌خواهم به منظور جزییات بیشتر، سه رویداد مهم اخیر را برجسته کنم:

- اولین بار در تاریخ درگیری‌های افغانستان، در ژوئیه سال ۲۰۱۸، بیش از ۱۰۰ دانشمند بین‌المللی مسلمان جلسه‌ای را برگزار کردند که منحصراً با هدف تقویت صلح و ثبات و امنیت در افغانستان برگزار شده است. این جلسه در مکه برگزار شد. ممکن است چند نفر از شما بگویند که طالبان در آنجا نبودند. سطح جلسه می‌توانست بالاتر باشد، اما این یک آغاز بود. فتوا وجود نداشته است اما اعلامیه مهمی وجود داشته است.
- در آن زمان، هنگامی که اجلاس ناتو در بروکسل تعهد نظامی ناتو برای ادامه حمایت از ظرفیت دفاع از خود و امنیت افغانستان (قانون و نظم) را تجدید کرد، در همان روز، جهان اسلام تصویب قطعنامه‌ای را برای درخواست تجدید نظر از همه طرف‌های افغانستان در نام دین مقدس اسلام برای گذاشتن اسلحه خود، پایان دادن به دشمنی‌ها و آشتی بنابراین این یک نقطه شروع مهم است. این اعلامیه علمای بین‌المللی تأیید شد.
- امسال در ۴۶ امین جلسه شورای وزیران امور خارجه اسلامی که در ماه مارس در ابوظبی برگزار شد و متعاقباً در ۳۱ ماه چهاردهمین اجلاس اسلامی که در مکه برگزار شد نیز این موضوع را تأیید کرد و از همه افغانها بدون تبعیض درخواست کرد که به دشمنی و حرکت پایان دهند. به سمت صلح، و تجدید وظیفه دبیرکل برای کمک به افغانها در تلاش برای صلح، و همچنین تشویق یک تأسیس سنتی محافظه کار روحانی علما، که در رگهای سعودی و نزولی شما در سراسر کشور واقع شده است، بسیار در جامعه افغانستان، و همچنین موضع‌گیری در جهت فعال تر کردن صلح.

بنابراین سازمان کنفرانس اسلامی همچنان از این تغییر مفهومی حمایت می‌کند، که می‌تواند به تدریج حرکت کند و علت جنگ و درگیری را از درون جامعه افغانستان خارج کند. این یک قدم اساسی برای امیدوار کردن است. من پیچیدگی مسئله در افغانستان را دست کم نمی‌گیرم. هرکسی که مجبور به معامله با افغانستان شود، یا به افغانستان متعهد باشد، ابتدا باید به افغان‌ها گوش کند. ما هرگز نباید دست کم بگیریم و هیچ کس هرگز نباید مردم افغانستان را دیکته کند، وعده‌های غذایی پخته شده در آشپزخانه‌های خارجی. افغان‌ها کاملاً قادر به تقویت و مهندسی صلح خود هستند. ما باید با فراهم آوردن و آماده

سازی شرایط ، به آنها کمک کنیم تا به یک روند واقعاً صلح تحت رهبری افغانها بروند. من فکر می کنم تاریخ در حال آماده سازی است ، و من توهم گرایانه اما خوش بین هستم ، ما به لحظه ای نزدیک می شویم که افغان ها آن فرصت را بدست آورند. ما باید در کنار افغانستان بایستیم و با همبستگی رفتار کنیم.

فرشته کریم:

ابتدا باید مشاهدات خودم را باید در مورد افغانستان و روایت های حاکم در مورد صلح را بیان می کنم. سپس در مورد آینده و نقش ما در آینده باید صحبت کنیم. اولین روایت این بود که افغان ها از جنگ خسته شدند و باید صلح شود. ولی به کدام قیمت. وقتی این سوال پرسیده می شد، مشخص می شد که مواعی در راه صلح وجود دارد به خصوص زنان به عنوان یک مانع صلح مدنظر قرار گرفته می شدند. یکی از راه کارهایی که توانست تعریف صلح و قیمت های رسیدن به صلح را برای زنان بیان کند، جنبش خط سرخ من بود. این جنبش توانست روایت های مردم از صلح و قیمت های رسیدن به صلح را بیان کند. طالبان تنها ما را نمی کشند، بلکه ارزوهای ما را می کشند. این غم انگیز است که در قرن ۲۱ ارزی ما این است که فقط زنده باشیم.

این فرصت طلایی است که به این سوال پاسخ بدهیم ما چه نوع صلح را می خواهیم. صلح پایدار به همراه توقف جنگ و آتش بس؟ این کنفرانس فرصتی را فراهم کرد که تعریف ما از صلح را منعکس کرد و خیلی خوشحال هستیم که صلح را به عنوان توقف جنگ ببینیم و صلح را بالاتر از آن ببینیم. در یک وضعیت صلح امیز، باید اطفال این کشور ارزوهای بزرگتر کنند.

سوال این است که آیا در یک وضعیت صلح امیز آیا زنان حقوق خود را دارند یا خیر؟ هر چند که بسیار ارمانی است هست ولی باید این را بگوییم که برای وضعیت صلح باید برنامه های خود را داشته باشیم. اما در نه ماه گذشته ما ارمان های خود را کنار گذاشته بودیم. ترس از طالبان از خودشان بیشتر هراس انگیز تر شده بود.

در مورد نظام سیاسی این مهم است که تفاوت میان امارت و جمهوری فقط یک تفاوت لفظی نیست. این دو نظام در مورد تفاوت ارزوها و ارمان ها می باشد.

افغانستان کشور جوانان است. ۴۷ درصد جمعیت افغانستان زیر ۱۵ سال هستند. یک مسئولیت اخلاقی داریم که آنها بتوانند رشد کنند نه نظامی که موروث اجداد و پدرمان ما هست که ما هم تحت رنج چنین نظامی هستیم. به علاوه چگونه ما جوانان را داخل پروسه های سیاسی اجتماعی کنیم. صلح باید متضمن انکشاف باشد متضمن فرصت ها باشد نه اینکه فرصت های آنها را محدود بسازد.

امیدوار هستیم که در پروسه های بعدی صلح، در مورد آینده ی زنان و اطفال بیشتر دقت کنند و آنها را دخیل این پروسه ی صلح کنند.

پرسش و پاسخ:

پرسش: چگونه ارزوها را با وضعیت فعلی متشنج می توانیم رابطه ای ایجاد کنیم؟

پاسخ: من در این مورد ترس دارم. این سوال بسیار سخت است. ما نزدیکان، دوستان، همصنفی های خودمان را از دست داده ایم. امنیت ادمی را زنده می ماند. آیا فقط به امنیت ضرورت داریم؟ آیا ما به فکر آزاد، کشف استعداد و پتانسیل هایمان ضرورت نداریم؟ این سوال صدها طفل ما می باشد.

پرسش: اگر قرار باشد مذاکرات احتمالی میان امریکا و طالبان باشد و اگر یکی از پیش شرط های این مذاکرات، لغو توافقنامه ای امنیتی میان افغانستان و امریکا باشد، چه خواهد شد؟ اگر دیوارهای بی باور را از میان برداریم، و اگر در کنفرانس های ملی و بین المللی از روایت های صلح و ادبیات صلح سازی صحبت نکنیم، آیا صلح آمدنی خواهد بود؟ نگرانی ها در مورد عدم حضور زنان در پروسهی صلح را چگونه توصیف می کنید؟

پاسخ: آمریکا به دنبال یک خروج مسئولانه و ابرومندانه است، به همین دلیل وقتی که امریکا در توافق با طالبان خارج می شود، آیا توافقنامه امنیتی معنا خواهد داشت؟ از نظر من طالبان دشمن است اما با این دشمن باید صلح صورت بگیرد.

پاسخ: فکر می کنم نگرانی فقط در مورد خانوم ها وجود ندارد همانطور که ما دیدیم، دولت ما در سر میز مذاکره نبود و این به معنای دخیل نبودن هیچ کس در مذاکره است. که قابل نگرانی می باشد.

پرسش: همانطور که گفتید OIC دارای استراتژیک دارد که هیچ سازمان بین المللی دیگری از آن برخوردار نیست و قادر است از طرف اسلام صحبت کند ، اما تاکنون چگونه سازمان شما از این دارای استراتژیک برای ایجاد صلح در افغانستان استفاده کرده است؟ شما گفتید که افغانها تنها نیستند ، جهان اسلام از افغانها پشتیبانی می کند. اما ما رنج و خونریزی داریم و برخی از جهان اسلام از طالبان و سایر گروه ها حمایت می کنند. چگونه می خواهید در نهایت به نفع مردم افغانستان از دارای خود استفاده کنید؟

پاسخ: خوب ، حضور من در کابل سمبل تعهد OIC است. این دفتر چند سال پیش افتتاح شده است. ممکن است آنطور که افغانها می خواستند فعال نباشند فعال باشند ، اما اساساً OIC مانند یک سازمان مانند سیستم اتحادیه اروپا و سازمان ملل نیست و هنوز در سالهای سازنده آن است. افغانستان عضو موسس آن است. افغانستان باید لابی کند و مسیر خود را ایجاد کند. این همچنین یکی از راه های ایجاد یک روند صلح واقعاً تحت رهبری افغانستان خواهد بود. شما باید جایی را که می خواهید بسازید و چگونه می خواهید OIC درگیر شود. متأسفانه برخی از مردم افغانستان این عادت را دارند که از دوستان و همپیمانان خود انتظار داشته باشند که چیزهایی را برای آنها تهیه کنند ، زیرا این راه آسان است. اما این راه حل مورد نظر و مطلوب آنها را برای آنها فراهم نمی کند ، در حالی که اگر واقعاً افغان ها برای ساخت و ساز و مهندسی صلح خود تلاش کنند ، ما از این امر دور نخواهیم شد.



از همه شما سپاس گزار هستم که تشریف آوردید و اینکه امیدوار هستم که چند روزی که در افغانستان و هرات بودید، به همه شما خوش گذشته باشد. تنها پیامی مشخصی که می خواستم در این نشست داشته باشم در مورد افغانی شدن پروسه مذاکرات صلح بود. ما امیدوار هستیم که نه تنها از لحاظ سیاسی بلکه از لحاظ جغرافیایی هم این پروسه، پروسه افغانی باشد. می توانم بگویم که نشست صلح ما در هر ولایت افغانستان می تواند برگزار شود. حالا چون در هرات هستیم و والی هرات دیروز اشاره کردند که ولایت هرات می تواند هر نوع نشست و کنفرانس در مورد صلح را میزبانی کند و ما هم در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان به عنوان بخشی از مردم افغانستان آماده هستیم که در این پروسه سهم داشته باشیم

سیاس گزاری ویژه از دوستانی که از بیرون از افغانستان تشریف آوردند و از نیروهای امنیتی داریم که در این دو سه روز، ۲۴ ساعت از ما و شما محافظت و پاسبانی کردند و همچنین از نهادهای دولتی، دفتر شورای امنیت، وزارت داخله، وزارت خارجه، ارگان های محل، دفتر والی هرات، از مقام والی صاحب و تمام نهادهای دخیل و مردم شریف هرات تشکری می کنم.

از تمویل کنندگان سلسله نشست های کنفرانس امنیتی هرات: سفارت جمهوری هند، سفارت ایالات متحده آمریکا، سفارت جمهوری فرانسه و بنیاد آسیا سیاس گزاری ویژه می کنم. امیدوارم در دور نهم نشست امنیتی هرات که به تاریخ ۱۸ و ۱۹ میزان ۱۳۹۹ برگزار خواهد شد، بتوانیم باز هم میزبان شما باشیم و امیدوارم که موضوع کنفرانس سال بعدی «صلح را چگونه تقویت کنیم»، باشد.

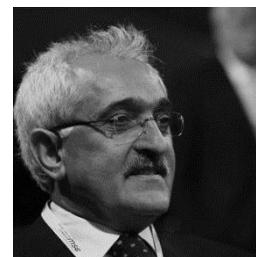
عبدالقیوم رحیمی

عبدالقیوم رحیمی والی ولایت هرات می‌باشد. ایشان تجربه کاری در اداره‌های دولتی و خارجی را دارد. عبدالقیوم رحیمی قبلاً به عنوان رییس دفتر حمایت‌های مردمی اداره ارگان‌های محلی کشور ایفای وظیفه می‌نمود. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد در بخش مدیریت و تجارت می‌باشد. عبدالقیوم رحیمی طی حکمی از سوی محمد اشرف غنی رییس جمهوری افغانستان رسماً به عنوان والی جدید ولایت هرات معرفی شد.



دکتر رنگین دادفر اسپنتا

دکتر رنگین دادفر اسپنتا مشاور سابق امنیت ملی افغانستان، وزیر سابق امور خارجه و مشاور ارشد رئیس جمهور حامد کرزی در امور بین‌المللی ایفای نقش کرده است. دکتر اسپنتا در طول تهاجم شوروی به افغانستان قبل از رفتن به آلمان به ترکیه عزیمت کرد. وی در آلمان به عنوان دستیار استاد در رشته علوم سیاسی در دانشگاه آخن فعالیت داشت. وی همچنین به عنوان سخنگوی اتحاد دموکراسی در افغانستان فعالیت داشته و عضو حزب سبز آلمان بود. دکتر اسپنتا پس سقوط رژیم طالبان به کابل برگشته و زمان کوتاهی را نیز در دانشگاه کابل به تدریس پرداخته است.



سفیر رولاند کوبیا

سفیر رولاند کوبیا در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۹ به عنوان "فرستاده ویژه اتحادیه اروپا در افغانستان" منصوب شد. وی متخصص جوامع در حال منازعه و در فرآیند گذار، فرآیندهای صلح و ابتکارهای آشتی، موضوعات امنیتی منطقه‌ای و دولت سازی در ۱۷ سال گذشته می‌باشد. پیش از وظیفه‌ی فعلی خود، رولاند کوبیا اولین سفیر مقیم اتحادیه اروپا در میانمار / برمه ۲۰۱۳ بود، ایشان همچنین اولین سفیر تمام مدت اتحادیه اروپا در جمهوری آذربایجان ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ بودند. در اوایل او معاون مأموریت در جمهوری دموکراتیک کنگو بود، ایشان در این دوره‌ی فعالیت در مورد سیاست منطقه‌ای و منازعات بزرگ را پوشش می‌دادند. وی همچنین به عنوان رئیس بخش سیاسی منطقه‌ای در کنیا خدمت کرده و امور سیاسی، درگیری‌ها و روند صلح را در ۱۲ کشور شاخ آفریقا و مناطق بزرگ آفریقا پوشش داده و مذاکرات و میانجی‌گری‌های توافق‌های صلح را انجام داده است.



عبدالله آزاد خنجانی

آقای عبدالله آزاد خنجانی یک خبرنگار برجسته است که به عنوان رئیس تلویزیون یک فعالیت می کند. آقای عبدالله خنجانی بورس تحصیلی الکساندروس پترسن را دریافت کرده است که برای ارائه بهترین و درخشان ترین دانشجویانی که در افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی زندگی می کنند، فرصتی برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در بخش مطالعات جنگی فراهم می کند. وی در دانشگاه کنگز کالج لندن تحصیل کرده است.



دکتر تیمور شاران

دکتر تیمور شاران متولد سال 1363 در ولایت بامیان می باشد. دکتر شاران، سند دکترای خویش را از دانشگاه اکستر کشور بریتانیا، در رشته‌ی حکومتداری و سیاست در سال 1392 بدست آورده است. دکتر شاران در مطالعات توسعه از پوهنتون کمبریج ماستری دارد. ایشان در سال 1395 به مدت یک سال رهبری گروه بین المللی بحران (International Crisis Group) را در افغانستان به عهده داشت. وی از ماه جون سال ۲۰۱۵ به مدت یکسال، در موسسه بنیاد آسیا (Asia Foundation) ریاست بخش مدیریت برنامه‌ها را برعهده داشت. وی در سال ۱۳۹۶ بر اساس حکم رئیس جمهور غنی به عنوان معین مسلکی و پالیسی اداره‌ی مستقل ارگان‌های محل تقرر حاصل نمودند.



دکتر محی‌الدین مهدی

دکتر محی‌الدین مهدی، نویسنده، پژوهشگر و عضو پیشین مجلس نمایندگان افغانستان، دارای مدرک دکترا در رشته زبان شناسی از اکادمی علوم تاجکستان است. وی عضو لویه جرگه اضطراری، عضو لویه جرگه قانون اساسی افغانستان، استاد زبان و ادبیات دانشگاه کابل و عضو مجلس نمایندگان در دور شانزدهم بود. آقای مهدی، کتاب‌ها و مقالات زیادی را نگارش کرده است، که می‌توان از گفتمان ملی افغانستان، درست نویسی، تاریخ زبان و ادبیات نام برد.



مریم صافی

مریم صافی مدیر و موسس سازمان تحقیقات پالیسی و مطالعات توسعه می باشد. این سازمان تحقیقاتی یک اندیشکده برجسته در افغانستان تلقی می شود متعهد به تقویت ایده ها و ارزش‌های دموکراتیک نیز می باشد. از ایشان در شبکه رسانه‌های دیپلماتیک قاصد به عنوان یکی از زنان برتر جهانی در سال ۱۳۹۳ به دلیل سهم‌شان در جامعه تحقیقاتی در افغانستان تقدیر شد. وی عضو گروه سیاست افغانستان، همکار ارشد در انستیتوت مطالعات امنیت ملی سریلانکا و فارغ‌التحصیل در مرکز مطالعات استراتژیک آسیای جنوب شرقی و یک کارشناس محلی برای ایجاد صلح برای صلح مستقیم است. خانم صافی دارای مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات بین المللی صلح از دانشگاه تحت نظارت سازمان ملل متحد برای صلح در سن خوزه (کاستاریکا) است.



لطف الله نجفی زاده

لطف الله نجفی زاده خبرنگار و از هشت سال بدین سو رییس شبکه خبری طلوع نیوز می باشد. در راستای کار خبرنگاری و مدیریتی اش، آقای نجفی زاده در سال ۱۳۹۵ مدال «قهرمان آزادی بیان» را از سوی سازمان خبرنگاران بدون مرز گرفت و در همین سال مجله تایمز وی را از جمله «نسل آینده رهبران جهان» لقب داد و در سال بعد مجله فوربس وی را از «تاثیرگذاران رسانه‌ای زیر سن سی سال آسیا» خواند. آقای نجفی زاده عضو شورای جهانی نهاد جامعه آسیا است و از پژوهشگران بنیاد رامسفلد و انستیتوت جهانی مطبوعات است. وی لیسانس اقتصاد دارد.



معتصم آغا جان

معتصم آغا جان، وزیر مالیه‌ی پیشین طالبان، دستیار ملا عمر و از جمله اعضای معتدل این گروه به شمار می‌رود. معتصم آغا جان پس از فروپاشی حاکمیت گروه طالبان، مسئول سیاسی شورای رهبری طالبان موسوم به شورای کوپته بود. وی از پاکستان به ترکیه رفت و در آنجا تلاش‌هایی را برای گفت‌وگو با دولت افغانستان و مقام‌های آمریکایی به نمایندگی از طالبان آغاز کرد. معتصم آغا جان میانجی‌گری مذاکرات صلح میان حکومت افغانستان و طالبان برعهده داشته است.



دکتر جعفر مهدوی

دکتر جعفر مهدوی دبیرکل حزب ملت افغانستان می‌باشد. ایشان مدرک کارشناسی و دکتری خود را از دانشگاه تهران و مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه تربیت مدرس تهران کسب نمودند. ایشان موسس دانشگاه غرjestان در کابل می‌باشند. همچنین وی به عنوان مشاور وزیر «کار و امور اجتماعی» و مشاور وزیر معارف و همکاری با احزاب سیاسی فعال آن دوران و انتخاب بعنوان «منشی جرگه ملی - مشورتی صلح» به ریاست استاد برهان الدین ربانی فعالیت کرده است. ایشان مولف کتاب‌های جامعه شناسی سیاسی طالبان و تحلیل فرایند دموکراتیک سازی در افغانستان می‌باشند. وی در سال ۱۳۸۹ در انتخابات دوره شانزدهم پارلمان به عنوان نماینده‌ی مردم کابل در پارلمان انتخاب شدند.



شعیب رحیم

شعیب رحیم مشاور ارشد وزارت دولت در امور صلح می‌باشد. وی پیش از این به عنوان معاون شهردار کابل و همچنین مشاور ارشد وزیر دفاع فعالیت کرده است. ایشان فولبرایتر، همکار انجمن آسیا، همکار بنیاد رامسفلد و از فارغ التحصیلان دانشگاه دوک می‌باشد.



دکتر سردار محمد رحیمی

دکتر سردار محمد رحیمی متولد سال ۱۳۵۶ ارزگان می‌باشد. وی فارغ التحصیل رشته جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۷ می‌باشد. دکتر رحیمی ماستر علوم سیاسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ و دارای لیسانس بهداشت محیط زیست در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه تهران است. وی از سال ۱۳۹۱ بدینسو عضو گروه گروپ پالیسی افغانستان می‌باشد. دکتر رحیمی پس از پایان تحصیلات خود در دانشگاه -های خصوصی و دولتی کابل مشغول تدریس شد. او هم‌زمان در وزارت شهرسازی به عنوان مشاور وزیر ایفای وظیفه نموده است. او در سال ۱۳۹۳ پس از تشکیل حکومت وحدت ملی به عنوان معین سوادآموزی وزارت معارف تا کنون مشغول انجام وظیفه است.



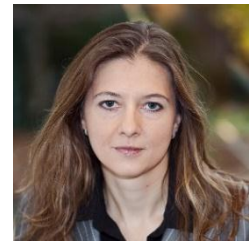
نذیر کبیری

نذیر کبیری بنیان‌گذار و مدیر اجرایی انستیتوت البیرونی می‌باشد. ایشان به عنوان مشاور ارشد وزیر مالیه در طول شش سال فعالیت کرده‌اند. ایشان همچنین یکی از میانجی‌گران اصلی میان وزارت مالیه افغانستان و موسسات بین‌المللی و تمویل‌کنندگان جهانی بودند. نذیر کبیری دارای مدرک مدیریت از کوریای جنوبی، کارشناسی اقتصاد از دانشگاه کابل و کارشناسی ارشد اقتصاد توسعه از ایالات متحده می‌باشد. ایشان در مورد موضوعات مربوط به اقتصاد افغانستان و مسایل منطقه‌ای با رسانه‌های جهان در ارتباط می‌باشند.



دکتر واندا فیلباب براون

دکتر واندا فیلباب براون عضو ارشد مرکز امنیت و اطلاعات قرن بیست و یکم در برنامه سیاست خارجی در بروکینگز است. او همچنین مدیر پروژه «بهبود سیاست جهانی مبارزه با مواد مخدر: دیدگاه‌های مقایسه‌ای بعد از ۱۳۹۵» بروکینگز است. همچنین ایشان مدیر یکی دیگر از پروژه‌های بروکینگز به نام «بازسازی ساختار بومی» است. فیلباب براون کارشناس منازعات بین‌المللی و داخلی و تهدیدهای امنیتی غیرمستقیم از جمله شورش، جرایم سازمان یافته، خشونت شهری و اقتصادهای جرمی می‌باشد. تحقیقات میدانی شامل افغانستان، آسیای جنوبی، برمه، اندونزی، منطقه آندی، مکزیک، مراکش، سومالی و شرق آفریقا می‌باشد.



سید عبدالوحید قتالی

سید عبدالوحید قتالی متولد سال ۱۳۶۳ خورشیدی و فارغ التحصیل رشته هنر های زیبا از دانشگاه هرات می‌باشد. وی در اوایل سال ۱۳۸۲، موسسه هری فلم را تاسیس و در چارچوب آن مشغول تولید فیلم‌های مستند، داستانی و همچنان سریال‌های تلویزیونی و سرودهای میهنی شد. او در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ عضویت دور دوم شورای ولایتی هرات و ریاست شورای ولایتی هرات را بر عهده داشت. بعد از آن وی به عنوان شهردار هرات منصوب شد. ایشان طی حکمی از ارگ ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در ثور ۱۳۹۷ به عنوان رئیس عمومی اداره امور ریاست جمهوری گماشته شد.



جیهوتی ملهوترا

جیهوتی ملهوترا سردبیر امور ملی و استراتژیک در وب سایت پرینت در دهلی نو هند می‌باشد. ایشان به مدت ۳۵ سال است که روزنامه‌نگار می‌باشد و در مورد مسائل پالیسی و سیاست خارجی در این روزنامه می‌نویسد. همچنین ایشان در مورد تاثیرپذیری آسیای جنوبی از قدرت‌های بزرگ مقالاتی را نگاشته‌اند. ایشان معتقدند که مسئولیت پذیری قدرت‌ها باید با اخلاق و این واقعیت تقویت شود که همسایگان چاره‌ای جز زندگی در کنار یکدیگر ندارند.



پروفیسور کرول کریستین فیر

پروفیسور دکتر کرول کریستین فیر، استاد برنامه‌ی مطالعات امنیتی در مدرسه‌ی روابط خارجی ادمنند والاش وابسته به دانشگاه جورج تاون در ایالات متحده آمریکا است. او قبلاً به عنوان پژوهشگر ارشد علوم سیاسی با موسسه‌ی تحقیقات راند و نیز دفتر معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) کار کرده است. حوزه‌ی تحقیقات خانم فیر امروز سیاسی و نظامی جنوب آسیا، از جمله افغانستان، پاکستان، هند بنگلادش و سریلانکا است و در این زمینه کتاب‌هایی تالیف و یا در تالیف آن کمک کرده است. «چالش‌های پابرجای پاکستان»، «پلیس و شورشیان» و «اسلام سیاسی و حکومتداری» از جمله این کتاب‌هاست. خانم فیر دکترای خود را از دانشکده‌ی تمدن و زبان‌های جنوب آسیا از دانشگاه شیکاگو دریافت کرده است.



سفیر راکش سود

سفیر راکش سود دیپلمات، نویسنده و متخصص امور خارجه سابق هندی است. وی در سپتامبر ۲۰۱۴ به عنوان فرستاده ویژه نخست وزیر (آقای من موهان سینگ) برای خلع سلاح و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای منصوب شد. وی در کالج سنت استفان دهلی، در رشته‌ی فیزیک تحصیل کرد و در سال ۱۳۵۵ به خدمات خارجی هند پیوست. ایشان به عنوان سفیر هند در افغانستان و نپال، سفیر و نماینده دائمی در کنفرانس خلع سلاح در ژنو خدمت کرده است. وی همچنین به عنوان معاون رئیس مأموریت در سفارت هند در واشنگتن دی سی خدمت کرده است. سفیر سود همچنین دبیر اول و مشاور در کمیسیون عالی هند در اسلام آباد و دبیر اول در ماموریت دائم هند در دفاتر سازمان ملل در ژنو، جدا از خدمت در مأموریت‌های دیپلماتیک هند در بروکسل و داکار بوده است.



بشرا گوهر

بشرا گوهر سیاستمدار پاکستانی است که رهبر حزب ملی عوامی است و از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ به عنوان عضو شورای ملی پاکستان خدمت کرده است. گوهر دانشجوی رشته‌ی اقتصاد در دانشگاه پیشاور بود و از دانشگاه ویلمینگتون ایالات متحده مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته‌ی مدیریت منابع بشری دریافت کرد. او همچنین یک مدرک تحصیلات تکمیلی از دانشگاه پنسلوانیا در رشته‌ی مطالعات آسیای جنوبی دریافت کرد. ایشان در پاکستان به عنوان مشاور UNDP، USAID، UKAID فعالیت کرده است.



تمیم عاصی

تمیم عاصی بنیانگذار و رئیس اجرایی موسسه مطالعات جنگ و صلح است. وی همچنین همکار در کالج سلطنتی مطالعات دفاعی لندن بوده است. ایشان به عنوان معاون سابق سیاست و استراتژی در وزارت دفاع جمهوری اسلامی افغانستان مشغول به کار بوده‌اند. وی پیش از این به عنوان مدیرکل روابط بین الملل و همکاری های امنیتی منطقه‌ای در دفتر شورای امنیت ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان خدمت کرده است. او همچنین به عنوان مدیر کل سیاست و استراتژی در شورای امنیت ملی افغانستان خدمت کرده است. عاصی همکار در نهاد جامعه‌ی آسیا و از محققان فولبرایت در دانشگاه کلمبیا بود. آقای عاصی همچنان مدرس در دانشگاه آمریکایی افغانستان بوده است.



فرحناز فروتن

فرحناز فروتن متولد ۱۹ اسد سال ۱۳۷۱ است. او در سال های پس از کشته شدن داکتر نجیب الله با خانواده اش به ایران مهاجر شد. او یکسال از آموزش بخاطر تبعیض علیه مهاجران باز ماند و در سال دیگر مکتب را در یک مکتب خصوصی تازه تاسیس از سوی افغانستانی ها شروع کرد. بعد از اتمام دوره موقت و انتخابات با خانواده به وطن برگشت. صنف هشت مکتب بور که کار در تلویزیون را آغاز کرد از برنامه برای کودکان در تلویزیون نورین. سپس به آریانا رفت مدت دو سال مجری برنامه های فرهنگی بود و بعد وارد دنیای جدی خبرنگاری در آریانا نیوز و طلوع نیوز شد. یازده سال از کار او در مطبوعات آزاد داخلی می گذرد. در این اواخر گفتگوی بین مردم افغانستان را درباره دیدگاه های برای صلح بنام کارزار خط سرخ من به راه انداخته است که هم اکنون این کارزار در ولایت هلمند به مصاحبه مردم می پردازد



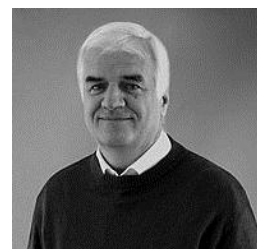
پروفسور سید حسین اشراق حسینی

پروفسور سید حسین اشراق حسینی تحصیلات عالی اش را در افغانستان و ایران در رشته تخصصی فلسفه به اتمام رسانده است. آقای حسینی بنیانگذار مؤسسه مطالعات و تحقیقات نبراس، مدیر مسئول فصلنامه علمی پژوهشی نبراس و مدرس دانشگاه های کابل و آموزش و پرورش می باشد. وی نویسنده آثار علمی همچون درآمدی بر فلسفه معاصر، هرمنوتیک و سلسله بی پایان تأویل، جستارهایی در باب زبان، گفتمان و پلورالیزم، مفاهیم کلیدی فلسفه میان فرهنگی می باشد.



پروفسور هانس یواخیم گیزمن

پروفسور هانس یواخیم گیزمن مدیر اجرایی بنیاد برغوف است. او معاون پژوهشی صلح و پالیسی های امنیتی دانشگاه هامبورگ بود. هم اکنون نماینده دانشگاه هامبورگ در برنامه کارشناسی ارشد اروپا در زمینه حقوق بشر و دموکراتیک سازی می باشد. ایشان عضو شورای برنامه جهانی مجمع اقتصادی در زمینه «تروریسم و سلاح های کشتار جمعی» بود و در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به عنوان دومین رئیس این برنامه فعالیت می کرد. ایشان هم اکنون در چهارمین دوره متوالی خود به عنوان عضو هیئت مشورتی جلوگیری از بروز بحران مدنی در وزارت امور خارجه فدرال آلمان فعالیت می کند. ایشان مولف ۴۰ کتاب و بیش از ۳۵۰ مقاله‌ی تحقیقی در فصلنامه‌های تخصصی مربوط به صلح و امنیت می باشند که به ده زبان ترجمه شده است.



نظر محمد مطمئن

آقای نظر محمد مطمئن تحلیل‌گر امور سیاسی و روزنامه‌نگار می‌باشد. وی مدرک لیسانس خود را در رشته‌ی مهندسی ساختمان از دانشگاه کابل به دست آورد. از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ همکاری خود را با بخش پروژه‌های سازمان ملل در قندهار و کابل انجام داد. بعد از اتمام این مأموریت، نظر محمد مطمئن تلاش‌های خود را برای مذاکره با گروه‌های مسلح مخالف دولت افغانستان آغاز کرد. ایشان در همایش‌های صلح اسلام آباد، استانبول و وارسا، که برای برقراری صلح و آشتی در افغانستان برگزار شده بود، اشتراک کرد.



سفیر جاوید لودین

آقای جاوید لودین در سال ۱۳۵۲ در کابل متولد شد. وی در رشته‌ی طب دانشگاه کابل پذیرفته شد. جاوید لودین در سال ۱۳۷۷ تحصیلات خود را در لندن از سر گرفت و در رشته سیاست و جامعه‌شناسی تحصیل کرد. در سال ۱۳۸۱، وی مدرک کارشناسی ارشد خود در رشته‌ی نظریه‌های سیاسی را از دانشگاه لندن به دست آورد. جاوید لودین در سال ۱۳۹۰ معاون وزیر امور خارجه در امور سیاسی بود. وی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ سفیر افغانستان در کانادا بود.



سفیر سید رسول موسوی

سفیر سید رسول موسوی متولد ۱۳۳۷ و از دیپلمات‌های ارشد جمهوری اسلامی می‌باشد. آقای موسوی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰ مدیر کل روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران بود. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز در وزارت خارجه‌ی ایران شد. در سال ۱۳۷۵ به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان منصوب شد. وی در سال ۱۳۸۰ بعد از بازگشت به ایران مجدداً رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شد و در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ مدیر کل مطالعات سیاسی و بین‌المللی شد. ایشان از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ سفیر ایران در فنلاند منصوب شدند.



دکتر بختیار مصطفایف

دکتر بختیار مصطفایف پژوهشگر ارشد در انستیتوت مطالعات استراتژیک و منطقه‌ای زیر نظر دفتر ریاست جمهوری ازبکستان می‌باشد. وی مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته‌ی روابط بین‌الملل در دانشگاه اقتصاد جهانی و دیپلماسی زیر نظر وزارت خارجه‌ی ازبکستان کسب کرده‌اند. ایشان به عنوان مشاور ارشد در اداره‌ی ریاست جمهوری ازبکستان فعالیت کرده‌اند. همچنین ایشان ریاست انستیتوت مطالعات استراتژیک و منطقه‌ای زیر نظر دفتر ریاست جمهوری ازبکستان را بر عهده داشته‌اند.



سفیر رابین رافل

سفیر رابین رافل متخصص مسائل سیاسی، امنیتی و توسعه اقتصادی در جنوب آسیا و خاورمیانه است. ایشان به به عنوان یک کارشناس خدمات خارجی مسلکی، نزدیک به ۴۰ سال در نهادهای امور خارجه ایالات متحده از جمله وزارت امور خارجه، نمایندگی ایالات متحده آمریکا در امور توسعه بین‌المللی و وزارت دفاع آمریکا خدمت کرده است. او نخستین دستیار وزیر امور خارجه در امور آسیای جنوبی، سفیر در تونس، معاون دانشگاه دفاع ملی و معاون بازرسی ویژه بازسازی عراق بود. ایشان همچنین در اوایل کار خود در اوایل کار خود در پاکستان، هند، آفریقای جنوبی و انگلستان خدمت کرد. وی عضو شورای روابط خارجی و مشاور ارشد در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی می‌باشد. سفیر رافل دارای مدرک لیسانس تاریخ و اقتصاد از دانشگاه واشنگتن و دارای مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد از دانشگاه مرلند و تاریخ مدرن اروپا از دانشگاه کمبریج در انگلستان است.



سمیع الله مهدی

آقای سمیع‌الله مهدی، رییس دفتر رادیو آزادی در افغانستان و استاد دانشگاه کابل می‌باشد. آقای مهدی دارای مدرک لیسانس از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل و مدرک کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه ماساچوست آمریکا می‌باشد. آقای مهدی، کارنامه درخشان در عرصه روزنامه‌نگاری و مدیریت رسانه‌های در افغانستان دارد. آقای مهدی قبلاً، مدیریت مرکز روزنامه‌نگاری تحقیقاتی پیک، مشاور راهبردی طلوع‌نیوز، رییس اجرائیه‌ای تلویزیون خورشید، مدیر اخبار در تلویزیون یک را در کارنامه خود دارد. آقای مهدی در سال ۱۳۹۱، جایزه معتبر جهانی روزنامه‌نگاری نایت را از مرکز بین‌المللی روزنامه‌نگاران (ICFJ) برای گزارش‌های عالی و شجاعش دریافت کرد.



فرشته کریم

فرشته کریم کار خود را از ۱۲ سالگی آغاز کرد و به عنوان روزنامه نگار در شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی در افغانستان مشغول به کار شد. وی در این برنامه‌ها گزارش‌های تحقیقاتی درباره وضعیت و چالش‌های کودکان افغان تهیه می‌کرد. فرشته در حال حاضر مدیر نهاد چهارمغز، یک سازمان غیردولتی در کابل است که به منظور ترویج تفکر انتقادی در میان کودکان از طریق تأمین منابع و مکان در بس‌هایی که به کتابخانه‌های سیار تبدیل شده اند، اختصاص داده است. او قبلاً با نهادهای سازمان ملل، سازمان‌های بین‌المللی و دولت افغانستان همکاری داشته است و اخیراً به عنوان یک تحلیلگر سیاسی در دفتر رئیس‌جمهور افغانستان مشغول به کار شده است.



سفیر حسین اونی بوتسالی

سفیر حسین اونی بوتسالی نماینده دائمی و سفیر سازمان همکاری‌های اسلامی می‌باشد. ایشان در ۱۳۶۲ به عنوان مسئول میز وزارت امور خارجه‌ی ترکیه در امور امنیت بین‌المللی و ناتو ایفای وظیفه کرده‌اند. همچنین از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ به عنوان دبیر دوم و سوم در سفارت ترکیه در شهر لسبون کشور پرتغال خدمت کرده‌اند. ایشان در افغانستان نیز به عنوان دبیر اول در سفارت ترکیه در کابل از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ فعالیت نموده‌اند. همچنین ایشان در کشورهای نظیر آمریکا، یونان، عراق، مصر، بوسنی و هرزگوین و سازمان‌هایی مثل یونسکو فعالیت‌های دیپلماتیک انجام داده است. در سال ۱۳۹۷ سفیر بوتسالی توسط دبیرکل سازمان همکاری‌های اسلامی به عنوان نماینده دائمی این سازمان در افغانستان منصوب شد. ایشان فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی از دانشگاه انقره می‌باشند.



پیوست ۲: برنامه کاری

جمعه، ۲۶ میزان

نشست آغازین همایش

۹:۳۰ الی ۸:۳۰	<ul style="list-style-type: none"> • تلاوت قرآن مجید • سرود ملی • مناجات خواجه عبدالله انصاری • اجرای موسیقی عرفانی • خوش آمدگویی والی هرات جناب عبدالقیوم رحیمی • خوش آمدگویی توسط دکتر رنگین دادفر سپینتا، رئیس بورد مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان • سخنران ویژه رونالد کوبیا نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان
جلسه اول: اجماع بین نخبگان: ملی‌گرایی و نظام سیاسی	
۱۱:۰۰ الی ۹:۳۰	<p>گرداننده: جناب عبدالله آزاده خنجانی، خبرنگار</p> <p>سخنرانان:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. دکتر تیمور شاران، معاون ارگان‌های محل: اصلاحات اداری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها ۲. دکتر محی‌الدین مهدی، عضو رهبری حزب جمعیت اسلامی افغانستان: چرایی سیستم پارلمانی برای افغانستان ۳. جناب سالم شاه ابراهیمی، معاون مشاور امنیت ملی: نهادسازی: ضامن ثبات سیاسی <p>بحث آزاد</p>
۱۱:۰۰ الی ۱۱:۳۰	صرف چای
جلسه دوم: طالبان ۱ و ۲: آیا آنها درس خود را آموخته‌اند؟	
۱۳:۰۰ الی ۱۱:۳۰	<p>گرداننده: بانو مریم صافی، رئیس نهاد پژوهش و توسعه</p> <p>سخنرانان:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. جناب معتصم آغا جان، عضو پیشین گروه طالبان: صلح در افغانستان ۲. جناب لطف‌الله نجفی‌زاده، طلوع‌نیوز: طالبان: از میدان نبرد تا میز مذاکره ۳. دکتر جعفر مهدوی، دبیرکل حزب ملت افغانستان: طالبان امروز و ساختار سیاسی فردای افغانستان ۴. جناب شعیب رحیم، مشاور ارشد وزارت دولت در امور صلح: مذاکره با طالبان؛ از دوحه تا اسلو <p>بحث آزاد</p>
۱۴:۰۰ الی ۱۳:۰۰	صرف نان چاشت
جلسه سوم: تحول اقتصادی و اجتماعی	
۱۵:۳۰ الی ۱۴:۰۰	<p>گرداننده: دکتر سردار محمد رحیمی، معین وزارت معارف</p> <p>سخنرانان:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. جناب نذیر کبیری، رئیس انستیتوت البیرونی: اقتصاد افغانستان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها ۲. دکتر واندا فیلیاب براون، پژوهشگر انستیتوت بروکینگز آمریکا: فرضیه‌های جنایت، جنگ و صلح در افغانستان ۳. جناب سید وحید قتالی، رییس عمومی اداره امور ریاست جمهوری: تعریف قابل‌تطبيق و غیر شعاری زندگی صلح‌آمیز در بستر محلی <p>بحث آزاد</p>
۱۶:۰۰ الی ۱۵:۳۰	صرف چای
جلسه چهارم: جنوب آسیا: تغییر پارادایم؟	
۱۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰	<p>گرداننده: بانو جیوتی ملهوترا، خبرنگار روزنامه پرینت هندوستان</p> <p>سخنرانان:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. دکتر کریستین فیر، دانشگاه جورج‌تاون آمریکا: چشم‌انداز ثبات در جنوب آسیا ۲. سفیر راکش سود، سفیر پیشین هندوستان در افغانستان: جنوب آسیا: تغییر پارادایم ۳. بانو بشرا گوهر، عضو پیشین پارلمان پاکستان: جنوب آسیا؛ فرصت‌ها و چالش‌ها ۴. جناب تمیم عاصی، معین پیشین وزارت دفاع ملی افغانستان: تغییر دهنده پارادایم منطقه‌ای و یا متوازن ساز روابط جی۷+۱ در جنوب آسیا

	بحث آزاد	
۲۱:۰۰ الی ۱۹:۰۰	ضیافت رسمی و برنامه فرهنگی به میزبانی والی ولایت هرات (هتل ارگ)	
	شنبه، ۲۷ میزان (هتل ارگ)	
۰۹:۰۰ الی ۸:۳۰	موسیقی سنتی عرفانی	
	جلسه پنجم: قربانیان جنگ، عفو ملی، راهکارهای صلح پایدار	
	گرداننده	بانو فرحناز فروتن، خبرنگار
۱۰:۳۰ الی ۰۹:۰۰	سخنرانان	۱. پروفیسور سید حسین اشراق حسینی، استاد دانشگاه کابل: مصالحه طالبان و چارچوب عدالت ترمیمی ۲. جناب نظر محمد مطمئن، خبرنگار: راه رسیدن به صلح ۳. پروفیسور هنس گیزمن، رئیس بنیاد برخوف آلمان: حمایت از پروسه صلح - فرصت ها و محدودیت ها برای طرف های سوم بحث آزاد
۱۱:۰۰ الی ۱۰:۳۰	صرف چای	
	جلسه ششم: اجرا و تضمین موافقتنامه صلح	
	گرداننده	سفیر جاوید لودین، معین پیشین وزارت امور خارجه
۱۲:۳۰ الی ۱۱:۰۰	سخنرانان	۱. دکتر سید رسول موسوی، دستیار وزیر امور خارجه ایران: نقش جمهوری اسلامی ایران پیرامون پروسه صلح و ثبات در افغانستان ۲. دکتر بختیار مصطفایف، رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک و منطقه ای ریاست جمهوری ازبکستان: رویکردهای ازبکستان در حل اوضاع افغانستان ۳. سفیر رابین رافیل، دستیار پیشین وزیر امور خارجه آمریکا: چارچوب روابط افغانستان با آمریکا بحث آزاد
	جلسه پایانی: نگاهی به آینده	
	گرداننده	جناب سمیع الله مهدی، رئیس رادیو آزادی
۱۴:۰۰ الی ۱۲:۳۰	سخنرانان	۱. جنرال صالح محمد ریگستانی، عضو پیشین پارلمان افغانستان؛ ملت افغانستان باید چه بهایی برای صلح بپردازند؟ ۲. بانو فرشته کریم، رئیس نهاد چهارمغز: چگونگی نقش بیشتر به جامعه مدنی، جوانان، رسانه ها و زنان در آینده ۳. سفیر حسین علی بوتسالی، نماینده ویژه سازمان همکاری های اسلامی: افغان ها می توانند صلح کنند بحث آزاد
۱۴:۰۵ الی ۱۴:۰۰	اظهار تشکری و سپاس: دکتر داوود مرادیان، رییس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان	
۱۵:۰۰ الی ۱۴:۰۵	صرف نان چاشت	
	برگشت به کابل	

پیوست ۳: فهرست شرکت کنندگان

Islamic Republic of Afghanistan (Kabul)		
Abdul Basir Azimi	Director/Office of Chief Executive	CEO
Abdul Qayoum Sajjadi	President	Khatam-u-Nabiyeen University
Abdulah Khenjani	Journalist	
Abdulghafoor Arezou	Diplomat	Ministry of Foreign Affairs
Agha Jan Motasim	Analyst	
Ahmad Ali Hazrat	Head of Nangarhar Provincial Council	
Ahmad Saeedi	Political Analyst	
Ahmad Shakib Omari	Journalist	
Ahmad Shuja	Director	National Security Council
Atifa Tayeb	Chancellor	Isteqlal University
Aziz Rafiee	Director	Afghanistan Civil Society Forum
Aziz Royesh	Director	Marefat School
Bahar Mehr	Senior Advisor	Ministry of Interior
Bahauddin Baha	Former Deputy Chief Justice	Afghan Supreme Court
Bilal Sarwary	Journalist	
Dawood Ali Najafi	Former Minister	Ministry of Transport
Mahiyuddin Mehdi	Former Member of Parliament	
Omar Sharifi	Country Director	American Institute of Afghan Studies
Farahnaz Forotan	Journalist	
Fraidoon Azhand	Spokesperson	Ministry of Rural Rehabilitation and Development
Freshta Karim	Director	Charmaghz
Hamdullah Mohib	National Security Advisor	National Security Council
Hamed Akrami	Former Governor of Kabul	
Haris Ahmadi	Civil Society Activist	
Hasina Rasuli	Senior Advisor	European Institute of Peace
Hassina Sherjan	Director	Aid for Afghanistan Education
Homayoun Ahmadi	Senior Member	Afghanistan Green Trend
Jafar Mahdawi	Former Member of Parliament	
Jawid Ludin	Former Deputy Minister	Ministry of Foreign Affairs
Liaqat Ali Ameri	Deputy Director	Ministry of Foreign Affairs
Lutfullah Najafizada	Director	TOLONews
Mansoor Faizi	Editor in Chief	Afghanistan Times
Mariam Safi	Director	Organization for Policy Research and Development Studies
Masood Tarashtwal	Director	Afghanistan Law and Political Studies Organization
Masouda Mehdizadah	Civil Society Activist	
Moein Moein	Director	119 Police – Ministry of Defense
Mohammad Jumma Adeel	DC of Academy of Police	Ministry of Interior
Mohammad Zaher Azimi	Former Spokesperson	Ministry of Defense
Moqaddasa Yourish	Former Deputy Minister	Ministry of Trade
Mukhtar Pidram	Editor in Chief	Subhe Kabul Newspaper
Naser Maimanagi	Director	Salam Watandar
Nazar Mohammad Mutmaeen	Analyst	
Nazir Kabiri	Director	Biruni Institute
Qadeer Mutfi	Spokeperson (Former)	Ministry of Mines and Petroleum
Rangin Dadfar Spanta	Chairman	AISS Advisory Board
Ramin Mazhar	Journalist	
Roya Sadat	Director	Roya Film House
Mohammad Saied Madadi	Advisor	State Ministry for Peace

Saleh Mohammad Registani	Analyst	
Salem Shah Ibrahim	Deputy	National Security Council
Samiullah Mahdi	Bureau Chief	Radio Azadi
Sardar Mohammad Rahimi	Deputy Minister	Ministry of Education
Sayed Ghulam Hussain Fakhri	Director General	High Office of Anti-Corruption
Sayed Hussain Eshraq Hussaini	Lecturer	Kabul University
Sayed Ikram Afzali	Director	Integrity Watch Afghanistan
Sayed Waheed Qataali	Director	Administrative Office of President
Shaharзад Akbar	Chairperson	Afghanistan Independent Human Rights Commission
Sharif Hassanyar	Director	Ariana News TV
Shoaib Rahim	Advisor	State Ministry for Peace
Sidiqullah Tauhidi	Director	Afghan Journalists' Safety Committee
Suraya Dalil	Chief Advisor	Ministry of Foreign Affairs
Sima Samar	State Minister for Human Rights	
Tamim Asey	Former Deputy Minister	Ministry of Defense
Tawab Ghorzang	Strat-Com Director	Ministry of Public Works
Tariq Arian	Spokesperson	National Security Council
Timor Sharan	Deputy Director	Independence Directorate of Local Governance
Waheed Muzhda	Analyst	
Waheed Paiman	Deputy Editor in Chief	Hashte Subh Daily Newspaper
Zakia Wardak	Director	Society of Afghan Women in Engineering and Construction
United States of America		
Christine C. Fair	Associate Professor	Georgetown University
Michael Rubin	Resident Scholar	American Enterprise Institute
Robin Lynn Raphael	Senior Advisor	Center for Strategic and International Studies
Vanda Felbab-Brown	Senior Fellow	Brookings Institution
Mikaela Ringquist	Grants Director	American Institute of Afghan Studies
Arab Republic of Egypt		
Ahmed Hammam	Deputy Head of Mission	Egyptian Embassy in Kabul
Mohamed Abdelhalim	First Secretary	Egyptian Embassy in Kabul
Mohamed Fayeز Farhat	Senior Researcher and Head of Asian Studies Unit	Al-Ahram Center for Political and Strategic Studies
Sahar Abdul Rahman	Deputy Editor In Chief	Al Ahram Daily News paper
Walid El Sherif	Counselor	Egyptian Embassy in Kabul
French Republic		
Thomas Watkins	Kabul bureau chief	Agence France-Presse
Federal Republic of Germany		
Hans Joachim Giessmann	Executive Director	Berghof Foundation
Republic of India		
Gajraj Singh Bhati	Consul General	Consulate General of India in Herat
Gautam Mukhopadhaya	Former Indian Ambassador to Afghanistan	Ministry of External Affairs
Jyoti Malhotra	National and Strategic Affairs Editor	The Print
Kabir Taneja	Associate Fellow and Head of West Asia initiative	Observer Research Foundation
Rakesh Sood	Former Indian Ambassador to Afghanistan	Ministry of External Affairs
Vinay Kumar	Indian Ambassador to Kabul	Embassy of India in Kabul
Rashim Bali	Defense Attaché	Embassy of India in Kabul
Bastian Chacko	Second Secretary	Embassy of India in Kabul
Islamic Republic of Iran		

Ali Akbar Baba	Deputy Consul General	Consulate General of Iran in Herat
Mohammad Sedighifar	Consul General	Consulate General of Iran in Herat
Mohsen Azizzada	Phd Researcher	Tarbiat Modares University
Sayed Hamza Safawi	Director	Institute of Islamic World Future Studies
Sayed Rasoul Mosavi	Assistant Minister for West Asia	Ministry of Foreign Affairs
Republic of Kazakhstan		
Anastassiya Reshetnyak	Senior Research Fellow	Kazakhstan Institute for Strategic Studies under the President of the Kazakhstan
Alimkhan Yessengeldiyev	Ambassador	Kazakhstan Embassy in Kabul
Talgat Karayev	Political Officer	Kazakhstan Embassy in Kabul
Islamic Republic of Pakistan		
Afrasiab Khattak	Senator (Rtrd)	Pakistan Senate
Bushra Gohar	Former Member of Parliament	Awami National Party
Muhammad Ibrahim	Consul General	Consulate General of Pakistan in Herat
Russian Federation		
Vladimir Boyko	Director of Asiatic Expert-Analytical	Center Altai State University
Democratic Socialist Republic of Sri Lanka/UK		
Shivan Mahendrajah	Research Fellow	Institute of Iranian Studies University of St Andrews
Republic of Tajikistan		
Bakhtiyor Kholikov	Director of Foreign Affairs Analysis Department	Center for Strategic Studies Under the President of the Tajikistan
Nazarov Nakhtullo	Head of Administration	Center for Strategic Studies Under the President of the Tajikistan
Republic of Turkmenistan		
Aymyrat Gochmyradov	Consul	Consulate General of Turkmenistan in Herat
Kingdom of Sweden		
Abdul Qasim Bahadury	Political Advisor	Embassy of Sweden in Kabul
Republic of Uzbekistan		
Bakhtiyor Mustafaev	Director	Institute for Strategic and Regional Studies Under the President the Uzbekistan
Furkat Nazarov	Minister Counselor	Uzbekistan Embassy in Kabul
United Nations		
Maciej Dachowski	Political Officer for Regional Affairs	United Nations Assistance Mission in Afghanistan
Primrose Oteng	Acting Head of UNAMA Herat Field Office	United Nations Assistance Mission in Afghanistan
Andriy Larin	Political Affairs Officer	UNRCCA
European Union		
Pierre Mayaudon	Ambassador	European Union Delegation in Afghanistan
Roland KOBIA	EU Special Envoy to Afghanistan	European Union
Guillermo MARTINEZ	Special Assistant to EUSE	European Union Delegation in Afghanistan
Organization of Islamic Cooperation (OIC)		
Huseyin Avni Botsali	Ambassador	Organization of Islamic Cooperation
Islamic Republic of Afghanistan (Herat)		
Abdul Qayum	Herat Governor	
Abdullah Fayez	President	Herat University
Abdulqader Kamel	Political Analyst	
Abdulrahim Asemi	Religious Scholar	
Ali Ahmad Kawa	University Lecturer	
Ali Ahmad Osmani	Former Minister of Energy and Water	
Aminullah Amarkhail	Police Chief	Herat Police Office
Aminullah Azadani	President	Foreign Relations in Herat
Amir Mohammad Esmail Khan	Former Minister of Energy and Water	
Aria Rafoofian	Director	Herat Culture Information Directorate
Barzin Khatibi	Political Analyst	

Davood Erfan	University Lecturer	
Fahim Mayar	Political Officer	UNAMA-Herat
Farooq Nazari	Member	Afghan Parliament
Fazel Mohammad Jonbesh	Army Commander	
Ghulam Davood Hashemi	Deputy Admin Director	Herat Governor Office
Ghulam Farooq Majroh	Member	Afghan Parliament
Ghulam Farooq Raseb	Institute of Research for Peace	
Ghulam Hazrat Moshfeq	Herat Municipal	Herat Municipality
Habibulrahman Pedram	Member	Afghan Parliament
Hadi Wasiqi	Lecturer	
Hamed Momen	Member	Nai-Supporting Open Media in Afghanistan
Hamed Sarfarazi	Mediothek Afghanistan	
Hanif Qaderi	Member	Afghan Parliament
Jahantab Taheri	Member	Provincial Council
Jamal Naser Habibi	Member	National Coalition Office
Jamshid Nikjo	University Lecturer	
Jawad Amid	Member	Nai - Supporting Open Media in Afghanistan
Kabir Esar	Member	Provincial Council
Kamran Alizai	Director	Herat Provincial Council
Khodad Saleh	Director	Herat Council of Clergy
Mahadi Hadid	Member	Provincial Council
Maraim Jami	Member	Women's Chamber of Commerce
Marya Bashir	Member	Provincial Council
Marzia Rahmani	Civil Society Activist	
Mirwais Azimi	Researcher	
Mirwais Fazli	Researcher	
Mohammad Naser Rahiab	President	Ghaleb University
Mohammad Rafiq Shahir	Council of Experts	
Mohammad Saleh Saljoqi	Former Member of Parliament	
Mohammad Shahir Salehi	Chief of Herat Airport	
Mohammad Siros Alaf	Civil Society Activist	
Mohammad Tareq Wameq	University Lecturer	
Monawar Shah Bahadori	Member	Afghan Parliament
Monesa Hassanzada	Deputy of Herat Governor	
Mujibulrahman Ansari	Religious Scholar	
Naheed Farid	Member	Afghan Parliament
Nasir Ahmad Rahimi	University Lecturer	
Nazir Ahmad Hanafi	Member	Afghan Parliament
Reza Khoshak	Member	Afghan Parliament
Sadeq Qaderi	Member	Afghan Parliament
Saeed Haqiqi	University Lecturer	
Sakina Hussaini	Member	Provincial Council
Sayed Amin Hamedi	President	Kahkashan University
Sayed Ashraf Sadat	Civil Society Activist	
Sayed Jawad Ramyar	University Lecturer	
Sayed Wase Khademi	Head of Sector	Herat Governor Office
Sayed Wase Saeedi	Head	WASA
Shamshar Pesarlai	University Lecturer	
Shapoor Popal	Member	Afghan Parliament
Tareq Nabi	Political Expert	
Toryalai Taheri	Member	Provincial Council
Wahid Joyan	Deputy Director	Foreign Relations in Herat
Yaqoob Mashoof	Political Expert	
Yones Qazizada	Director	Chamber of Commerce
Zalmai Mayar	University Lecturer	
Zohra Aminpor	Member	Transparency Watch

پیوست ۴: بازتاب‌های خبری کنفرانس در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی

- [DW](#)
- [Dari VOA](#)
- [Alarabi Press](#)
- [The National Interest](#)
- [Washington Examiner](#)
- [Fars News Agency](#)
- [BBC Persian](#)
- [8am](#)
- [AWNA](#)
- [TOLO News](#)
- [MEHWAR](#)
- [FARAKHABAR](#)
- [1TV News](#)
- [Afghanistan Times](#)
- [Pajhwok Afghan News](#)
- [Ariana News](#)
- [Tasnim News](#)
- [8am: Transcript Dr. Spanta](#)
- [8am: Learn from the mistakes of peace talks Khalilzad is not the solution](#)
- [AWNA News](#)
- [Subhe Kabul News](#)
- [Afghanistan Times](#)
- [Independent Persian](#)
- [Tolo News](#)
- [Baztab News](#)
- [8am: Herat Security Conference and Afghanistans Long Struggle](#)
- [1TV News: US Taliban talk's best way forward to get to intra afghan dialogue raphel](#)

پیوست ۵: تصاویر کنفرانس



اجرای موسیقی عرفانی در نشست افتتاحیه کنفرانس



جریان روز اول کنفرانس (۱۸ اکتبر)



جریان روز اول کنفرانس (۱۸ اکتبر)



جریان روز اول کنفرانس (۱۸ اکتبر)



جریان برنامه فرهنگی در پایان روز اول (۱۸ اکتبر)



جریان برنامه فرهنگی در پایان روز اول (۱۸ اکتبر)



جریان روز دوم کنفرانس (۱۹ اکتبر)



جریان روز دوم کنفرانس (۱۹ اکتبر)

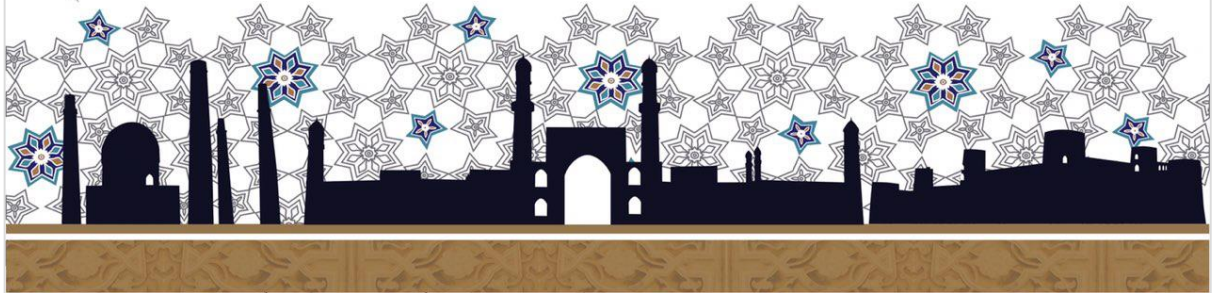
Herat Security Dialogue-VIII

18 - 19 October 2019
Herat - Afghanistan



کنفرانس امنیتی هرات

اتم نړیوال کنفرانس
۲۷ - ۲۶ میزبان ۱۳۹۸



پایان

تماس با ما

وبسایت: www.aiss.af

آدرس الکترونیکی: contact@aiss.af

فیس بوک: www.facebook.com/AISSAfghanistan

تویتر: www.twitter.com/AISS_Afg